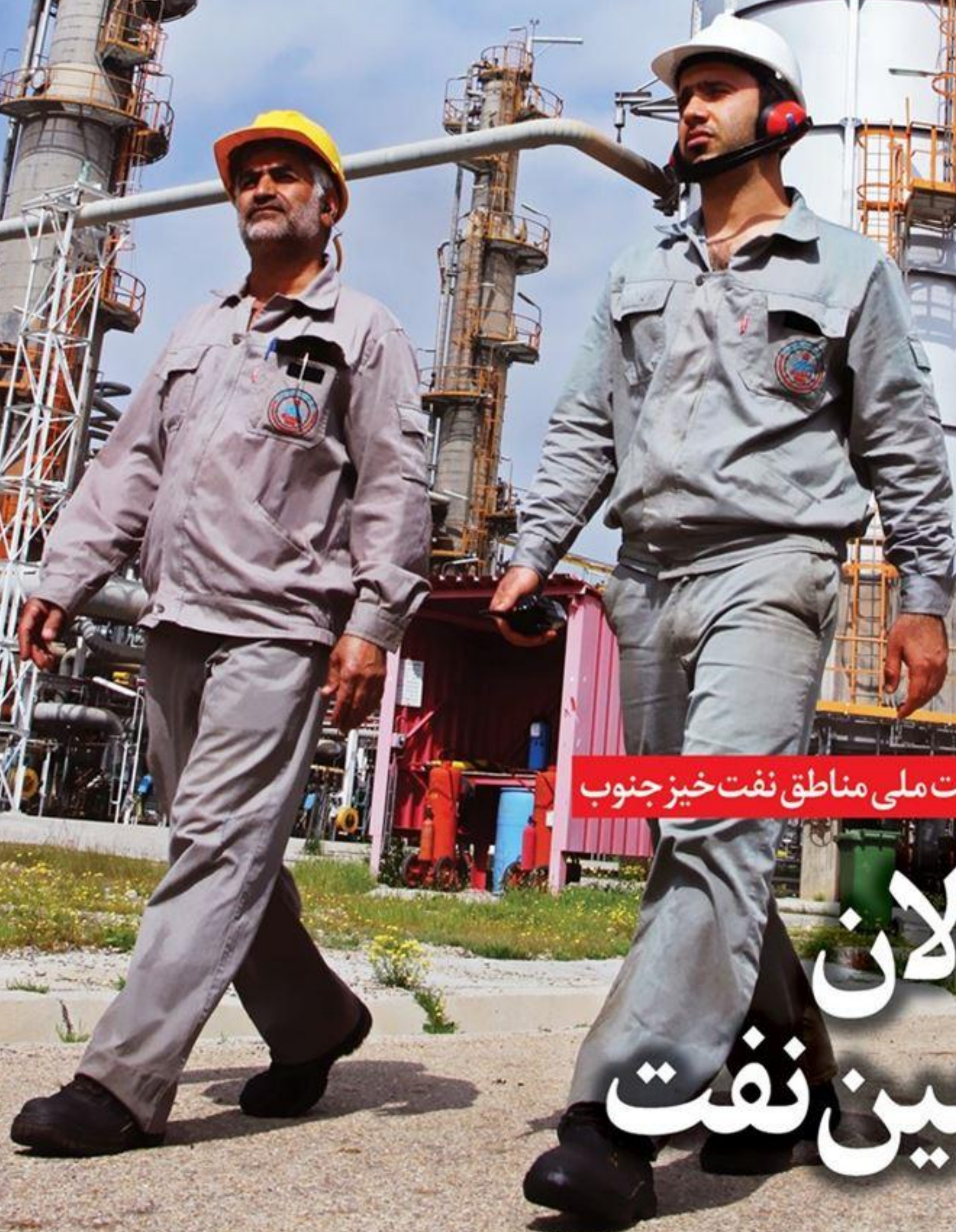


مسئله

نشریه کارکنان صنعت نفت ایران | ۶۸ صفحه | شهریور ۱۴۰۵



سختی کار در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب
به اراده می باززد

همدلان سرزمین نفت

دولت پای کار مردم مردم پای کار ایران

هفته دولت ۱۴۰۵



ولادت حضرت رسول اکرم (ص)
وامام جعفر صادق (ع) گرامی باد

- مدیر مسئول
سامان قدوسی
- رئیس امور انتشارات و مستندنگاری
جعفر پورفرجودی
- سردبیر
مهناز محمد قلی
- دبیر تحریریه
سعید محمدبگی
- همکاران تحریریه
فاطمه دهقان نیری،
یونس صادقی، حمیدرضا زینلی،
علیرضا عبدی
- همکاران فنی
طراح گرافیک: بهاره افتخاری
محمود محرابی
ویراستاری: زهرا شهبازی
موضیه بیکی قرانی
حروفچین: رقیه مصطفوی
- مدیر اجرایی و ارتباطات
عباس لطفی
- عکس
واحد عکس اداره کل روابط عمومی
وزارت نفت
- خدمات IT
مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات
روابط عمومی وزارت نفت

شهریور ۱۴۰۵



تعهدی که از دل شعله ها گذشت حریفان آتش

۳۰

وزیر نفت خبر داد:
در دل گرمای جنوب مردانی ایستاده اند
که هویت رادر خدمت می یابند

نفت و یکدلی

۱۲

افزایش
همکاری های ایران
و تاجیکستان برای
تامین سوخت و
نفت خام

۴

شرایط کاری سخت، نمی تواند موتور محرک کارکنان
شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب را از حرکت باز دارد

قطره ای از دریای خدمت

۱۴



از فوران طلای سیاه تا تولد
شرکت نفت انگلیس و ایران که
نامش با تاریخ ایران گره خورد

آغاز عصر نفت

۴۸



وقتی عشق به نفت با ورزش هم مسیر می شود

هم قدم با صنعت و سلامت

۱۶

سوخت رسانی زیر غرش جنگنده ها
در جبهه های بی نام و نشان حماسه ساز شد

خدمت رسانی بی سنگر

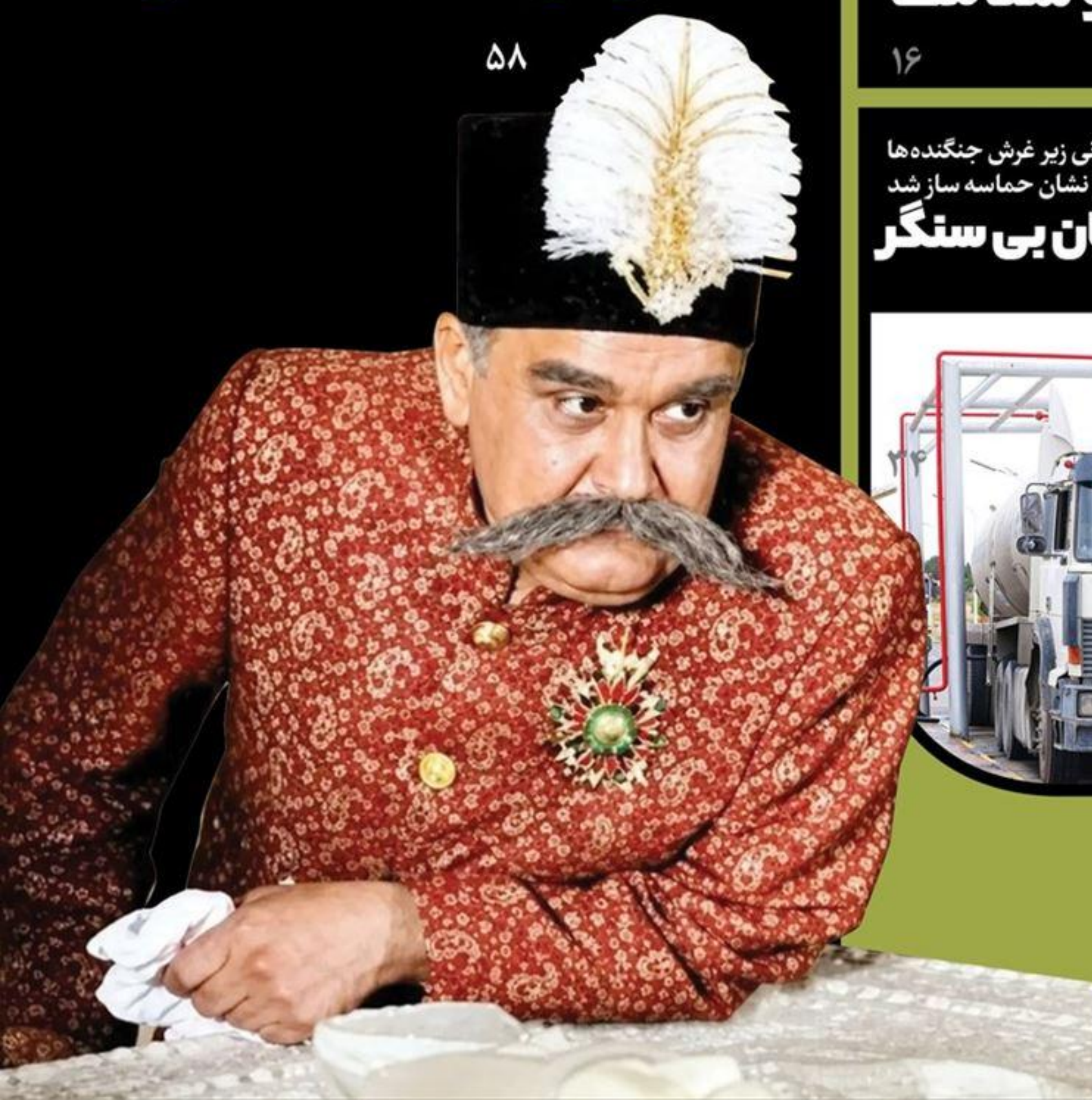
۲۰



به مناسبت درگذشت اکبر عبدی، بازیگر توانای عرصه هنر

نفت و تولد یک ستاره

۵۸



نشریه مشعل رادر
WWW.MASHAL.IR
دنبال کنید

نشانی:
تهران، خیابان طالقانی،
رو به روی ساختمان مرکزی وزارت نفت
ساختمان شماره ۳۴ - طبقه چهارم
تلفن: ۶۱۶۴۶۰۸۴
فکس: ۶۶۴۹۱۳۰۹
آدرس: گل روابط عمومی وزارت نفت
جمهوری اسلامی ایران

Email: mashal@mop.ir



از طریق
اسکن بارکد
«کیو آر»
وارد سایت
مشعل
شوید

افزایش همکاری های ایران و تاجیکستان برای تامین سوخت و نفت خام



وزیر نفت از توافق ایران و تاجیکستان برای بررسی سازوکار صادرات فراورده های نفتی مازاد ایران و تامین نفت خام مورد نیاز پالایشگاه های این کشور خبر داد و گفت: قرار است یک گروه کارشناسی، جزئیات همکاری ها را بررسی و چارچوب قرارداد بلندمدت را تدوین کند. محسن پاک نژاد پس از دیدار و گفت و گو با دلیر جمعه، وزیر انرژی و ذخایر آب و عظیم ابراهیم، وزیر حمل و نقل تاجیکستان، با اشاره به محورهای این مذاکرات بیان کرد: فرصت بسیار مناسبی بود تا درباره ظرفیت همکاری ها با تاجیکستان گفت و گو کنیم.

وی افزود: بخش عمده این مباحث بر امکان صادرات فراورده های نفتی مازاد ایران متمرکز بود تا بتوانیم بخشی از مسائل و مشکلات کشور دوست و برادر تاجیکستان را که طی این روزها در این حوزه با آن روبه روست، برطرف کنیم. وزیر نفت با بیان اینکه سازوکارهای مختلفی برای این همکاری در نظر گرفته شده است، تصریح کرد: سرانجام قرار شد برای بررسی مسائل و ورود به مباحث کارشناسی کارگروهی تشکیل شود.

پاک نژاد ادامه داد: مبنای این است که بتوانیم چارچوب قرارداد بلندمدت با تاجیکستان در زمینه تامین سوخت و نفت خام مورد نیاز پالایشگاه های این کشور را تدوین کنیم. وی با اشاره به روند رو به توسعه همکاری های ۲ کشور گفت: جمع بندی مطلوبی در این نشست انجام شد. این سومین بار است که طی ۲ سال گذشته در تهران با وزیر انرژی و ذخایر آب

تاجیکستان دیدار می کنیم و هر بار که موضوع را مطرح کردیم، خوشبختانه به صورت جدی از سوی دو طرف دنبال و زمینه های اجرای آن فراهم شده است. وزیر نفت افزود: بخش عمده ای از این همکاری ها هم اکنون در حال اجرا و عملیات مربوط به آن در حال انجام است.

پاک نژاد درباره حجم مبادلات احتمالی ۲ کشور نیز

گفت: حجم مبادلاتی که قرار است انجام شود، به شرایط لجستیک بستگی دارد و متناسب با ظرفیت های موجود اجرا خواهد شد. وزیر نفت همچنین در این نشست، از حضور امام علی رحمان، رئیس جمهوری تاجیکستان و هیئت همراه در آیین وداع و تشییع «آقای شهید ایران» قدردانی کرد.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران عنوان کرد:

صرفه جویی چشمگیر گاز با اجرای پروژه شرکت های کارور



مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از برآورد صرفه جویی سالیانه ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی با اجرای پروژه شرکت های کارور خبر داد. سعید توکلی اعلام کرد: توسعه همکاری با بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت شرکت های کارور، فرصت مناسبی برای مدیریت و بهینه سازی مصرف انرژی و شتاب بخشی به اجرای طرح های کاهش مصرف در کشور فراهم کرده است. وی ادامه داد: شرکت های کارور ظرفیت قابل توجهی برای مدیریت، بهینه سازی و کنترل مصرف انرژی در کشور ایجاد کرده اند و باید از این ظرفیت برای تحقق اهداف بهینه سازی مصرف گاز طبیعی استفاده کرد. معاون وزیر نفت در امور گاز با اشاره به اقدام های انجام شده برای توسعه فعالیت شرکت های کارور، افزود: تاکنون ۸۵ شرکت متقاضی موفق به دریافت اعتبار موقت فعالیت کاروری گاز

شده اند که این اقدام، گامی مهم در مسیر توسعه فعالیت شرکت های کارور در حوزه بهینه سازی مصرف گاز طبیعی و تسریع در اجرای طرح های کاهش مصرف در بخش های مختلف به شمار می رود. به گفته توکلی، اکنون ۸۸ قرارداد میان شرکت های گاز استانی و شرکت های کارور در ۲۹ استان کشور امضا شده و با توجه به استقبال بخش خصوصی، روند امضای قراردادها همچنان در حال افزایش است. وی با تأکید بر اینکه توسعه همکاری با شرکت های کارور و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، یکی از رویکردهای مهم شرکت ملی گاز ایران در اجرای سیاست های بهینه سازی مصرف است، گفت: این همکاری ها می تواند به اجرای هدفمند طرح های مدیریت مصرف و استفاده بهینه از ظرفیت های موجود در بخش های مختلف منجر شود.

کارور، تا پایان امسال حدود ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی صرفه جویی می شود، عددی که می تواند نقش مؤثری در مدیریت مصرف و کمک به پایداری شبکه گاز کشور داشته باشد.

معاون وزیر نفت در توسعه مدیریت و سرمایه انسانی اعلام کرد:

وزارت نفت در مسیر پیشسازی برنامه تحول اداری



مربوط به عملکرد خود را ارائه کنند.

معاون وزیر نفت در توسعه مدیریت و سرمایه انسانی در ادامه از تصویب ارزش های اختصاصی حوزه فرهنگ سازمانی وزارت نفت خبر داد و افزود: این ارزش ها با استفاده از نظرات خبرگان و روش های علمی در حوزه فرهنگ سازمانی تدوین و تصویب شد. در مرحله بعد، استانداردهای رفتاری متناسب با گروه های شغلی مختلف تدوین و به منظور نهادینه سازی و ارزیابی، در مجموعه صنعت نفت استفاده می شود.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران:

راه حل ناترازی سوخت فقط افزایش تولید و عرضه نیست



مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران همچنین با اشاره به نگرانی ها درباره تامین خوراک پالایشگاه ها در سال های آینده بیان کرد: باید همزمان بر افزایش بهره وری، اصلاح تقاضا، بهینه سازی قیمت ها، سرمایه گذاری در بخش مصرف، استفاده از فناوری و اصلاح سازوکارهای حکمرانی تمرکز شود.

عظیمی فر با اشاره به شرایط ویژه حاکم بر صنعت پالایش و پخش در جریان جنگ تحمیلی سوم توضیح داد: با وجود آسیب ها و محدودیت های ایجاد شده در بخشی از زیرساخت های انتقال و ذخیره سازی، باتلاش کارکنان صنعت نفت و پالایشگاه ها از بروز اختلال گسترده در تامین سوخت جلوگیری شد، اما تداوم مدیریت شرایط با راهکارهای موقت و اضطراری ممکن نیست. وی با اشاره به دشواری تأمین انرژی در فصول سرد سال یادآور شد: اگرچه وضعیت ذخایر سوخت مایع مناسب ارزیابی می شود؛ اما با توجه به نیاز بخش خانگی به گاز طبیعی و ضرورت تامین سوخت نیروگاه ها، زمستان پیش رو نیازمند برنامه ریزی دقیق، اقدام پیشگیرانه و هماهنگی میان دستگاه های مسئول است.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران درباره مقابله با قاچاق سوخت نیز گفت: بررسی های داده محور نشان می دهد بخش مهمی از این پدیده در حوزه مصرف و حمل و نقل رخ می دهد، بنابراین تمرکز صرف بر مبادی عرضه کافی نیست و باید زنجیره مصرف با استفاده از سامانه های هوشمند، داده های حمل و نقلی و پایش مستمر کنترل شود. عظیمی فر همچنین از اجرای طرح پایش لحظه ای زنجیره سوخت از تولید تا مصرف، با هدف شناسایی گلوگاه ها، کاهش هزینه های اضافی، افزایش بهره وری در انتقال و توزیع و مقابله مؤثرتر با قاچاق خبر داد.

مدیرکل روابط عمومی و سخنگوی وزارت نفت:

نظام نامه روابط عمومی صنعت نفت آماده ابلاغ است



مدیرکل روابط عمومی و سخنگوی وزارت نفت بر پیوستگی در سوزهایی، بهره گیری از هوش مصنوعی و افزایش مهارت های متنوع در تولید خبر و محتوا تأکید کرد. سامان قدوسی در آیین تجلیل از فعالان عرصه رسانه در صنعت نفت که در پژوهشگاه صنعت نفت برگزار شد، با اشاره به بازدید چندساعته محسن پاک نژاد، وزیر نفت، از شبکه اطلاع رسانی شانا و ماهنامه "مشعل" همزمان با روز خبرنگار گفت: این حضور، پیامی روشن درباره جایگاه روابط عمومی و رسانه در نگاه راهبردی مدیریت ارشد وزارت نفت است.

وی با اشاره به سیاست های کلان وزیر نفت، بر ضرورت نظام مند شدن ساختار روابط عمومی و تدوین نظام نامه های اجرایی تأکید کرد و افزود: نظام نامه روابط عمومی آماده ابلاغ است و به زودی در صنعت نفت اجرایی خواهد شد. مدیرکل روابط عمومی و سخنگوی وزارت نفت در ادامه، بهره گیری از فناوری های روزآمد به ویژه هوش مصنوعی را راهکاری مهم برای تسریع فرایندهای اطلاع رسانی و مدیریت داده ها دانست و تصریح کرد: هوش مصنوعی باید به عنوان ابزاری کمکی برای هوشمندسازی جریان تولید محتوا و ارتقای کیفیت اطلاع رسانی، در همه ارکان مورد استفاده قرار گیرد. قدوسی بر ضرورت برگزاری دوره های آموزشی هوش مصنوعی در صنعت نفت تأکید کرد و گفت: استفاده از هوش مصنوعی به عنوان ابزاری مکمل در تولیدات رسانه ای باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد و مهارت استفاده صحیح و هدفمند از این فناوری در میان فعالان روابط عمومی توسعه یابد.

وی همچنین با تأکید بر ضرورت تحول در شیوه های تولید خبر ادامه داد: در صنعت نفت با چالهایی در حوزه سوزهایی هوشمندانه روبه رو هستیم که برای عبور از این چالش باید از روش های سنتی فاصله بگیریم و با رویکردی تحلیلی به سمت سوزهایی فعال حرکت کنیم.

مدیرکل روابط عمومی و سخنگوی وزارت نفت افزود: خبرنگاری نباید صرفاً به تولید محتوای مکتوب محدود شود؛ بلکه تنوع بخشی به قالب های رسانه ای و کسب مهارت های جدید برای تولید محتوای متنوع، از الزام های فعالیت رسانه ای در دنیای امروز است.

وزیر نفت در بازدید از رسانه‌های روابط عمومی وزارت نفت

رسانه، آینه شفاف واقعیت‌های جامعه است



مشعل | گرامیداشت روز خبرنگار، فرصتی مناسب بود تا مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف صنعت نفت از محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت تا دیگر مدیران صنعت نفت در بازدید از شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شانا) و نشریه کارکنان صنعت نفت (مشعل) با خبرنگاران این مجموعه‌ها دیدار و گفت‌وگو کنند.

وزیر نفت در بازدید از رسانه‌های اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، ضمن تبریک این روز به خبرنگاران و اصحاب رسانه، رسانه را به آینه‌ای شفاف تشبیه کرد و افزود: انتظار ما از یک آینه شفاف این است که اگر نهالی نوپا را مقابل آن قرار دادیم، همان نهال را نشان دهد و اگر درختی تنومند را مقابلش گذاشتیم، تصویر همان درخت را بازتاب دهد؛ این همان شفافیتی است که باید در بخش



رسانه شاهد آن باشیم. محسن پاک‌نژاد به مناسبت روز خبرنگار، با حضور در تحریریه شبکه اطلاع‌رسانی نفت (شانا)، با اشاره به جایگاه و اعتبار بین‌المللی شانا گفت: زمانی که خبری منطبق با واقعیت و به صورت حرفه‌ای منتشر می‌شود، می‌توانیم از این ظرفیت برای نمایش اقتدار جمهوری اسلامی ایران در عرصه انرژی جهان استفاده کنیم و هر اندازه این اخبار ضعیف‌تر بازتاب داده شود، به‌طور طبیعی این اقتدار هم کمتر به نمایش گذاشته می‌شود. وی با اشاره

حوزه‌های مختلف به دست شانا می‌رسد، گاهی نیازمند صحت‌سنجی است و انتظار دارم به این موضوع دقت کافی شود.

خاطرات خوبی از مشعل دارم

وزیر نفت در ادامه این بازدید، به تحریریه مشعل (نشریه کارکنان صنعت نفت ایران) آمد و ضمن تبریک روز خبرنگار، با اشاره به خاطرات و تجربه‌های خود با این نشریه گفت: از زمانی که در صنعت نفت فعالیت می‌کنم، همواره خاطرات خوبی از «مشعل» داشته و دارم. پاک‌نژاد در پایان از خبرنگاران همه رسانه‌های اداره کل روابط عمومی وزارت نفت شامل شانا، ماهنامه‌های مشعل و ایران پترولیوم و پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت (MOP) و خبرنگاران و فعالان عرصه رسانه در چهار شرکت اصلی و تابعه آن‌ها برای زحماتشان در پوشش فعالیت‌های صنعت نفت قدردانی کرد.

روایتی که باید دقیق شنیده شود

نفت در روزهای ایستادگی



مشعل | حمید بود، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران از جمله مدیران ارشدی بود که همزمان با گرامیداشت روز خبرنگار در جمع خبرنگاران این رسانه‌ها حاضر شد و ضمن قدردانی از نقش این مجموعه‌ها، از تلاش همکاران خود در روزهای جنگ ۱۲ روزه و رمضان سخن گفت و بر نقش و اهمیت رسانه‌ها در بازتاب این تلاش‌ها، همچنین چاپ و توزیع «مشعل» در میان خانواده بزرگ صنعت نفت سخن گفت. آنچه می‌خوانید شرحی است بر این دیدار.

روزهایی که کشور در صحنه‌های مختلف درگیر جنگ تحمیلی رمضان بود، صنعت نفت نیز در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار گرفت؛ روزهایی که حفظ تولید و استمرار فعالیت‌ها، نیازمند تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی مستمر و حضور کارکنان در بخش‌های مختلف صنعت نفت بود. از چاه‌ها و سکوها تا تأسیسات و کارکنان

صنعت نفت، همگی تلاش کردند جریان پایداری انرژی متوقف نشود و در شرایط دشوار جنگ، مسیر تولید و توسعه ادامه پیدا کنند.

مدیریت در صحنه

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در تشریح این مطلب افزود: همزمان با پایان روزهای جنگ رمضان، بازسازی تأسیسات

شرکت ملی نفت ایران همچنین با اشاره به روند بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده در جنگ رمضان گفت: این روند با سرعت در حال پیشرفت بوده و برای لحظه‌ای متوقف نشده است.

بورد اظهار امیدواری کرد: روند بازسازی با همین سرعت ادامه پیدا کند و حتی زودتر از برنامه تعریف شده، بازسازی تأسیسات به نتیجه برسد.

تحولات رسانه‌ای ضرورت و نیاز جامعه

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در بخشی دیگر از صحبت‌های خود، بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های اطلاع‌رسانی صنعت نفت تأکید و تصریح کرد: با توجه به تغییرات فضای رسانه‌ای و ظهور رسانه‌های نوین، روابط عمومی‌های صنعت نفت نیز باید همگام با تحولات روز، ساختاری پویا، منعطف و متناسب با شرایط جدید داشته باشند. بورد با اشاره به اهمیت تخصص و شناخت مخاطب در بازتاب اخبار صنعت نفت گفت: رسانه‌ها می‌تواند با بازتاب اقدام‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های مؤثر صنعت نفت، در تبیین دستاوردها و تقویت امید در جامعه نقش مهم ایفا کنند. وی در ادامه تأکید کرد: ضرورت ایجاد تناسب میان موضوعات تخصصی صنعت و دغدغه‌های جامعه، به‌ویژه مخاطبان حوزه اقتصادی، ایجاد می‌کند محتوای رسانه‌ای به‌گونه‌ای تولید شود که ضمن برخورداری از تخصص رسانه و دقت، برای مخاطب عام نیز قابل فهم و کاربردی باشد.

پل ارتباطی نفت و جامعه

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با تأکید بر ضرورت شناخت مخاطب در فعالیت‌های رسانه‌ای گفت: بخش‌های بزرگی مانند صنعت نفت، طیفی گسترده از مخاطبان را شامل می‌شود، از این رو

محتوای رسانه‌ای باید به‌گونه‌ای تولید شود که افزون بر جامعه تخصصی، برای خانواده‌ها و عموم مردم نیز قابل استفاده و جذاب باشد. بورد ادامه داد: بخشی از فعالیت‌های صنعت نفت در زمینه مسئولیت اجتماعی مانند اجرای برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی در مناطق محروم، ظرفیتی مناسب برای روایت رسانه‌ای دارد و می‌تواند به شکلی مؤثرتر برای جامعه تبیین شود. وی همچنین بر ظرفیت ایجاد و توسعه رسانه‌های نو در صنعت نفت تأکید کرد و افزود: راه‌اندازی و تقویت زمینه‌هایی مانند تلویزیون اینترنتی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی تخصصی می‌تواند به توسعه ارتباط مستقیم و مؤثرتر با مخاطبان کمک کند. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اعلام آمادگی برای حمایت از اقدام‌های لازم در حوزه رسانه و روابط عمومی صنعت نفت گفت: برای ایجاد سازوکارهای تازه و افزایش جابجایی و پویا بودن فعالیت‌های رسانه‌ای، هر کمکی که از سوی صنعت نفت لازم باشد، انجام خواهیم داد.

ضرورت حضور "مشعل" در خانواده نفت

حمید بود با اشاره و تأکید بر قدمت و



جایگاه «مشعل» در میان رسانه‌های صنعت نفت، بر ضرورت تقویت و بهبود محتوای این نشریه تأکید کرد. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به تغییر فضای رسانه‌ای و گسترش رسانه‌های دیجیتال گفت: همچنان برای نشریات و مجلات چاپی جایگاه مهمی قائل بوده و معتقد است که ماهنامه «مشعل» می‌تواند نقشی مؤثر در اطلاع‌رسانی نفتی و غیر نفتی داشته باشد. به گفته بورد، «مشعل» باید علاوه بر محیط کاری صنعت نفت و کارکنان، راه خود را به خانه‌های کارکنان باز کند و بایده خانواده‌ها را ارتباط بیشتری داشته باشد. به گفته وی، «مشعل» می‌تواند برای خانواده کارکنان صنعت نفت، به‌ویژه فرزندان آنان، دریچه‌ای برای شناخت بهتر نقش و جایگاه پدر و مادرشان در این صنعت باشد؛ برای نمونه، فرزند یک نیروی اقماری با مطالعه این نشریه متوجه می‌شود که پدرش در صنعت نفت چه نقشی دارد، در چه شرایطی فعالیت می‌کند و چه مسئولیتی را به عهده گرفته است. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بر جایی بودن نشریه کارکنان صنعت نفت (مشعل) و امکان توزیع آن میان خانواده‌های نفتی نیز تأکید کرد.



سختی کار در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب
به اراده می بازد

همدلان سرزمین نفت



علیرضا عیدی | صنعت نفت را نمی توان تنها با چاه ها، پالایشگاه ها و اعداد و ارقام تولید شناخت؛ بلکه روح این صنعت را باید در چهره مردان و زنانی جست و جو کرد که سال ها در گرمای سوزان جنوب، در میان دکل ها، واحدهای عملیاتی و تأسیسات عظیم نفتی ایستاده اند و بی وقفه کار می کنند. از اهواز و آغا جاری تا گچساران و ماهشهر، نفت بیش از آنکه یک صنعت باشد، شیوه ای از زندگی است؛ زندگی ای که با تعهد، سختکوشی و مسئولیت پذیری کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب گره خورده است. هرکسی که برای نخستین بار به جنوب سفر می کند، پیش از آنکه گرمای هوا را احساس کند، گرمای رفتار مردم را می بیند. مهمان نوازی و خون گرمی مردم این خطه، به ویژه کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، چنان است که غریبه ای را غریبه نمی گذارند؛ همدلی و رفاقت بخش مهمی از فرهنگ کارکنان این شرکت است؛ فرهنگی که سال ها در کنار سختی کار و شرایط خاص شکل گرفته و ماندگار شده است. در گذر از این سختی ها، مردانی را می بینی که چهره شان از سن واقعی شان سال ها بزرگ تر به نظر می رسد؛ نه به خاطر گذر زمان؛ بلکه به دلیل سال ها کار در شرایط دشوار عملیاتی، شیفت های طولانی، گرمای طاقت فرسا و مسئولیت های سنگینی که در این خطه به دوش کشیده اند. در کنار آنان، زنانی نیز حضور دارند که دوشادوش مردان، در بخش های مختلف عملیاتی، فنی و پشتیبانی، سهمی ارزشمند در پیشبرد اهداف به عهده گرفته اند و نشان داده اند که توسعه و پایداری صنعت نفت، حاصل تلاش مشترک همه نیروهای آن است. مجموعه گزارش های پیش رو در گفت و گو با برخی از کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، چکیده ای از دریای تلاش زنان و مردانی است که همدلانه در این مسیر، گامی واحد بر می دارند تا اهدافی بزرگ در این شرکت محقق شود. به پاس قدردانی از همه تلاشگران این شرکت، این شماره از نشریه کارکنان صنعت نفت ایران (مشعل)، تقدیم می شود به کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب که سهم بسزایی در پیشبرد اهداف عالی به صنعت نفت دارند.



کارکنان از پیوند مسئولیت با تعهد

در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان می‌گویند

هفتگل به وقت تولید



مشعل | ساعت هنوز به ۷ صبح نرسیده است که جاده اهواز به هفتگل، نخستین مسافران همیشگی خود را به چشم می‌بیند؛ کارکنانی که هر روز دست‌کم ۱۲۰ کیلومتر مسیر را طی می‌کنند تا پیش از آغاز فعالیت تأسیسات واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی، خود را برای شروعی دیگر به این محل برسانند. برای آنها، روز کاری از پشت میز یا اتاق‌های اداری آغاز نمی‌شود؛ از دل جاده‌ای شروع می‌شود که سال‌هاست بخشی از زندگی‌شان شده است. جاده‌ای که گرمای سوزان، خستگی پیمودن مسیر، دوری از خانواده و مسئولیت حفظ جریان تولید را در خود جای داده و مقصدش، تأسیساتی است که امنیت انرژی و تداوم تولید به آن گره خورده است. علیرضا مکنونی، مسئول عملیات نوبت‌کاری و غلامرضا عباسی، مدیر تعمیرات مکانیک واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی دو نفر از کارکنان با سابقه این واحد هستند که خاطرات سال‌ها کار در این مجموعه را با خبرنگار «مشعل» به اشتراک گذاشته‌اند؛ در ادامه مشروح این گفت و گوها را می‌خوانید.



با وجود تهدید دشمن آمریکایی-صهیونی نه تنها هیچ‌یک از کارکنان محل خدمت خود را ترک نکردند، بلکه در بسیاری از موارد، شیفت‌های کاری نیز افزایش یافت

پیمایش دو ساعت راه جاده‌ای

مکوندی سختی‌های کار را تنها در گرمای سوزان جنوب خلاصه نمی‌کند. از نگاه او، فعالیت در واحد‌های عملیاتی، مجموعه‌ای از چالش‌هاست که هر کدام بخشی از زندگی روزمره کارکنان را شکل داده‌اند؛ از کار با تجهیزات که سال‌ها از عمر آنها می‌گذرد و نیازمند تعمیرات و پایش مستمر هستند تا حضور در محیط‌هایی که دمای آنها گاه بسیار فراتر از آن چیزی است که ایستگاه‌های هواشناسی اعلام می‌کنند.

مسئول عملیات نوبت‌کاری واحد بهره‌برداری



نفت و گاز هفتگل مرکزی با بیان این که یکی از دشوارترین بخش‌های کار، پیش از ورود به تأسیسات و از جاده اهواز به هفتگل شروع می‌شود، می‌گوید: بسیاری از کارکنان، هر روز نزدیک به دو ساعت مسیر رفت و دو ساعت مسیر بازگشت را طی می‌کنند و همین رفت‌وآمد طولانی، بخش قابل توجهی از توان جسمی افراد را در شیفت کاری می‌گیرد.

وی ادامه می‌دهد: کارکنان عملیاتی سال‌هاست با این شرایط سخت خو گرفته‌اند و کسی از اصل نفت خیز جنوب با حضور در مناطق عملیاتی گره خورده است. با این حال، بهبود ناوگان حمل‌ونقل و استفاده از خودروهای مناسب‌تر، می‌تواند بخشی از خستگی این مسیر روزانه را کاهش دهد و آسایش بیشتری برای نیروها فراهم کند.

مکوندی تأکید می‌کند: سختی کار زمانی معنا

پیدا می‌کند که در کنار آن احساس مسئولیت نیز وجود داشته باشد؛ همان حسی که باعث شده کارکنان هفتگل، با وجود همه دشواری‌ها، همچنان با همان انگیزه سال‌های نخست فعالیت خود در محل کار حاضر شوند.

وقتی هیچ‌کس پشت خود را ترک نکرد

سال‌های طولانی حضور در صنعت نفت، برای مکوندی تنها با خاطرات روزهای عادی گره نخورده است.

مسئول عملیات نوبت‌کاری واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی با گریزی به جنگ رمضان، روزهایی را از این جنگ یادآور می‌شود که کشور رنگ دیگری به خود گرفته بود و کارکنان صنعت نفت، همزمان با نگرانی خانواده‌هایشان، مسئولیت حفظ استمرار و پایداری تولید را نیز بر دوش داشتند.

مکوندی از جنگ تحمیلی رمضان به عنوان یکی از چالشی‌ترین مقاطع کاری خود یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: روزهایی بود که صدای انفجار، فاصله‌چندانی با تأسیسات نداشت، اما فعالیت حتی برای لحظه‌ای متوقف نشد. با وجود تهدید دشمن آمریکایی-صهیونی نه تنها هیچ‌یک از کارکنان محل خدمت خود را ترک نکردند، بلکه در بسیاری از موارد، شیفت‌های کاری نیز افزایش یافت تا خللی در روند جریان تولید انرژی ایجاد نشود.

مسئول عملیات نوبت‌کاری واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی تصریح می‌کند: آن روزها بیش از هر چیز، صحنه‌ای از همدلی و مسئولیت‌پذیری موج می‌زد. بسیاری از کارکنان، دور از خانواده و با وجود نگرانی‌هایی که هر لحظه ممکن بود ذهنشان را درگیر کند، در کنار هم ماندند و اجازه ندادند چرخه تولید از حرکت بازماند. شاید بخش زیادی از این تلاش‌ها هرگز دیده نشود، اما این جانفشانی‌ها در روزهای سخت، ماحصل اقتدار صنعت نفت ایران به شمار می‌رود. وی می‌گوید: جوانانی را که آرزوی



ورود به صنعت نفت دارند، لازم است به کسب تجربه عملی در کنار تحصیل دانشگاهی بپردازند. دانش زمانی ارزش واقعی خود را نشان می‌دهد که در میدان عمل به کار گرفته شود و کسی که می‌خواهد در این صنعت بدرخشد، باید از همان ابتدا خود را برای یادگیری مستمر کار فنی و پذیرش مسئولیت‌های بزرگ آماده کند.

سال‌های دور از خانه

چند قدم آن سوتر، غلامرضا عباسی، مدیر تعمیرات مکانیک واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی، مشغول پیگیری امور روزانه است. آرام و شمرده صحبت می‌کند؛ از نسلی که بخش عمده‌ای از عمر خود را در صنعت نفت گذرانده و فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است.

ورود وی به صنعت نفت، به سال ۱۳۷۱ بازمی‌گردد؛ زمانی که پس از گذراندن دوره‌های فنی و حرفه‌ای، کار خود را از واحدهای شرق اهواز آغاز کرد. اما آنچه بیش از هر چیز در ذهنش ماندگار مانده، نزدیک به هجده سال خدمت اقماری است؛ سال‌هایی که فاصله میان محل کار و خانه، تنها با کیلومتر اندازه‌گیری نمی‌شد.

عباسی از آن دوران به عنوان یکی از سخت‌ترین مقاطع زندگی خود یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: دشواری اصلی کار اقماری نه حجم مسئولیت‌های شغلی، بلکه دوری از خانواده بود. زمانی که در خانه مشکلی پیش می‌آمد، امکان حضور در کنار عزیزان وجود نداشت و بسیاری از دغدغه‌های زندگی، از فاصله‌ای دور دنبال می‌شد. همین دوری، بهایی بود که بسیاری از کارکنان صنعت نفت برای انجام مسئولیت خود پرداختند.

مدیر تعمیرات مکانیک واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی می‌گوید: با این حال، همین سال‌ها، آموزه‌ها و تجربیات بزرگی برابم به همراه داشته است؛ تجربه‌هایی که تنها در دل کار و حضور مستمر در مناطق عملیاتی به دست می‌آید و هیچ کلاس آموزشی نمی‌تواند جای آن را



اگر امروز دوباره در ابتدای راه قرار بگیرم، بی‌تردید، باز هم صنعت نفت را انتخاب خواهم کرد. زیرا این مسیر برابم فقط یک شغل نیست، بلکه عهد قلبی با صنعتی است که سال‌های جوانی و تجربه‌ام در آن معنا یافته است.

انتخاب ادامه دار

عباسی که سه دهه حضور در صنعت نفت، نه از علاقه او کاسته و نه نگاهش را به این مسیر تغییر داده است، می‌گوید: اگر امروز دوباره در ابتدای راه قرار بگیرم، بی‌تردید، باز هم صنعت نفت را

انتخاب خواهم کرد. زیرا این مسیر برابم فقط یک شغل نیست، بلکه عهد قلبی با صنعتی است که سال‌های جوانی و تجربه‌ام در آن معنا یافته است.

مدیر تعمیرات مکانیک واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی به جوانانی که آینده خود را در این صنعت جست‌وجو می‌کنند، توصیه می‌کند: پیش از هر چیز، استمرار و پشتکار را سرمایه اصلی خود قرار دهند. صنعت نفت، عرصه‌ای برای مسئولیت‌پذیری، یادگیری و رشد حرفه‌ای است و کسانی که با انگیزه وارد این مسیر شوند، می‌توانند در کنار کسب تجربه، سهمی در یکی از مهم‌ترین صنایع کشور داشته باشند. خورشید آرام‌آرام از میانه آسمان عبور می‌کند و گرمای سوزان بیشتر خود نمایی می‌کند. وقت بازگشت فرا می‌رسد و خودروها دوباره جاده هفتگل به اهواز را پیش می‌گیرند؛ همان مسیری که فردا صبح، بار دیگر میزبان همین کارکنان سختکوش خواهد بود.

بگیرد.

وی همچون همکار مکوندی، رفت‌وآمد روزانه میان اهواز و هفتگل را یکی از مهم‌ترین چالش‌های کارکنان برمی‌شمرد و می‌گوید: این مسیر بخشی از توان نیروها را پیش از آغاز شیفت کاری می‌گیرد.

مدیر تعمیرات مکانیک واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی در کنار این موضوع به کمبود برخی امکانات رفاهی نیز اشاره و اظهار می‌کند: بهبود این شرایط می‌تواند بخشی از فشارهای موجود را کاهش دهد؛ به ویژه برای کارکنانی که سال‌هاست در این منطقه ساکن و مشغول خدمت هستند.

خاطرات عباسی از روزهای جنگ یاد دهنده‌ای متفاوت گره خورده است و می‌گوید: اگرچه روند تولید هیچ‌گاه متوقف نشد، اما تأمین قطعات، تجهیزات و کالاهای مورد نیاز، به یکی از چالش‌های آن روزها تبدیل شده بود؛ با وجود این، کارکنان واحد بهره‌برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی تلاش کردند اجازه ندهند این محدودیت‌ها بر روند تعمیرات و نگهداشت تأسیسات اثر بگذارد. آن روزها روحیه همکاری و احساس مسئولیت بیش از هر زمانی دیگر میان کارکنان معنا پیدا کرده بود؛ هرکس می‌دانست وظیفه‌ای به عهده دارد و انجام آن، بخشی از مسئولیت صنعت نفت در قبال مردم است.

در دل گرمای جنوب مردانی ایستاده اند
که هویت را در خدمت می یابند

نفت و یکدلی



مشعل | در جنوب، گرما فقط یک پدیده جغرافیایی نیست؛ بلکه بخشی از زندگی است. جایی که آفتاب، بی امان می تابد و دماستج ها گاه اعدادی را ثبت می کنند که تحمل را برای بسیاری دشوار می سازد. با این حال در دل شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب به عنوان یکی از زیرمجموعه های مهم در صنعت نفت کشور، افرادی مشغول کارند که استمرار تولید و پایداری تأسیسات را وظیفه ملی خود می دانند. سفر به هفتگل استان خوزستان، فرصتی بود تا از نزدیک با بخشی از تلاش های خاموش کارکنان واحد بهره برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی به عنوان یکی از حوزه های این شرکت آشنا شویم؛ کارکنانی که با وجود شرایط سخت کاری و گرمای سوزان، اجازه نمی دهند لحظه ای توقف در پیگیر صنعت نفت ایجاد شود؛ آنها همدل و همصدا، ایران و آبادی ایران را فریادمی زنند و برای ایران جان فدا می کنند.

خورشید خوزستان از همان ساعات ابتدایی صبح، قدرت خود را به رخ می کشد. مسیر اهواز به هفتگل راپشت سر می گذاریم و هرچه عقربه های ساعت به نیمه روز نزدیک تر می شود، گرمای بیشتر خودنمایی می کند. جاده ای خلوت پیش رویمان است؛ جاده ای که تابش اشعه خورشید، آسفالت آن را کمی نرم کرده است.

شهر هفتگل، فاصله چندانی با اهواز ندارد. خیلی دور نیست؛ به لحاظ زمانی شاید نزدیک به ۲ ساعت، البته با سرعت مطمئنه.

هنگام ظهر است و هفتگل در آرامشی خاص به استقبال نیم روز می رود. از یکی از همکاران محلی می پرسیم چرا خیابان های این شهر اینقدر خلوت است؟ لبخندی می زند و پاسخ می دهد: در این گرما کمتر کسی بیرون می آید.

اما این آرامش درون شهر، با آنچه در تأسیسات نفتی واحد بهره برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی جریان دارد، متفاوت است. از در ورودی تا کاگاه های تعمیرات، کارکنانی را می بینیم که با وجود گرمای طاقت فرسا، با انرژی و روحیه ای مثال زدنی مشغول کار هستند. لبخند بر چهره ها و صمیمیت

در رفتارشان، نخستین تصویری است که به چشم می آید. در میان کارکنان واحد تعمیرات و نگهداشت هفتگل، مردانی هستند که سال ها زیر آفتاب سوزان جنوب کار کرده اند؛ دستانی پینه بسته، چهره هایی آفتاب سوخته و تجربه هایی که در خطوط صورتشان حک شده است. با این حال، شور و انگیزه ای که در کلامشان موج می زند، گویی گذر زمان را متوقف کرده است. کارکنان واحد تعمیرات، نخستین نفراتی هستند که گپ وگفتی با آنها داریم. در یک دورهمی صمیمی و بی آلاشی از زندگی شان می گویند و از دغدغه هایی که دارند و دست آخر هم از حسی که به کارشان دارند و به صنعتی که سال ها عمر خود را در آن سپری کرده اند.

چهارده خدمت



عیدی محمد بهرامی، تکنیسین تعمیرات مکانیک، یکی از پاسبانان سابق ترین کارکنان صنعت نفت است. مردی ۵۹ ساله که سال ها آفتاب خوردگی، صورتش را مسن تر از سنش کرده است. او می گوید: ۲۸ سال است که در صنعت نفت کار می کنم و خاطرات زیادی از روزهای خدمت در مناطق عملیاتی مختلف دارم. او پس از گذراندن دوره های فنی و حرفه ای در سنین کم، فعالیت خود را از بایانه نفتی خازک آغاز کرده و از سال ۱۳۹۱ هم به هفتگل مرکزی منتقل شده است. بهرامی که خود را در آستانه بازنشستگی می بیند، هنوز با شور و اشتیاق از ادامه خدمت سخن می گوید: اگر شرایط فراهم باشد، باز هم دوست دارم در صنعت نفت خدمت کنم. این کار برای من فقط یک شغل

نیست؛ نوعی خدمت مقدس به مردم است. چهار فرزند و سه نوه، حاصل سال هایی است که او در کنار خانواده و همزمان در کنار صنعت نفت سپری کرده است. از روزهای سخت کار در مناطق جنوب یاد می کند؛ روزهایی که گرما و رطوبت نفس گیر، مانعی برای انجام مسئولیت ها نبود. بهرامی معتقد است، ارزشمندترین سرمایه اش در این سال ها، تجربه ای است که اندوخته و امروز آن را به نیروهای جوان تر منتقل می کند. او در بخشی دیگر از صحبت های خود، به جنگ رمضان و دوران پراشتاب آن اشاره می کند و ادامه می دهد: با وجود تهدیدهای دشمن آمریکایی - صهیونی کنار دیگر همکارانم، در محل کار حضور داشتم و بیش از هر چیز نگران تأسیساتی بودم که سرمایه ملی محسوب می شوند.

حلقه حیاتی در زنجیره تولید



عبدالامیر کاظمی، مهندس تعمیرات مکانیک با مدرک کارشناسی ارشد مکانیک، یکی دیگر از کسانی است که در واحد تعمیرات و نگهداشت واحد بهره برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی مشغول به کار است. او از سال ۱۳۹۳ وارد این صنعت شده و از نسل جوان تر متخصصان این مجموعه به شمار می رود؛ نسلی که در کنار نیروهای با سابقه، مسئولیت تعمیرات و نگهداری تأسیسات را به عهده دارد. حس و حال و شور و شغف کاظمی از حضور تیم رسانه، مشهود بود و آن را به صراحت نیز عنوان کرد. در صحبت هایش بیش از هر چیز، حس مسئولیت او نظرم را به خود جلب کرد؛ احساس مسئولیت نسبت

به تجهیزات و سرمایه های صنعت نفت در این بخش از کشور که او وظیفه تعمیر و نگهداری اش را به عهده دارد. به نظر او و همکارانش، حساسیت کارکنان نسبت به نگهداری و تعمیر تجهیزات، تنها یک وظیفه سازمانی نیست؛ بلکه نوعی امانداری در قبال بیت المال است، او تأکید می کند: هر تجهیز و هر قطعه در تأسیسات هفتگل مرکزی، بخشی از سرمایه ملی مردم ایران به شمار می رود که باید از آن مراقبت و محافظت شود. او با اشاره به این نکته که صنعت نفت برای کارکنان خود تنها محل اشتغال نیست؛ بلکه بخشی از هویت حرفه ای آنان محسوب می شود، تصریح می کند: صنعت نفت به ما شخصیت و اعتبار خاصی داده است. به همین دلیل خود را موظف می دانیم در حفظ بیت المال و سرمایه های کشور با تمام توان تلاش کنیم. این مهندس تعمیرات مکانیک اظهار می کند: تلاش ما این است که تجهیزات به صورت مستمر بررسی و پایش شوند تا هیچ حادثه یا خسارتی رخ ندهد. بررسی دقیق تجهیزات همانند معاینه یک انسان زنده است.

اصل نگهداری، یعنی پیشگیری از بروز مشکل قبل از وقوع آن. این نگاه، نشان دهنده جایگاه مهم واحدهای تعمیرات در صنعت نفت است؛ واحدهایی که شاید کمتر در معرض دید باشند؛ اما نقش آنها در حفظ پایداری تولید بسیار تعیین کننده است. کاظمی در بخش دیگری از صحبت های خود به دشواری ها و دغدغه هایی همچون مسیر رفت و آمد و شرایط کاری اشاره دارد و ادامه می دهد: کارکنان برای رسیدن به محل کار بخشی از مسیر را با خودروهای شخصی طی می کنند و سپس با خودروهای عملیاتی به تأسیسات می روند؛ اما دشواری کار تنها به مسیر رفت و آمد محدود نمی شود. برخی عملیات ها در نقاط مرتفع و شرایط خاص انجام می شود و همین موضوع حساسیت کار را افزایش می دهد.

خانواده ای به نام هفتگل

محمد طاهر پورخانی، مهندس ارشد تعمیرات، اداره

تعمیرات واحد بهره برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی با ۳۰ سال سابقه خدمت، از دیگر کارکنانی است که



سال ها در این مجموعه فعالیت کرده و از سال ۱۳۹۲ به این واحد منتقل شده است. او نخستین چالش کار در منطقه را شرایط آب و هوایی عنوان و اشاره می کند: گرمای خوزستان، گاهی واقعا طاقت فرساست. شرایطی را تجربه کرده ایم که شدت گرما باعث ضعف جسمانی برخی همکاران شده است. در کنار شرایط اقلیمی، موضوع رفت و آمد نیز از دیگر دشواری های کارکنان محسوب می شود؛ زیرا برخی از آنها روزانه بیش از سه ساعت در مسیر رفت و برگشت هستند و این بسیار برایشان خسته کننده است. پورخانی ادامه می دهد: با همه سختی ها، روحیه خدمت در میان کارکنان همچنان پابرجاست. همه ما از جان و دل در واحد بهره برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی برای کار مایه می گذاریم. عشق به صنعت نفت چیزی نیست که بتوان آن را با کلمات توضیح داد. او از حس تعلقی سخن می گوید که میان کارکنان شکل گرفته است؛ حسی که فراتر از یک رابطه کاری ساده است. این مهندس ارشد تعمیرات اشاره



می کند: ما آنقدر در اینجا کنار هم هستیم که گاهی بیشتر از خانواده های خود، یکدیگر را می بینیم. همین ارتباط باعث شده که به هم اعتماد کامل داشته باشیم. پورخانی در بخش دیگری از صحبت های خود به روزهای جنگ اخیر و شرایط خاص آن اشاره می کند: روزهایی که کارکنان صنعت نفت، همچنان مسئولیت تأمین انرژی کشور را به عهده داشتند. شاید برخی افراد در خطوط تبرد حضور داشته باشند؛ اما ما هم خود را در خط مقدم تأمین انرژی مردم می دانیم. زندگی امروز به انرژی وابسته است و ما باید در هر شرایطی وظیفه خود را انجام دهیم. در روایت او، هفتگل تنها یک محل کار نیست؛ سنگری است که کارکنانش در روزهای عادی و شرایط ویژه، با همان احساس مسئولیتی که نسبت به خانواده و سرزمین خود دارند، از آن پاسداری می کنند. همین دلبستگی عمیق به صنعت نفت سبب شده که هیچ کدام از سختی ها، از گرمای طاقت فرسای جنوب گرفته تا شرایط جنگی، نتواند اراده آنان را برای تداوم تولید و خدمت به مردم کم رنگ کند.

هویت صنعت نفت

در روزگاری که صنعت نفت، همچنان مهم ترین ارکان توسعه و اقتصاد کشور محسوب می شود، کارکنان مناطق نفت خیز جنوب با وجود گرمای شدید، سختی مسیرها و مسئولیت های سنگین، بی وقفه در حال فعالیت هستند. شاید در نگاه نخست، تأسیسات و تجهیزات صنعتی، مهم ترین دارایی این مجموعه ها به نظر برسند؛ اما واقعیت آن است که ارزشمندترین سرمایه صنعت نفت، نیروی انسانی متعهد و متخصصی است که با تلاش شبانه روزی، چرخ تولید را به حرکت درمی آورد. واحد بهره برداری نفت و گاز هفتگل مرکزی نیز نمونه ای روشن از همین واقعیت است؛ جایی که در دل گرمای جنوب، مردانی ایستاده اند که خدمت را نه صرفاً یک وظیفه؛ بلکه بخشی از هویت و افتخار خود می دانند.



مشعل | در جنوب، تولید نفت با طلوع آفتاب آغاز نمی‌شود و با غروب آن پایان نمی‌یابد. در پس تأسیساتی که در گستره عملیاتی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، بی‌وقفه فعالیت می‌کنند، متخصصانی ایستاده‌اند که مأموریتشان تنها تعمیر یک تجهیز یا رفع یک نقص فنی آن نیست؛ آنها مسئول تداوم جریان تولید و پایش در صنعتی هستند که حتی جنگ، گرمای طاقت‌فرسا و سخت‌ترین شرایط عملیاتی نتوانسته خللی در کارشان ایجاد کند. مهران سیاهپوش، رئیس بررسی‌های فنی مهندسی تعمیرات مکانیک شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، یکی از همین نیروهاست؛ مدیری که بیش از ۲ دهه از زندگی حرفه‌ای خود را صرف صیانت از تأسیسات و پایداری تولید کرده و معتقد است که در صنعت نفت، مسئولیت، مسیری ادامه‌دار است که نمی‌توان پایانی برای آن تصور بود.



وقتی پای صحبت مهران سیاهپوش می‌نشینیم، نخستین نکته‌ای که در روایت او پررنگ می‌شود، نه دشواری‌های کار؛ بلکه احساس تعلق خاطری است که پس از ۲۲ سال همچنان در تک‌تک جمله‌هایش جریان دارد. از گستره وسیع تأسیسات شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و روزهای طاقت‌فرسای کار در گرمای خوزستان می‌گوید؛ از مسئولیتی که به باور او با پایان ساعت اداری تمام نمی‌شود و در روزهای

بحران و جنگ، رنگ و بویی متفاوت به خود می‌گیرد. روایت او، تنها شرح وظایف یک مدیر تعمیرات مکانیک نیست؛ روایت نسلی از کارکنان صنعت نفت است که پایداری تولید را حاصل تخصص، همدلی و تعهد می‌دانند.

ضامن استمرار تولید پایدار

بیش از ۲ دهه حضور در صنعت نفت، برای مهران سیاهپوش تنها به معنای انجام یک مسئولیت سازمانی نبوده است؛ او این سال‌ها را تجربه زیستن در کنار کارکنانی می‌داند که در سخت‌ترین شرایط نیز اجازه نداده‌اند جریان تولید و پایش مستمر متوقف شود. او با اشاره به گستردگی حوزه فعالیت شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب می‌گوید: تأسیسات و واحدهای عملیاتی مناطق نفت خیز جنوب در پهنه وسیعی از جنوب کشور گسترده شده‌اند و همین گستردگی، مسئولیت‌ها را دوچندان کرده است؛ اگرچه محل استقرار در ستاد است، اما ماهیت کار به گونه‌ای است که ارتباط با محیط‌های عملیاتی نباید هیچ‌گاه قطع شود و هرگاه نیاز باشد، در کنار همکاران عملیاتی خود حاضر هستیم.

این همکار نفتی معتقد است که فعالیت در بخش تعمیرات، تنها به ارائه راهکارهای فنی محدود نمی‌شود؛ بلکه بخش مهمی از آن، حضور میدانی، شناخت دقیق شرایط عملیاتی، همراهی مستمر با کارکنان و تهیه و

ساخت قطعات مورد نیاز ماشین آلات است در تولید و پایش مستمر، خدشه‌ای ایجاد نشود. به گفته سیاهپوش، در حوزه کار و عملیات، مرزی میان نیروهای ستادی و عملیاتی وجود ندارد. همه، اعضای یک زنجیره هستند؛ زنجیره‌ای که کوچک‌ترین اختلال در هر بخش آن، می‌تواند بر روند تولید اثر بگذارد. از این رو تصمیم‌های فنی، همواره با نگاه به شرایط واقعی و نیازهای عملیاتی گرفته می‌شود.

گرما هم بخشی از کار است

کار در محیط‌های عملیاتی جنوب، تنها با پیچیدگی‌های فنی همراه نیست و گرمای طاقت‌فرسا نیز بخش جدایی‌ناپذیر آن برای کارکنان صنعت نفت در این‌گونه محیط‌هاست؛ گرمایی که گاه فراتر از آن چیزی است که در گزارش‌های هواشناسی گفته می‌شود. سیاهپوش با لبخندی که نشان از سال‌ها همزیستی با این شرایط دارد، می‌گوید: این گرما را پذیرفته‌ایم. در خوزستان، حدود هشت ماه از سال به ویژه ماه‌های تیر و مرداد، هوا بسیار گرم و طاقت‌فرساست؛ دمایی که از سوی هواشناسی اعلام می‌شود، گاه به ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد؛ اما در برخی محیط‌های عملیاتی و در مجاورت تجهیزات، دمایی که همکاران ما احساس می‌کنند، به مراتب بیشتر است. در چنین شرایطی، حفظ تمرکز، تصمیم‌گیری دقیق و انجام کارهای تخصصی آسان نیست؛ اما همکاران با تمام توان در مسیر اقتدار ایران ایستاده‌اند.» به گفته رئیس بررسی‌های فنی مهندسی تعمیرات مکانیک شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، آنچه کارکنان صنعت نفت را در

چنین شرایطی پای کار نگه می‌دارد، تنها وظیفه سازمانی نیست؛ بلکه تعلق خاطر به صنعت نفت و احساس مسئولیت به کشور و مردم است. او تصریح می‌کند: استمرار تولید، فقط یک مأموریت سازمانی نیست؛ بلکه بخشی از امنیت انرژی کشور به همین تلاش‌های شبانه‌روزی وابسته است و همین موضوع، انگیزه‌ای مضاعف برای ادامه مسیر ایجاد می‌کند.

جنگ هم نتوانست تولید را متوقف کند

در میان خاطرات ۲۲ سال فعالیت در صنعت نفت، کار در روزهای جنگ برای سیاهپوش، رنگ و بوی تازه‌ای ندارد؛ زیرا آن را بخشی از سختی کار کارکنان صنعت نفت می‌داند؛ روزهایی که حفظ استمرار و پایداری انرژی کشور، تنها یک وظیفه سازمانی نبود و به بخش مهمی از مسئولیت ملی تبدیل شده بود. او با اشاره به شرایط جنگ تحمیلی رمضان می‌گوید: باید توجه داشت که تولید و خدمت‌رسانی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، فرایندی بدون وقفه است. هیچ‌یک از واحدهای عملیاتی و تأسیسات به دلیل شرایط جنگی تعطیل نشدند و فعالیت‌ها به صورت مستمر ادامه داشت. همه همکاران می‌دانند که از روز نخست استخدام، فعالیت در این صنعت با شرایط خاص و مسئولیت‌های ویژه همراه است و در چنین موقعیت‌هایی، بیش از هر زمان دیگری باید

در کنار کشور باشیم. به گفته او، در روزهای بحرانی، بسیاری از کارکنان، هم در ستاد و هم در دل تأسیسات عملیاتی حضور داشتند تا کوچک‌ترین خللی در روند کار ایجاد نشود؛ آنچه ما را در آن شرایط پای کار نگه داشت، تعهد به صنعت نفت، کشور و ملت ایران بود. این باور در میان همکاران وجود دارد که هیچ شرایطی نباید مانع ادامه خدمت‌رسانی شود.

تعهد بدون اجبار

سیاهپوش در روایت یکی از خاطرات آن روزهای جنگ، بیش از هر چیز از روحیه بالای همکارانش می‌گوید؛ روحیه‌ای که سرمایه اصلی صنعت نفت در روزهای سخت است. او ادامه می‌دهد: هر بار که قرار بود همکاران را برای انجام مأموریت به تأسیسات اعزام کنیم، طبیعی بود که نگرانی‌هایی وجود داشته باشد؛ زیرا احتمال وقوع هر حادثه‌ای دور از ذهن نبود. به همین دلیل، هیچ‌یک از همکاران را مجبور نمی‌کردیم؛ اما نکته جالب این بود که تمامی همکاران، حتی آنهایی که همسر و فرزند داشتند و انتظار می‌رفت در مأموریت‌ها دل‌نگران باشند هم در عمل، احساس مسئولیت می‌کردند و با شجاعت کار خود را انجام می‌دادند و هیچ کاری روی زمین نمی‌ماند. رئیس بررسی‌های فنی مهندسی تعمیرات مکانیک شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب ادامه می‌دهد: اگر تولید در سخت‌ترین شرایط، همچنان ادامه دارد، حاصل روحیه همدلی و تعهد جمعی است.

سیاهپوش تأکید می‌کند: دل‌گرمی ما، همکارانی بودند که بی‌هیچ چشم‌داشتی در تأسیسات حضور پیدا می‌کردند و مسئولیت خود را انجام می‌دادند. در کنار آنها، خانواده‌های کارکنان صنعت نفت نیز سهم بزرگی در تحمل این سختی‌ها دارند؛ خانواده‌هایی که سال‌هاست با شرایط خاص این شغل خو گرفته و در روزهای دشوار، بزرگ‌ترین پشتوانه کارکنان هستند.

انتخابی که دوباره با جان تکرار می‌شود

برای بسیاری، بیش از ۲ دهه فعالیت در شرایط سخت عملیاتی، شاید دلیلی برای انتخاب مسیری متفاوت باشد؛

اما مهران سیاهپوش نگاه دیگری دارد. او با صلابت می‌گوید: اوایل تصور می‌کردیم چند سالی در صنعت نفت کار می‌کنیم و بعد به سراغ شغلی راحت‌تر در شهری با آب‌وهوای بهتری می‌رویم؛ اما هرچه گذشت، این نگاه بیشتر تغییر کرد. این همکار نفتی ادامه می‌دهد: دیدن همکارانی که گاه تانیمه‌های شب در محیط‌های عملیاتی یا ستاد می‌ماندند تا مشکلی را برطرف کنند، برای من درس بزرگی بود.

صنعت نفت فقط یک محل کار نیست؛ جایی است که انسان، مسئولیت‌پذیری، کار تیمی و تعهد را در عمل تجربه می‌کند. سیاهپوش با بیان این‌که اگر علاقه واقعی به کار در این صنعت وجود نداشته باشد، ادامه مسیر در آن ممکن نیست، تصریح می‌کند:

صنعت نفت، پیچیدگی‌های فراوانی دارد و بدون علاقه نمی‌توان سال‌ها در آن ماند و کار کرد. آنچه باعث شده این صنعت در همه شرایط به مسیر خود ادامه دهد، تنها تجهیزات و فناوری نیست؛ همدلی و همراهی کارکنانی است که اجازه نداده‌اند خللی در روند فعالیت‌ها رخ دهد.

رضایتی که در خدمت معنا پیدا می‌کند

آنچه بیش از همه در سخنان سیاهپوش به چشم می‌آید، احساس رضایت از نقشی است که در زنجیره ارزش صنعت نفت ایفا کرده است. شاید روایت مهران سیاهپوش، روایت بسیاری از کارکنان گمنام صنعت نفت باشد؛ متخصصانی که نامشان کمتر شنیده می‌شود؛ اما در گرمای سوزان جنوب، در دل تأسیسات و حتی در روزهای جنگ، یک اصل را هیچ‌گاه فراموش نکرده‌اند: چرخه تولید و پایش کشور باید ادامه داشته باشد. همین باور است که رئیس بررسی‌های فنی مهندسی تعمیرات مکانیک شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب را پس از ۲۲ سال، هنوز به انتخاب نخستش وفادار نگه داشته و باعث شده که با اطمینان بگوید: اگر زمان به عقب بازگردد، باز هم کار و فعالیت در صنعت نفت را برای ادامه مسیر زندگی‌ام انتخاب می‌کنم.

شرایط کاری سخت، نمی‌تواند موتور محرک کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب را از حرکت باز دارد.

قطره‌ای از دریای خدمت

وقتی عشق به نفت با ورزش هم مسیر می شود

هم قدم با صنعت و سلامت



مشعل از دل جزیره خارک و از خانواده‌ای نفتی برخاسته و با ورودش به نفت در ۱۶ سالگی، تجربه‌اندوزی در این صنعت را از سال ۱۳۶۷ در واحدهای بهره‌برداری شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب آغاز کرده و اکنون پس از سال‌ها کار و تلاش در این عرصه، با علاقه‌مندی به ورزش، ورزش همگانی را در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب راهبری می‌کند.

محمدرضا بنی‌تمیمی، مدیر ورزش همگانی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، کسی است که بیش از چهار دهه از عمر خود را در واحدهای بهره‌برداری و میدان‌های ورزشی سپری کرده و امروز مسئولیتی به عهده دارد که به سلامت جسم کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز و خانواده آنان مربوط می‌شود. او که در آستانه ۵۸ سالگی است، با همان شور و انرژی سال‌های جوانی، برای ارتقای سلامت، نشاط و کیفیت زندگی کارکنان این شرکت و خانواده‌های آنها تلاش و برنامه‌ریزی می‌کند.

مشروح گفت‌وگوی "مشعل" با این مدیر علاقه‌مند به ورزش همگانی را در ادامه می‌خوانید.

ریشه علاقه‌ام به ورزش، به دوران کودکی برمی‌گردد؛ روزهایی که فوتبال در کوچه پس کوچه‌های جزیره خارک، نخستین تجربه‌های ورزشی‌ام را رقم زد.

محمدرضا بنی‌تمیمی، مدیر ورزش همگانی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب با بیان این عبارات ادامه می‌دهد: علاقه به ورزش، با سال‌ها حضور در تیم‌های نفتی اهواز و رقابت در لیگ‌های کشور عمیق‌تر شد و مسیر زندگی‌ام به‌گونه‌ای رقم خورد که ورزش در کنار فعالیت در صنعت نفت، به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی‌ام تبدیل شود. تحصیل در رشته کارشناسی تربیت بدنی نیز همین مسیر را تأیید می‌کند.

او می‌گوید: در ۱۶ سالگی فعالیت در صنعت نفت را شروع کردم و از نزدیک با فضای عملیاتی آشنا شدم؛ سال‌ها کار در واحدهای بهره‌برداری و عملیاتی، تجربه‌ای به من آموخت که امروز می‌توانم نیاز کارکنان را بهتر درک کنم.

مدیر ورزش همگانی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب تصریح می‌کند: بعدها با ادامه تحصیل در رشته مدیریت منابع انسانی در مقاطع ارشد و دکترا، توفیق آن را داشتم تا ابزار مدیریتی لازم برای اداره یک مجموعه گسترده ورزشی را در اختیار داشته باشم، ضمن اینکه هیچ‌گاه مدیر پشت میزنشین نبوده‌ام و با افتخار خاک این راه را خورده‌ام.

سه ضلع مثلث سلامت

بنی‌تمیمی در تشریح فعالیت‌های ورزشی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب می‌گوید: ورزش همگانی در این شرکت، بر سه محور اصلی استوار است: کارکنان، خانواده‌های آنان و فرزندان‌شان. این تقسیم‌بندی به ظاهر، ساده به نظر می‌رسد؛ اما پشت هر بخش آن، برنامه‌ریزی دقیق و هدفمندی وجود دارد و همه گروه‌های سنی و سلیق ورزشی را دربر می‌گیرد، از این رو

تمرین‌های فصلی و سالانه، رشته‌های متنوع ورزشی و برنامه‌هایی متناسب با گروه‌های مختلف سنی در بازه‌های زمانی مختلف طراحی شده است. به‌گونه‌ای که تقریباً هیچ کارمند یا عضوی از خانواده‌های آنان خارج از این چرخه ورزشی قرار نمی‌گیرد.

او تأکید می‌کند: هدف این است که هیچ فرد علاقه‌مند به ورزش، از فعالیت‌های ورزشی محروم نماند؛ زیرا که ورزش رکن اصلی سلامتی کارکنان و خانواده آنهاست.

مدیر ورزش همگانی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب با بیان اینکه همین نگاه، زمینه‌ساز شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های ورزش همگانی این شرکت شده است، تصریح می‌کند: استعدادیابی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب طی دهه‌های گذشته نقش مؤثری در پرورش ورزشکاران حرفه‌ای داشته است؛ به‌طوری که بسیاری از قهرمانان، مربیان و داوران برجسته کشور، مسیر رشد خود را از آکادمی‌ها و مدارس ورزشی نفت آغاز کرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: موفقیت‌های امروز ورزشکاران نفتی، نتیجه سال‌ها سرمایه‌گذاری مستمر در شناسایی استعدادها، آموزش و حمایت از آنهاست؛ رویکردی که ورزش را از یک فعالیت رفاهی فراتر برده و آن را به بخشی از هویت فرهنگی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب تبدیل کرده است.

بنی‌تمیمی همچنین یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی وزارت نفت را برگزاری المپیادها و مسابقات سراسری کارکنان بر می‌شمارد و ادامه می‌دهد: این رویدادهای ورزشی هر سال با حضور گسترده

شرکت‌های تابعه برگزار می‌شود و بیش از یک‌هزار و ۶۰۰ نفر از کارکنان و خانواده‌های آنها در این رقابت‌ها حضور پیدا می‌کنند.

او با اشاره به گستردگی این رویدادها می‌گوید: برنامه‌ریزی برای اعزام این تعداد شرکت‌کننده به اردوها و مسابقات، کاری دشوار و نیازمند هماهنگی گسترده است؛ اما همین حضور پررنگ نشان می‌دهد که ورزش تا چه اندازه در فرهنگ سازمانی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب ریشه دوانده است.

پوشش ۲۴ رشته ورزشی

بنی‌تمیمی درباره هوای داغ و سوزان خوزستان، به عنوان یکی از چالش‌های همیشگی برای توسعه ورزش در این منطقه می‌گوید: هوای اهواز برای ورزش چندان مناسب نیست و همین مشکل باعث شده راه حل خلاقانه‌ای در دستور کار قرار گیرد.

او با اشاره به اینکه برگزاری اردوهای ورزشی برای خانواده‌ها و فرزندان کارکنان در شهرهای خوش آب‌وهوا تر در دستور کار قرار دارد، ادامه می‌دهد: این تصمیم نه از سر تشریفات؛ بلکه از سر توجه واقعی به رفاه خانواده‌های نفتی، رضایت‌مندی چشمگیری را بین آنها به دنبال داشته است.

بنی‌تمیمی درباره فعالیت‌های ورزشی برای کارکنان و خانواده‌های این مجموعه می‌گوید: ورزش همگانی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، با پوشش بیش از ۲۴ رشته ورزشی و بهره‌مندی از ۲۸۰ مربی، بستری گسترده برای توسعه ورزش و ارتقای سلامت کارکنان و خانواده‌های آنان فراهم کرده است.

او در ادامه تصریح می‌کند: فوتبال، شنا و ورزش‌های پایه، از پرمخاطب‌ترین رشته‌ها در میان تمام کارکنان و خانواده‌هاست؛ ایجاد فضاهایی همچون پارک نشاط و ورزشی نیز گامی در مسیر افزایش دسترسی خانواده‌ها به امکانات تفریحی بوده است.

نفت و استعدادپروری

مدیر ورزش همگانی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب درباره توجه به نسل جدید فرزندان می‌گوید: نسل جدید را می‌شناسم و علایق متفاوت آنها را جدی می‌گیرم، از این رو برنامه‌ریزی‌ها نیز باید متناسب با نیازها و انتظارات این نسل باشد.

نتیجه این رویکرد را می‌توان در استقبال گسترده جوانان از رویدادها و برنامه‌های نوآورانه ورزشی مشاهده کرد؛ استقبالی که نشان می‌دهد ورزش‌های همگانی همچنان ظرفیت‌های فراوانی برای رشد و توسعه دارند.

به گفته او، این نگاه آینده‌نگر، در مجموعه‌ای با ده‌ها سال سابقه فعالیت ورزشی، ریشه در فرهنگ مدیریت صنعت نفت دارد؛ فرهنگی که همواره توسعه ورزش، ارتقای سلامت کارکنان و توجه به نیاز نسل‌های مختلف را از اولویت‌های خود دانسته است.

بنی‌تمیمی ادامه می‌دهد: این نگاه تنه‌ای به نسل جوان محدود نمی‌شود؛ بلکه ورزش همگانی زمانی به هدف خود می‌رسد که همه افراد، جدا از سن و شرایط جسمانی، فرصت حضور و فعالیت داشته باشند. از این رو، توجه به توان‌یابی‌های از رویکردهای اصلی



راز جوانی

هدف این است که هیچ فرد علاقه‌مند به ورزش، از فعالیت‌های ورزشی محروم نماند؛ زیرا که ورزش رکن اصلی سلامتی کارکنان و خانواده آنهاست

ورزش همگانی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب به شمار می‌رود.

او می‌گوید: فراهم کردن شرایط برای حضور توان‌یابان در فعالیت‌های ورزشی، یکی از اهداف اصلی ماست. باور داریم هر فردی استعداد و توانمندی ویژه‌ای دارد که باید زمینه شکوفایی آن را فراهم کنیم. این نگاه نشان می‌دهد که ورزش تنها به رقابت و قهرمانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ابزاری برای مشارکت، سلامت و افزایش کیفیت زندگی همه اعضای خانواده بزرگ صنعت نفت است.

وقتی از بنی‌تمیمی سوال می‌شود چرا تا این حد به ورزش اعتقاد و تأکید دارد، می‌گوید: اگر امروز در آستانه ۵۸ سالگی از سلامت و نشاط برخوردارم، بخش مهمی از آن را مدیون ورزش هستم. ورزش را نه یک فعالیت جسمانی؛ بلکه سبک زندگی و راز حفظ سلامت در تمام سال‌های خدمتم می‌دانم. او در ادامه اشاره می‌کند که بهترین تبلیغ برای ورزش، دیدن پیشکسوتانی است که پس از سال‌ها فعالیت، همچنان سالم، پانشاط و فعال هستند.

بنی‌تمیمی گفت‌وگو را با جمله‌ای به پایان می‌رساند که شاید خلاصه تمام باورهایش باشد: «عشق به ورزش و خدمت به کارکنان و خانواده‌های صنعت نفت، مهم‌ترین انگیزه ادامه فعالیت من در این مجموعه است»؛ جمله‌ای که می‌توان گفت نه از سر تعارف؛ بلکه از قلب یک ورزشکار بیرون آمده است؛ کسی که صنعت نفت را با دل می‌شناسد و ورزش را از جان دوست دارد. شاید همین نگاه‌ها، راز ماندگاری ورزش در خانواده بزرگ صنعت نفت باشد؛ نگاهی که ورزش را نه یک برنامه جانبی؛ بلکه بخشی از فرهنگ سازمانی و سرمایه‌ای ماندگار برای حفظ سلامت، همدلی و پویایی کارکنان و خانواده‌های آنان می‌داند.



روایت بانوی نفتی که در مسیر تحقق اهداف صنعت گام برمی دارد

تعهد برای تحول

مشعل | تصاویری که از کارکنان صنعت نفت در ذهن مردم نقش بسته، بیشتر مردانی هستند با لباس کار و کلاه ایمنی در میان خطوط لوله و در دل پالایشگاه‌ها؛ اما تصویر واقعی دیگری هم وجود دارد و آن زنانی هستند که دوشادوش مردان به کار و تلاش مشغولند؛ زنانی همچون زهرا حسینی که امروز سرپرستی پروژه گاز و گاز مایع شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب را به عهده دارد و شانه به شانه همکاران مرد خود تلاش کرده تا توانمندی‌هایش را در مسیر تحقق اهداف بخشی که در آن فعالیت می‌کند، به کار گیرد. او اصالتاً شیرازی است و مدرک کارشناسی ارشد مهندسی فراوری و انتقال گاز را از دانشگاه صنعت نفت اهواز گرفته است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگوی "مشعل" با زهرا حسینی است که ۱۵ سال از روزهای زندگی‌اش را در صنعت نفت و در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب سپری کرده و از منظر یک زن، به گذران این سال‌ها و فعالیتش در این شرکت پرداخته است.

از شیراز تا اهواز

زهرا حسینی که متولد سال ۱۳۶۳، اهل شیراز و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی فراوری و انتقال گاز از دانشگاه صنعت نفت اهواز است، می‌گوید: از زمانی که تشکیل خانواده دادم و وارد صنعت نفت شدم، به اهواز آمدم؛ شهری که هیچ شباهتی به شیراز ندارد؛ اما از تصمیمی که گرفته‌ام بسیار خوشحالم و اگر قرار باشد دوباره مسیر کاری انتخاب کنم، بدون تردید همین راه و همین صنعت را برمی‌گزینم.

او با اشاره به اینکه همواره دوشادوش مردان کار کرده، درباره تعمیرات اساسی اخیر یکی از ردیف‌های پالایشگاه گاز و گاز مایع (NGLA۰۰) تصریح می‌کند: این عملیات فشرده ۲۵ روز به طول انجامید و طی آن، من و دیگر همکاران زن مجموعه، در کنار دیگر نیروهای عملیاتی، پیمانکاران و تیم‌های تعمیرات اساسی حضور داشتیم و گاه تنها زن حاضر در میان نیروهای فنی و اجرایی بودم.

بسیاری از این مهارت‌ها در دل تجربه‌های کاری و حضور مستمر در محیط‌های عملیاتی آموخته می‌شود.

می‌دهد؛ برخی فواصل تا محیط‌های عملیاتی مثل اهواز، گچساران یا آغا جاری به گونه‌ای است که بعضی همکاران زن باید روزانه هشت تا ۹ ساعت از وقت خود را صرف رفت و آمد کنند؛ مسیری طولانی که پیش از آغاز یک روز کاری بر مسئولیت باید طی شود که بسیار انرژی بر است.

تلاش می‌کنم صنعت نفت را خوب معرفی کنم

فراتر از نقش عملیاتی، یکی دیگر از دغدغه‌های حسینی، فاصله‌ای است که میان تصویر واقعی این صنعت و آنچه در ذهن عموم مردم جا افتاده، وجود دارد. حسینی تصریح می‌کند: کاری که من و امثال من انجام می‌دهیم، برای مردم درست بازگو نشده است؛ به طوری که حتی خانواده من هم نمی‌دانند چه جایگاهی در این صنعت دارم یا چه کاری انجام می‌دهم؛ به همین دلیل است که می‌گویم این صنعت باید برای مردم بیشتر معرفی شود.

خاطرات تلخ و شیرین

شیرین‌ترین خاطره حسینی از سال‌های حضور در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و پالایشگاه‌ها، به نخستین سال کاری‌اش بازمی‌گردد؛ خاطره‌ای که هنوز هم با همان شور و هیجان از آن یاد می‌کند. او می‌گوید: اولین تعمیرات اساسی کارخانه NGLA۰۰ به یاد ماندنی‌ترین تجربه حرفه‌ای ام است. در آن عملیات، باید پایان کار تعمیرات را از نزدیک بررسی و تأیید می‌کردم، از این رو لازم بود از برج تثبیتی با ارتفاع بیش از ۱۰۰ متر بالا بروم؛ برجی مرتفع که دریاچه ورود به آن در بالاترین نقطه قرار داشت.

حسینی ادامه می‌دهد: ارتفاع آنقدر زیاد بود که باید بودم؛ اگر هنگام صعود به پایین نگاه می‌کردم، شاید توان ادامه مسیر را از دست می‌دادم. بعد از رسیدن به بالاترین نقطه و ورود دریاچه، با فضایی کاملاً متفاوت روبه‌رو شدم؛ محیطی تاریک در قلب برجی که در شرایط بهره‌برداری، محل عبور جریان گاز و مایعات فرایندی است. او تصریح می‌کند: آن روز برای نخستین بار توانستم از نزدیک چیزی را تجربه کنم که پیش از آن، تنها در کتاب‌ها و نقشه‌های فنی درباره آن خوانده بودم؛ اگرچه عبور از آن مسیر مرتفع، جسارت و تمرکز زیادی می‌طلبید؛ اما همان تجربه به یکی از ماندگارترین خاطرات دوران کاری‌ام تبدیل شد و می‌توانم آن را آغاز واقعی مسیر خدمت در دل گرمای سوزان جنوب تلقی کنم.

تعلق خاطر به صنعت نفت

او تعلق به صنعت نفت را چیزی فراتر از یک شغل می‌داند و اشاره می‌کند: از همان دوران نوجوانی دوست داشتم، زندگی شایسته‌ای داشته باشم و وقتی به پشت سر نگاه می‌کنم با خود بگویم "راه درست" همین بوده است. امروز همین احساس را دارم؛ حس قدرت و استقلال و همچنین غرور نسبت به صنعتی که به آن احساس تعلق می‌کنم، درست شبیه به احساسی که به کشور دارم. در مناطقی که تصور می‌شود فقط مردان در آن حضور داشته باشند، در دل برج‌هایی به بلندی ۱۰۰ متر و در روزهایی که دشمن در آسمان کشور پرواز می‌کرد، زنانی بی‌ادعا، روزها و سال‌های خود را صرف صنعتی کردند که شاید هنوز برای مردم به خوبی روایت نشده است؛ صنعتی که کم‌ان حل نشده باقی مانده است. حسینی ادامه

آنجا که علم و مسئولیت با هم پیوند می‌خورند

صنعت نفت مدیرسه‌ای که در آن رشد کرده‌ام



مشعل | پشت در اتاق‌های مهندسی مخزن، جایی که نقشه‌ها، داده‌های زمین‌شناسی، مدل‌های شبیه‌سازی و تحلیل‌های تخصصی کنار هم قرار می‌گیرند، تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که شاید هرگز در معرض دید عموم نباشند؛ اما می‌توانند مسیر توسعه یک میدان نفتی را تغییر دهند. اینجا نقطه تلاقی دانش و تجربه است؛ جایی که هر تصمیم، حلقه‌ای از زنجیره تولید انرژی کشور را شکل می‌دهد. سارا رهبانی، مهندس ارشد مخازن هیدروکربنی در مدیریت فنی - معاونت مهندسی نفت اداره عملیات مهندسی مخازن شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، ۱۲ سال است که در همین جایگاه فعالیت می‌کند؛ مسیری که از دانشگاه صنعت نفت آغاز شد و امروز در کنار مسئولیت‌های حرفه‌ای و ادامه تحصیل در مقطع دکتری نفت و مهندسی مخازن هیدروکربنی، همچنان با همان انگیزه روزهای نخست ادامه دارد.

شکل‌گیری پیوند دانشگاه و میدان

برای بسیاری در خارج از سرزمین مادری، مهندسی مخزن، تنها مجموعه‌ای از محاسبات پیچیده و مدل‌های ریاضی است؛ اما برای مهندسان صنعت نفت کشور، این تخصص معنایی دیگر دارد؛ جایی که دانش، مستقیم به تولید و توسعه کشور گره می‌خورد. رهبانی، یکی از جذاب‌ترین نقش‌های فعالیت در حوزه مهندسی مخزن را تأثیرگذاری مستقیم تصمیم‌های کارشناسی بر آینده تولید میدان‌های نفتی می‌داند و می‌گوید: «از تعیین محل حفاری چاه‌ها تا ارائه راهکارهای فنی برای مدیریت بهینه مخازن، همه تصمیم‌ها بر پایه مطالعات تخصصی، تحلیل‌های مهندسی و بررسی‌های دقیق اتخاذ می‌شوند. هر تصمیم، نقشی تعیین‌کننده در بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌های ملی و صیانت از مخازن هیدروکربنی دارد.»

همپای مردان در تصمیم‌گیری‌ها

شاید همین ماهیت تخصصی و مسئولیت‌محور کار در مهندسی مخازن است که مرزهای کلیشه‌ای را کمرنگ‌تر می‌کند؛ جایی که آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، دانش، دقت در تصمیم‌گیری و توان تحلیل است. رهبانی نیز در طول سال‌های فعالیت خود، این واقعیت را از نزدیک تجربه کرده و معتقد است که توانمندی حرفه‌ای، معیار اصلی حضور در این عرصه است، نه جنسیت. این مهندس ارشد مخازن هیدروکربنی با اشاره به ماهیت تخصصی فعالیت خود می‌گوید: «حوزه کاری ما از تعیین نقاط مناسب برای حفاری چاه‌ها تا ارائه راهکارهای فنی درباره نحوه حفاری، مدیریت چاه‌ها و تصمیم‌سازی برای توسعه و بهره‌برداری بهینه از مخازن را در بر می‌گیرد و در تمام این مراحل و محیط‌های عملیاتی می‌توانیم دوشادوش مردان حضور داشته باشیم که این کار برای من حس رضایت‌بخشی و اعتماد به نفس به همراه دارد.»

روزهای جنگ

شاید هیچ یک از روزهای کاری رهبانی، به اندازه روزهای جنگ در ذهنش ماندگار نشده باشد؛ روزهایی که کارکنان صنعت نفت، مانند همیشه، مسئولیت حفظ جریان تولید را به عهده داشتند. رهبانی با یادآوری روزهای پر التهاب جنگ ۱۲ روزه می‌گوید: «در جریان جنگ، در محل کار و خدمت به کشور حضور داشتیم. یکی از روزها که به محل کار بازگشتیم، آثار اصابت ترکش‌ها را از نزدیک دیدیم. اگر هنگام وقوع حادثه داخل اتاق بودیم، احتمال داشت اتفاق بسیار تلخی برای من و همکارانم رخ دهد. «او روزهای جنگ» ۴ روزه رمضان، جلوه‌ای دیگر در ذهن دارد و تصریح می‌کند: «در آن روزها کار و فعالیت تنها به محیط کار محدود نبود؛ بلکه پس از پایان ساعت اداری مأموریت دیگری آغاز می‌شد؛ مأموریتی از جنس همدلی با مردم و پشتیبانی از رزمندگانی که از خاک کشور، مان دفاع می‌کردند. رهبانی در توضیح بیشتر می‌گوید: «در دل جنگ رمضان، تا ساعت یک بعد از ظهر در محل کار حضور داشتیم و پس از آن، تا نیمه شب مشغول تهیه غذا برای رزمندگان می‌شدیم. در این میانه هم تلاش می‌کردیم کنار خانواده‌های شهدا حضور پیدا کنیم و باعث دلگرمی آنها شویم؛ خلاصه هر کمکی از دستمان برمی‌آمد، در آن روزها دریغ نداشتیم.» از نگاه رهبانی، کارکنان صنعت نفت در روزهای دشوار، تنها تولیدکننده انرژی کشور نیستند؛ بلکه بخشی از پیکره جامعه اند که در برتگاه‌های حساس، مسئولیت اجتماعی خود را نیز به دوش می‌کشند و معنایی فراتر از انجام وظیفه سازمانی پیدا می‌کنند.

مسئولیتی که هر روز سنگین‌تر می‌شود

در کنار مسئولیت‌های حرفه‌ای، رهبانی نقش مادری را هم به عهده دارد؛ مادری برای دختری ۱۰ ساله و پسری پنج‌ساله. همسر او نیز در بخش دیگری از صنعت نفت مشغول به کار است و همین موضوع، برنامه‌ریزی دقیق‌تری را برای مدیریت زندگی خانوادگی می‌طلبد. این همکار نفتی می‌گوید: «هماهنگی میان کار و زندگی خانوادگی، بدون برنامه‌ریزی ممکن نیست.

با مدیریت زمان و همکاری متقابل همسر، توانسته‌ایم تعادل مناسبی بین مسئولیت‌های کاری و زندگی خانوادگی برقرار کنیم.» از نگاه رهبانی اگرچه کار در صنعت نفت مسائل خاص خود را دارد؛ اما با همراهی خانواده و نظم در برنامه روزانه، می‌توان این مسئولیت‌ها را در کنار یکدیگر پیش برد. «وقتی از او سوال شد چنانچه دوباره در نقطه آغازین قرار بگیری، آیا همین مسیر را انتخاب می‌کنی؟ بدون کوچک‌ترین مکثی تأکید می‌گوید: «به طور قطع همین راه را انتخاب می‌کنم. صنعت نفت برای من تنها یک شغل نیست؛ بلکه مدرسه‌ای بوده که در آن رشد کرده‌ام، آموخته‌ام و توانسته‌ام نتیجه پیوند علم و صنعت را ببینم.»



کارکنان صنعت نفت در روزهای دشوار، تنها تولیدکننده انرژی کشور نیستند؛ بلکه بخشی از پیکره جامعه اند که در بزنگاه‌های حساس، مسئولیت اجتماعی خود را نیز به دوش می‌کشند

سوخت رسانی زیر غرش جنگنده‌ها
در جبهه‌های بی نام و نشان حماسه ساز شد

خدمت رسانان بی سنگر

مشعل | در آن روزها هنگامی که دشمن آمریکایی- صهیونی زیرساخت های حیاتی انرژی کشور را نشانه رفته بود، نبرد تنها در پشت لانچرها جریان نداشت، بلکه جبهه‌ای دیگر همزمان شکل گرفته بود؛ جبهه‌ای بی نام و نشان که سنگربانانش با جنگ و دندان از تاسیسات و زیرساخت های انرژی حفظ و مراقبت می کردند تا چرخه انرژی کشور از حرکت باز نایستد و تامین و توزیع سوخت بی هیچ وقفه‌ای ادامه یابد. در این میدان، سلاح رزمندگان نه تجهیزات نظامی، بلکه دانش، تجربه، مدیریت بحران، تصمیم های لحظه‌ای و تعهدی بود که اجازه نمی داد شریان حیاتی سوخت رسانی کشور متوقف شود. آنچه می خوانید، بازخوانی چند خاطره یا مرور چند عملیات نیست، روایت شب هایی است که صدای آژیر خطر، بخشی از ضرباهنگ نشست های مدیریت تامین و توزیع سوخت شده بود؛ شب هایی که حتی غرش جنگنده های دشمن نیز نتوانست جریان سوخت رسانی در کشور را متوقف کند.



روایت تدبیر و ایثاری که پایداری جریان سوخت رسانی را در شرایط جنگ رقم زد

مردان میدان برای ایران



حمیدرضا زینلی شب هنوز به نیمه نرسیده بود که تلفن‌ها و بیسیم‌ها یکی پس از دیگری به صدا درآمدند. روی نقشه، مسیرها یکی یکی تغییر می‌کرد، مقصد نفtekش‌ها عوض می‌شد و انبارهایی که تا ساعتی قبل قلب تپنده سوخت‌رسانی بودند، جای خود را به مسیرهای تازه می‌دادند. هر تصمیم تنها چند دقیقه فرصت داشت؛ تأخیری کوتاه می‌توانست زنجیره‌ای از اختلال را در سراسر کشور ایجاد کند. در آن سوی این صحنه، صداها نفر بی‌وقفه تلاش می‌کردند تا مردم، تنها با فشردن نازل سوخت، ادامه همان تلاش خاموش را ببینند. آنچه در روزهای دو جنگ اخیر به ویژه جنگ رمضان دیده نشد، نبردی لحظه‌به‌لحظه برای حفظ جریان سوخت‌رسانی و تداوم آن بود؛ نبردی که با برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی گسترده و از خودگذشتگی نیروهای عملیاتی به نتیجه رسید. نعمت‌الله نجفی، مدیر عملیات شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، در این گفت‌وگو از همین روایت کمتر شنیده شده سخن می‌گوید.

پایداری تامین سوخت به ویژه در شرایط جنگ نیازمند مدیریتی ویژه بود. این مهم چگونه اجرایی شد؟

پایداری سوخت‌رسانی یعنی مردم در هیچ نقطه‌ای از کشور، حتی در سخت‌ترین شرایط، با کمبود سوخت مواجه نشوند. مأموریت این بود که زنجیره تأمین، انتقال و عرضه فراورده‌های نفتی بدون وقفه ادامه یابد و آثار بحران به جامعه منتقل نشود. جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان از نظر ابعاد عملیاتی تفاوت زیادی با هم داشتند؛ در جنگ نخست، با وجود آسیب‌دیدگی بخشی از تأسیسات، عملیات همان شب از سر گرفته شد، اما در جنگ رمضان، ابعاد خسارت بیشتر بود، با وجود این تأمین و توزیع سوخت متوقف ننماید؛ به طوری که با تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی میان مناطق عملیاتی و انبار کارکنان و رانندگان نفتکش، این چرخه حفظ شد و مردم کمترین اختلال را احساس کردند.

اقدام‌های مدیریت عملیات در نخستین ساعات آغاز بحران چه بود؟

از همان ساعات نخستین حمله ددمنشانه دشمن آمریکایی-صهیونی، هماهنگی‌های گسترده‌ای با مناطق سی و هفت گانه شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران آغاز شد تا سوخت مورد نیاز این استان‌ها از دیگر نقاط تأمین شود و برپایه این هماهنگی‌ها مقرر شد تا از هر نقطه‌که امکان بازگیری وجود داشت، انتقال سوخت انجام شود تا خللی در چرخه توزیع ایجاد نشود. تأمین روزانه میلیون‌ها لیتر سوخت اعم از بنزین و گازوئیل در شرایط جنگ آن هم برای کلانشهری مانند تهران که بخشی از تأسیسات آن مورد حمله دشمن قرار گرفته بود، به بسیج تعداد زیادی نفتکش جاده پیمای همچنین به برنامه‌ریزی لحظه‌ای نیاز داشت. بسیاری از نفتکش‌ها می‌بایست مسیرهای طولانی‌رانی بيمودند و همین موضوع، عملیات را به یکی از پیچیده‌ترین مأموریت‌های سوخت‌رسانی سال‌های اخیر تبدیل کرده بود.

در شرایطی که دشمن تلاش می‌کرد چرخه انرژی را مختل و نارضایتی عمومی ایجاد کند، چه هماهنگی‌ای میان ستاد با بخش‌های عملیاتی و جایگاه‌های عرضه سوخت برای مقابله با این موضوع انجام می‌شد؟

شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران نزدیک به یک قرن تجربه فعالیت دارد و بسیاری از فرایندهای مدیریت بحران در این مجموعه از پیش طراحی شده است. ارتباط مستمر میان ستاد، مناطق عملیاتی

و دیگر بخش‌ها از جمله ناوگان حمل‌ونقل برقرار بود و مدیرانی که سال‌ها در مناطق مختلف کشور فعالیت کرده بودند، با شناخت دقیق از شرایط عملیاتی، تصمیم‌ها را بدون اتلاف زمان اجرایی کردند.

همچنین افزون بر ارتباطات روزانه، برای شرایطی مانند مقابله با اختلال در سامانه‌های محدودیت ارتباطات نیز سناریوهای جایگزین پیش‌بینی شده بود تا در هیچ مرحله‌ای روند سوخت‌رسانی متوقف نشود.

در روزهایی که مصرف سوخت افزایش یافته بود، چه اقدام‌هایی برای جلوگیری از اختلال در توزیع آن انجام شد؟

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت مصرف، تنظیم سهمیه کارت‌های اضطراری بود. در مقاطعی برای حفظ تعادل شبکه، میزان برداشت کاهش یافت و پس از بازگشت شرایط به حالت پایدار، سهمیه‌ها دوباره افزایش پیدا کرد. در کنار این موضوع، انتقال سوخت از استان‌های مختلف به تهران با سرعت بیشتری انجام شد. در روزهای نخست، نفتکش‌های غیربومی با مسیرهای پایتخت‌آشنایی نداشتند؛ بنابراین گروه‌هایی برای هدایت آنها تا جایگاه‌ها تشکیل شد. با افزایش تعداد نفتکش‌ها و هماهنگی بهتر میان مناطق، به تدریج شبکه به شرایط پایدار رسید و حتی در ادامه، ظرفیت تأمین از میزان نیاز نیز فراتر رفت.

مهم‌ترین موضوع عملیاتی در جنگ رمضان چه بود و چگونه از آن عبور کردید؟

مهم‌ترین موضوع، حفظ تداوم زنجیره انتقال سوخت در شرایطی بود که بخشی از زیرساخت‌ها آسیب دیده و حجم عملیات چندبرابر شده بود. برخی استان‌ها افزون بر تأمین نیاز خود، مسئولیت سوخت‌رسانی به دیگر استان‌ها را نیز به عهده گرفتند که مستلزم افزایش ظرفیت بارگیری، به کارگیری نیروی انسانی بیشتر و مدیریت دقیق ناوگان نفتکش‌ها بود. همزمان، با ایجاد اختلال در بخشی از خطوط انتقال، بار اصلی جابه‌جایی فراورده به دوش ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای گذاشته شد.

فشار عملیاتی در برخی مقاطع بسیار سنگین بود، اما تلاش کردیم آثار آن به جامعه منتقل نشود. حتی اگر در نقطه‌ای احتمال توقف کوتاه‌مدت یک جایگاه وجود داشت، پیش از آنکه مردم با کمبود روبه‌رو شوند، مسیرهای جایگزین فعال می‌شد. علاوه بر مدیریت عملیات، حضور میدانی مدیران در کنار کارکنان و رانندگان نفتکش نیز نقش مهمی در حفظ روحیه نیروها داشت. وقتی همکاران می‌دیدند مدیران نیز دوشادوش آنها در میدان حضور دارند، انگیزه بیشتری برای ادامه کار پیدا می‌کردند و همین همدلی، اجازه نداد اختلال گسترده‌ای در عرضه سوخت شکل بگیرد.

آنچه مشهود است حاصل جمع این تلاش‌های شبانه‌روزی از سوی کارکنان در بخش‌های ستادی و عملیاتی بود که در شرایط جنگ نگذاشت وقفه‌ای در سوخت‌رسانی ایجاد شود.

در روزهای بحران، تصمیم‌های مهم عملیاتی با چه سازوکاری و چه سرعتی گرفته می‌شد و در این میان برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده چه نقشی در کنار تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای داشت؟

واقعیت این است که مدیریت بحران تنها با برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری لحظه‌ای به تنهایی ممکن نیست؛ این دو باید در کنار هم قرار بگیرند. برنامه‌های از پیش طراحی شده مسیر کلی عملیات را مشخص می‌کنند، اما در میدان عمل باید متناسب با شرایط، گاهی در چند ثانیه درباره تغییر مسیر ارسال سوخت، اولویت‌بندی مناطق یا تأمین مراکز حساس تصمیم گرفت. در چنین شرایطی فرصتی برای طی کردن فرایندهای طولانی اداری وجود ندارد و تأخیر می‌تواند دامنه بحران را افزایش دهد. هرچنانیز فوری به سوخت‌رسانی وجود داشت، بدون اتلاف وقت اقدام می‌کردیم و مسئولیت تصمیم‌ها را نیز می‌پذیرفتیم. تجربه این بحران‌ها نشان داد که ترکیب برنامه‌ریزی قبلی، تصمیم‌گیری سریع و پذیرش مسئولیت، مهم‌ترین عامل حفظ پایداری سوخت‌رسانی و عبور موفق از شرایط دشوار بود.

با توجه به جنگ ۱۲ روزه و رمضان چه بازنگری‌هایی در سناریوهای مدیریت بحران و آمادگی عملیاتی انجام شده است؟

بازنگری در فرایندها به صورت مستمر انجام می‌شود و تجربه هر بحران، مبنای اصلاح برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد. امروز سناریوهای مختلف برای شرایط اضطراری، تأمین سوخت فصول سرد، استمرار حمل‌ونقل و مقابله با تهدیدهای احتمالی با دقت بیشتری طراحی شده است. علاوه بر این، حفاظت از سامانه‌ها در برابر حملات سایبری نیز به یکی از محورهای اصلی برنامه‌ریزی تبدیل شده است و تلاش می‌کنیم آمادگی عملیاتی در همه شرایط حفظ شود.

مردم در آن روزها تنها نتیجه کار را در جایگاه‌های سوخت می‌دیدند. پشت صحنه این آرامش چه می‌گذشت؟

آنچه مردم می‌دیدند، حاصل ساعت‌ها برنامه‌ریزی، هماهنگی و تصمیم‌گیری شبانه‌روزی بود. از مدیران ارشد شرکت تا کارشناسان، مسئولان انبارها، رانندگان نفتکش و کارکنان جایگاه‌ها، همه در یک زنجیره منسجم فعالیت می‌کردند تا کوچک‌ترین خللی در سوخت‌رسانی ایجاد نشود. حتی برای تأمین

سوخت مراکز حیاتی مانند بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و واحدهای حساس، در هر ساعت از شبانه‌روز تصمیم‌گیری و اقدام انجام می‌شد تا هیچ وقفه‌ای در ارائه خدمات عمومی به وجود نیاید. بخش زیادی از این تلاش‌ها هرگز دیده نشد، اما نتیجه آن را مردم در آرامش شبکه سوخت‌رسانی احساس کردند.

از میان همه رویدادهای آن روزها، کدام صحنه یا خاطره بیش از همه در ذهن شما مانده است؟

آنچه برای من ماندگار شد، روحیه همکاری بود که حتی در سخت‌ترین شرایط، تنها دغدغه‌شان استمرار سوخت‌رسانی بود. وقتی می‌دیدم در انبارهایی که آسیب دیده بودند، همکاران با همه توان تلاش می‌کردند آخرین ظرفیت باقی‌مانده را نیز برای تأمین سوخت مردم به کار بگیرند یا وقتی مناطق مختلف کشور اعلام می‌کردند آمادگی دارند بیش از برنامه تعیین شده به شبکه کمک کنند، احساس می‌کردم سرمایه اصلی شرکت، همین همدلی و مسئولیت‌پذیری است. همچنین همراهی دیگر دستگاه‌های خدمات‌رسان که در مواقع نیاز برای کمک اعلام آمادگی می‌کردند، از خاطرات ارزشمند آن روزهاست.

اگر بخواهید عملکرد همکارانتان را در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان تنها در یک عبارت توصیف کنید، آن عبارت چیست؟

اگر بخواهم عملکرد همکاران را در یک واژه خلاصه کنم، آن واژه «ایثار» است. در روزهایی که خانواده‌ها نگران امنیت عزیزانشان بودند، کارکنان

عملیاتی، رانندگان نفتکش، جایگاه‌داران و همه همکاران ما محل خدمت را ترک نکردند و با احساس مسئولیت، شبانه‌روز برای تداوم سوخت‌رسانی تلاش کردند تا مردم کمترین دغدغه را در تأمین سوخت داشته باشند. شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران با تکیه بر همین روحیه ایثار، همراهی مردم و همکاری همه ارکان شبکه سوخت‌رسانی توانست جریان پایدار عرضه سوخت را حفظ کند. از مردم عزیز به دلیل صبوری و اعتمادشان و از همه همکاران و خانواده‌های آنان که سختی این روزها را با بردباری تحمل کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنم، زیرا استمرار خدمت‌رسانی، حاصل همین همدلی و تعهد بود.



در هر ساعت از شبانه‌روز تصمیم‌گیری و اقدام انجام می‌شد تا هیچ وقفه‌ای در ارائه خدمات عمومی به وجود نیاید. بخش زیادی از این تلاش‌ها هرگز دیده نشد، اما نتیجه آن را مردم در آرامش شبکه سوخت‌رسانی احساس کردند



مشعل | برای بسیاری از مردم، روزهای جنگ با نگرانی‌هایی در باره تأمین انرژی کره خورده بود. اما پشت هر نازلی که بی‌وقفه سوخت تحویل می‌داد، زنجیره‌ای گسترده از تصمیم‌های لحظه‌ای، هماهنگی‌های شبانه‌روزی و تلاش بی‌امان هزاران نفر جریان داشت. از انبارهای نفت و ناوگان حمل‌ونقل گرفته تا سامانه‌های فروش، اتاق‌های پایش و مراکز عملیاتی، همه حلقه‌های این زنجیره در آزمونی سخت قرار داشتند؛ آزمونی که هدف آن تنها یک نکته بود: اینکه زندگی روزمره مردم از حرکت یازنايستند. کارکنان شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران در میان تهدیدهای امنیتی، فشار بر زیرساخت‌های انرژی و ضرورت مدیریت همزمان تأمین، توزیع و مصرف، تلاش کردند آرامش خود را در شرایطی حفظ کنند که شاید کمتر کسی از پشت‌صحنه آن خبر داشت. حمید حبیبی، مدیر بازرگانی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار مشعل، از تجربه مدیریت در این روزهای دشوار تدابیر برای حفظ پایداری زنجیره تأمین و توزیع سوخت و همدلی کارکنان و همراهی مردم در عبور از این آزمون دشوار می‌گوید.

در دو جنگ اخیر، به‌ویژه جنگ رمضان، مهم‌ترین اولویت حوزه بازرگانی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران برای حفظ پایداری تأمین و توزیع سوخت چه بود؟

مهم‌ترین اولویت این بود که هیچ وقفه‌ای در دسترسی مردم و مصرف‌کنندگان به سوخت ایجاد نشود. از همین رو، تلاش کردیم سامانه‌های فروش فراورده‌های نفتی بدون اختلال به فعالیت خود ادامه دهند و در برابر تهدیدهای احتمالی، به‌ویژه حملات سایبری، پایدار بمانند. اپراتورها و تیم‌های فنی به‌صورت شبانه‌روزی سامانه‌ها را پایش می‌کردند تا هرگونه ایراد در کوتاه‌ترین زمان برطرف شود. در کنار آن، نظارت بر جایگاه‌های عرضه سوخت نیز تشدید شد تا از شکل‌گیری بازار سیاه و انحراف سهمیه‌های یارانه‌ای جلوگیری شود و فراورده‌ها به مصرف‌کنندگان واقعی برسد.

تجربه جنگ ۱۲ روزه چه درس‌هایی برای حوزه بازرگانی به همراه داشت و این تجربه‌ها چگونه در جنگ رمضان به کار گرفته شد؟

جنگ ۱۲ روزه، هرچند غافلگیرکننده بود، اما تجربه‌های ارزشمندی به همراه داشت. پس از پایان آن، سناریوهای مختلف مدیریت بحران بازرگانی و مسیرها و روش‌های جایگزین برای تأمین و فروش

فراورده‌های نفتی طراحی شد تا در صورت بروز اختلال در سامانه‌های اصلی، خدمت‌رسانی متوقف نشود. این برنامه‌ها در جنگ رمضان به‌طور کامل مورد استفاده قرار گرفت و موجب شد روند تأمین و توزیع سوخت بدون وقفه ادامه پیدا کند و مردم کمترین اثر را از شرایط بحرانی احساس کنند.

در شرایط بحرانی، تعادل میان تأمین، ذخیره‌سازی و توزیع سوخت چگونه حفظ شد؟

حفظ این تعادل، حاصل برنامه‌ریزی دقیق و همراهی مردم بود. در روزهایی که فشار بر شبکه تأمین افزایش پیدا می‌کرد، با همکاری سامانه هوشمند سوخت، میزان برداشت و سهمیه‌ها متناسب با شرایط تنظیم می‌شد تا امکان توزیع عادلانه فراهم شود. در مقاطعی بنا به ضرورت محدودیت‌های موقتی اعمال شد، اما مردم با درک شرایط، همکاری بسیار خوبی داشتند و همین همراهی نقش مهمی در مدیریت مصرف و عبور از روزهای دشوار ایفا کرد.

مهم‌ترین موضوع‌های حوزه بازرگانی در روزهای جنگ چه بود و چگونه مدیریت شد؟

برخی از مهم‌ترین اقدام‌ها، تأمین فوری سوخت برای مراکز و دستگاه‌ها بود؛

به‌گونه‌ای که در برخی موارد، بدون انجام تشریفات معمول و پیش از دریافت مطالبات، فراورده‌های نفتی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گرفت تا وقفه‌ای در خدمت‌رسانی ایجاد نشود.

پس از پایان بحران، همه تعهدات و مطالبات نیز تسویه شد که بیانگر مسئولیت‌پذیری و اعتماد متقابل میان دستگاه‌ها بود.

هم‌زمان، جلسات هماهنگی با حضور مدیرعامل و مدیران مناطق سی‌وهفت‌گانه شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران به‌صورت روزانه و گاه چند نوبت در روز برگزار می‌شد تا با رصد مستمر وضعیت تولید، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل، مصرف و عرضه، تصمیم‌های لازم برای تداوم بی‌وقفه سوخت‌رسانی گرفته و اجرا شود.

بازرگانی شرکت ملی پخش فراورده‌های



نفتی ایران از چه آمادگی‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای رویارویی با شرایط مشابه جنگ رمضان برخوردار شده است؟

امیدواریم هیچ‌گاه چنین شرایطی تکرار نشود، اما تجربه دو جنگ اخیر، آمادگی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران را برای مدیریت بحران‌های احتمالی افزایش داده است. امروز سناریوهای مختلف، مسیرهای جایگزین، زیرساخت‌های پشتیبان و هماهنگی میان بخش‌های مختلف تقویت شده و در صورت بروز شرایط مشابه، خدمت‌رسانی با تکیه بر این تجربه‌ها ادامه خواهد یافت. همچنین یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها، توسعه خدمات غیرحضوری بود. زیرساخت‌ها به‌گونه‌ای ارتقا یافت که اکنون بسیاری از خدمات مورد نیاز مصرف‌کنندگان، بدون مراجعه حضوری و از طریق تلفن همراه یا سامانه‌های الکترونیکی ارائه می‌شود؛ اقدامی که ضمن تسهیل خدمات، آمادگی برای مدیریت شرایط بحرانی را نیز افزایش داده است.

تجربه، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سریع چه نقشی در موفقیت شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران در روزهای بحران داشت؟

موفقیت در مدیریت بحران تنها با تکیه بر دانش یا صرفاً با اتکا به تجربه امکان‌پذیر نیست؛ این دو در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. در سال‌های اخیر، شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، توسعه سامانه‌های عملیاتی و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال، توان فنی خود را ارتقا داده است. در کنار آن، حضور مدیرانی که سال‌ها در مناطق عملیاتی، انبارهای نفت و بخش‌های اجرایی فعالیت کرده‌اند، عامل مهمی بود تا تصمیم‌های حساس در کوتاه‌ترین زمان و بر پایه تجربه‌های واقعی گرفته شود؛ تجربه‌ای که در روزهای جنگ، نقش تعیین‌کننده‌ای در استمرار سوخت‌رسانی داشت.

چه عواملی موجب شد مردم در روزهای بحران اختلالی را در تأمین سوخت احساس نکنند؟

نخستین عامل، تلاش مجموعه شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران برای جلوگیری از ایجاد

محدودیت‌های گسترده در عرضه سوخت بود؛ به طوری که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز تلاش بر این بود که خدمات با کمترین تغییر ادامه پیدا کند. عامل دوم، همراهی و درک مردم بود؛ وقتی مردم دیدند کارکنان صنعت نفت در کنار آنان ایستاده‌اند و حتی در شرایط سخت و ناامن نیز، محل خدمت خود را ترک نکرده‌اند، با مدیریت مصرف و رعایت شرایط، همکاری ارزشمندی از خود نشان دادند. همین اعتماد و همراهی، نقش مهمی در حفظ آرامش و عبور از بحران داشت.

در روزهای جنگ، مردم تنها نتیجه نهایی را در جایگاه‌های سوخت می‌دیدند. در پشت صحنه این خدمت‌رسانی چه می‌گذشت؟

سوختی که به دست مردم می‌رسد، حاصل فعالیت زنجیره‌ای گسترده از تولید و پالایش تا انتقال، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و توزیع است؛ زنجیره‌ای که در روزهای بحران نیز به‌صورت شبانه‌روزی فعال بود تا وقفه‌ای در سوخت‌رسانی ایجاد نشود. پشت هر نازل سوخت، تلاش هماهنگ نیروهای عملیاتی، رانندگان نفتکش، کارکنان انبارهای نفت، جایگاه‌داران و مدیران ستادی قرار داشت. در کنار این تلاش‌ها، همراهی مردم با مدیریت

مصرف و به‌رhyth از رفتارهای هنجاری، نقش مهمی در حفظ تعادل شبکه توزیع ایفا کرد و موجب شد خدمات‌رسانی با کمترین اختلال ادامه یابد؛ تجربه‌ای که اهمیت همدلی مردم و خدمت‌گزاران را بار دیگر به اثبات رساند.

درباره تجربه دو جنگ اخیر به‌ویژه رمضان، نکته خاصی هست که بخواهید بیان کنید؟

آنچه این روزها بیش از هر چیز به چشم آمد، همبستگی مردم و احساس مسئولیت کارکنان صنعت نفت بود. همه همکاران ما، از ستاد تا مناطق عملیاتی، انبارهای نفت، ناوگان حمل‌ونقل و جایگاه‌های عرضه سوخت، با تمام توان تلاش کردند تا روند خدمت‌رسانی متوقف نشود و مردم کمترین دغدغه را در تأمین سوخت داشته باشند. این تجربه نشان داد که سرمایه اصلی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، نیروی انسانی متخصص، متعهد و باتجربه‌ان است؛ سرمایه‌ای که در کنار همراهی مردم، توانست از یکی از دشوارترین مقاطع عبور کند و پایداری شبکه تأمین و توزیع سوخت کشور را حفظ کند. امید ما این است که دیگر هیچگاه کشور با چنین شرایطی روبه‌رو نشود و همه ظرفیت‌ها در مسیر توسعه، آرامش و خدمت به مردم به کار گرفته شود.

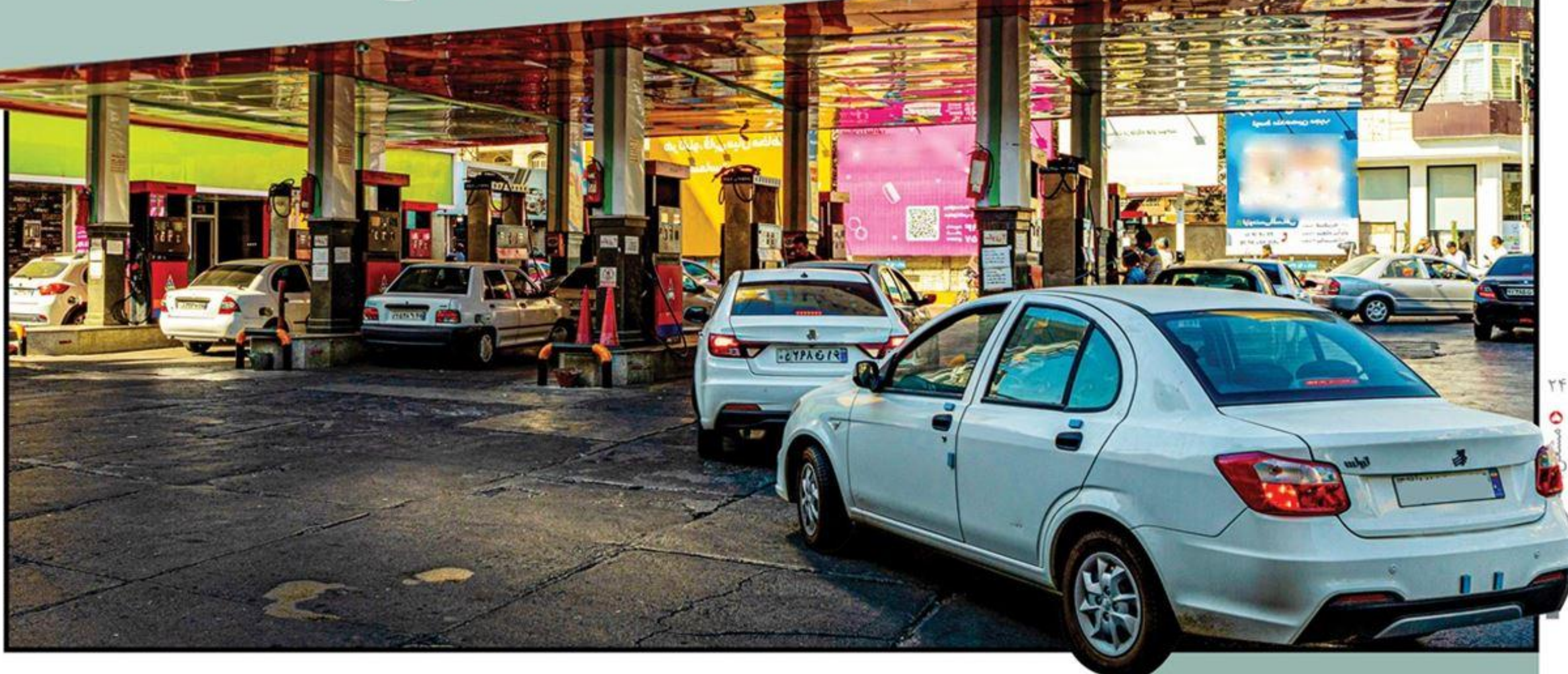


سرمایه اصلی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، نیروی انسانی متخصص، متعهد و باتجربه‌ان است؛ سرمایه‌ای که در کنار

همراهی مردم، توانست از یکی از دشوارترین مقاطع عبور کند

زنجیره تأمین سوخت در سخت‌ترین آزمون‌ها سربلند شد

عبور از بحران با تدبیر



جنگ‌های ۱۲ روزه و رمضان، نمادی از هجوم و حشیانه دشمن آمریکایی- صهیونی به شمار می‌روند؛ چراکه دشمن شکست خورده، با عبور از همه موازین و قوانین جنگ و حمله به برخی زیرساخت‌های انرژی کشور و تاسیسات نفتی استان‌های تهران و البرز تلاش کرد با اختلال در زنجیره تامین و توزیع سوخت، زندگی رابرای مردم دشوار کند؛ اما نتیجه آن، ایستادگی ملتی بود که تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد.

خیالاتی که خام ماند

مدیر تامین و توزیع سوخت شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران می‌گوید: کشور هنوز از فشارهای ناشی از شرایط جنگ ۱۲ روزه فاصله

نگرفته بود که تجاوز دوباره دشمن، معادلات مربوط به تامین و توزیع سوخت را دستخوش تغییر و تحول کرد. عرب عامری به مرور روزهای جنگ رمضان می‌پردازد و می‌گوید: در آن روزها که مصاف با تعطیلات نوروز بود، تقاضا برای بنزین افزایش چشمگیری یافت؛ اما همکاران من در زنجیره تامین و توزیع، این موضوع را به خوبی اداره کردند، به طوری که با وجود افزایش تقاضا، مصرف بنزین، رکورد ۲۱۰ میلیون لیتر را ثبت کرد؛ رقمی قابل تامل که جهشی بی‌سابقه محسوب می‌شود. وی تصریح می‌کند: پیرو سیاست‌های کلی، مردم نباید در زمینه تامین سوخت، ذره‌ای دچار مشکل شوند یا حتی المقدور محدودیتی در این بخش متوجه آنها نشود؛ اما زیرساخت‌هایی که در جنگ‌های ۱۲ روزه و رمضان هدف قرار گرفتند، به طور مستقیم با زندگی روزمره

مردم و تامین نیازهای آنان ارتباط داشت و هدف دشمن هم از حمله به زیرساخت‌های انرژی، دقیقاً برهم زدن آرامش روانی مردم بود؛ هدفی که محقق نشد. عرب عامری با اشاره به جنگ رمضان و حمله دشمن به تاسیسات نفتی در استان‌های تهران و البرز می‌گوید: اگرچه شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، برای مدیریت شرایط اضطراری، سناریوهای مختلفی را از پیش طراحی و تمرین کرده بود؛ اما کمتر کسی تصور می‌کرد بخش عمده ظرفیت ۲ استان راهبردی کشور، به طور همزمان هدف حمله قرار گیرد. وی گفت: در همان ساعات اولیه، بزرگ‌ترین دغدغه قبل از مهار خسارت، پاسخ به یک پرسش حیاتی بود: "فردای حمله دشمن، استان تهران سوخت خود را از کجا تامین خواهد کرد؟" برای پاسخ به این سوال، تنها چند ساعت فرصت بود و در این فرصت کوتاه، باید تصمیم‌های بزرگی گرفته می‌شد تا شبکه توزیع دچار مشکل نشود.

پایداری توزیع با تصمیم‌هایی درست

عرب عامری با مرور لحظات نخست پس از تجاوز دشمن آمریکایی- صهیونی می‌گوید: اولین اقدام مدیران، حضور میدانی بود و هر یک از مدیران، برای این که ارزیابی بهتری از خسارت‌های احتمالی داشته باشند، راهی مکان‌های آسیب‌دیده شدند. ضمن این که جلسات اضطراری هم به صورت پیوسته برگزار شد تا شبکه تامین و توزیع سوخت با پایداری بیشتری مدیریت شود؛ خروجی نخستین جلسات اضطراری، تصمیم‌گیری‌های فوری و عملیاتی بود. مدیر تامین و توزیع شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران تاکید می‌کند: عملیاتی که در شرایط عادی برای تصمیم‌گیری و اجرا شاید به هفته‌ها زمان نیاز داشت، تنها در چند ساعت طراحی و اجرا می‌شد. برای این که خللی در سوخت‌رسانی استان‌های تهران و البرز ایجاد نشود، مناطق دیگر نیز پای کار آمدند و ظرفیت ناوگان حمل مواد سوختی نیز افزایش یافت. همزمان، مسیرهای انتقال متناسب با شرایط جدید نیز بازطراحی شد تا فراورده‌ها از کوتاه‌ترین و ایمن‌ترین مسیر ممکن به مقصد برسند.



تامین نیاز در دل آتش

اما شاید سخت‌ترین بخش ماجرا، نه در اتاق‌های مدیریت بحران و پشت میزهای تصمیم‌گیری، بلکه در محوطه انبارها رقم می‌خورد؛ جایی که عملیات سوخت‌رسانی باید همزمان با مهار آتش و در سایه تهدید حملات دوباره ادامه می‌یافت. عرب عامری با اشاره به آن لحظات می‌گوید: در برخی انبارها، نفتکش‌ها در فاصله‌ای کمتر از ۱۰۰ متر از محل حریق در حال بارگیری بودند؛ آن هم در شرایطی که

هنوز احتمال حمله مجدد وجود داشت و جنگنده‌های دشمن بارها بر فراز آسمان منطقه پرواز می‌کردند. وی آن روزها را فراموش نشدنی توصیف و اظهار می‌کند: روزهایی که صدای انفجارها و جنگنده‌ها به بخشی از فضای جلسات ستاد مدیریت بحران تبدیل شده بود، حتی در میانه نشست‌های ویدئوکنفرانسی نیز صدای عبور جنگنده‌ها به وضوح شنیده می‌شد؛ صدایی که بارها گفت‌وگوها را همراهی کرد.

در روزهای سخت، همین حس تعلق به ایران و ایرانی بودن است که موجب می‌شود هیچ کس به فکر عقب‌نشینی نباشد

اما هرگز تمرکز مدیران و کارکنان را بر هم نزد و خللی در روند تصمیم‌گیری و عملیات به وجود نیامد. عرب عامری با تاکید بر این که با وجود همه التهاب‌ها، هیچ یک از کارکنان لحظه‌ای میدان را خالی نکردند، تصریح می‌کند: در آن لحظات آنچه در آنها دیده می‌شد، بیش از آن که یک وظیفه اداری باشد، احساس مسئولیت بود؛ مسئولیت در مقابل آسایش و آرامش مردم کشور. مدیر تامین و توزیع شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، ریشه این همدلی و ایستادگی را از ویژگی‌های خاص مردم ایران می‌داند و ادامه می‌دهد: این موضوع در فرهنگ ایرانی و باورهای دینی مردم این سرزمین ریشه دارد. در روزهای سخت، همین حس تعلق به ایران و ایرانی بودن است که موجب می‌شود هیچ کس به فکر عقب‌نشینی نباشد. ایرانی‌ها بارها نشان داده‌اند که مرد روزهای سخت هستند. شاید تا پیش از وقوع شرایط سخت، کسی ندانده که باید چه واکنشی نشان دهد، اما وقتی پای کشور به میان بیاید، همه توان‌شان را به میدان می‌آورند. عرب عامری می‌گوید: وقتی خدمت‌رسانی به کشور تکلیف و مقدم بر همه چیز دانسته شود، ترس از خطر و حتی مرگ، جای خود را به احساس مسئولیت می‌دهد، ضمن این که باورهای دینی نیز در چنین شرایطی افزون بر تقویت حس مسئولیت، آرامش را به انسان القا می‌کند و همین روحیه سبب می‌شود در سخت‌ترین شرایط، کارهایی انجام دهد که شاید پیش از آن غیرممکن به نظر می‌رسید. عرب عامری از روحیه مسئولیت‌پذیری همکاران خود در آن روزها نیز می‌گوید: بسیاری از همکاران با آن که الزامی برای حضور مستمرشان وجود نداشت، اما داوطلبانه در کنار مجموعه ماندند و شبانه‌روز برای پایداری تامین سوخت کشور تلاش کردند، حتی بسیاری از کارکنان خانم نیز با وجود مسئولیت‌های خانوادگی و تهدید دشمن آمریکایی- صهیونی، تا پایان مأموریت در کنار همکاران خود ماندند و اجازه ندادند خللی در روند تامین و توزیع سوخت کشور ایجاد شود. وی با بیان این که موفقیت آن روزها تنها حاصل برنامه‌ریزی و مدیریت نبود، تصریح می‌کند: اعتقاد دارم لطف و خواست خدا بود که در روزهای پر التهاب جنگ، توانستیم با تلاش همکاران از آن شرایط سخت عبور کنیم و اجازه ندهیم خللی در روند خدمت‌رسانی به مردم ایجاد شود.

تامین پایدار سوخت در روزهای جنگ ادامه داشت

شریان‌های بی‌وقفه

مشعل | مقابله با تجاوز دشمن آمریکایی- صهیونی تنها به میدان نبرد محدود نمی‌شود؛ بلکه در میدانی دیگر از جنس نفت هم مردانی پای کار هستند و نمی‌گذارند خللی در تامین و توزیع سوخت مردم ایجاد شود؛ مردانی هم‌دل در شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران. شامگاه ۱۶ اسفند که دشمن آمریکایی- صهیونی، استان‌های تهران و البرز را هدف حملات موشکی خود قرار داد، به این خیال بود که می‌تواند با حمله به تاسیسات نفتی، مردم را با مشکلاتی از جمله کمبود سوخت روبه‌رو سازد؛ اما درایت در بخش‌های مختلف صنعت نفت از جمله تامین و توزیع شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، مانع از واقعی شدن این تصور واهی شد. علی‌اکبر عرب عامری، مدیر تامین و توزیع شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران در گفت‌وگو با "مشعل" از آن روزها می‌گوید: از روزهای پرتلاشی که تصمیم‌های به‌موقع و اثرگذار در کنار تلاش بی‌وقفه کارکنان دیگر بخش‌ها، اجازه نداد دشمن به مقصود خود برای ایجاد مشکل در چرخه سوخت‌رسانی دست یابد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.



نبض سوخت در جنگ‌های ۱۲ روزه و رمضان بی‌امان می‌تپید

پشت صحنه آرامش



مشعل در روزهایی که صدای انفجار، اضطراب را به خیابان‌ها کشانده بود و صف خودروها در جایگاه‌های سوخت هر ساعت طولانی‌تر می‌شد، آنچه مردم می‌دیدند تنها نازلی بود که همچنان سوخت را بی‌وقفه تحویل می‌داد، اما پشت این تصویر آرام، شب‌هایی طولانی از تصمیم‌های لحظه‌ای، تغییر سیاست‌ها، مقابله با تهدیدهای سایبری و تلاش بی‌وقفه گروهی از متخصصان جریان داشت؛ گروهی افرادی که در سکوت، مسئولیت حفظ یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره تأمین انرژی کشور را بر دوش داشتند. جنگ ۱۲ روزه و پس از آن جنگ رمضان، سامانه هوشمند سوخت را در یکی از دشوارترین آزمون‌ها قرار داد؛ آزمونی که نتیجه آن تنها با استمرار سوخت‌رسانی معنا پیدا می‌کرد. روایتی که عباس باصفا، مدیر سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در گفت و گو با خبرنگار «مشعل» از آن سخن می‌گوید. از پشت صحنه روزهایی که آرامش جایگاه‌های سوخت، حاصل ساعت‌ها تلاش و تصمیم‌گیری در دل بحران بود.

در شرایط بحران، آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند، توان تصمیم‌گیری در لحظه و آمادگی برای رویارویی با سناریوهای پیش‌بینی نشده است. سامانه هوشمند سوخت در دو تجربه اخیر جنگی، تنها یک بستر فنی برای مدیریت سهمیه‌ها نبود؛ بلکه به یکی از ارکان حفظ پایداری زنجیره تأمین و توزیع سوخت کشور تبدیل شد؛ زیرساختی که باید هم‌زمان در برابر افزایش ناگهانی تقاضا، تهدیدهای سایبری، آسیب به زیرساخت‌های انرژی و تغییرات لحظه‌ای شرایط عملیاتی، تاب‌آوری خود را حفظ می‌کرد. تجربه این روزها نشان داد که استمرار سوخت‌رسانی، بیش از هر چیز، حاصل آمادگی زیرساخت‌ها، تصمیم‌گیری به‌موقع و هماهنگی میان بخش‌های مختلف برای حفظ پایداری خدمت‌رسانی است.

مدیریت در آزمون بحران

جنگ، تنها میدان رویارویی در خطوط مقدم نیست؛ گاهی نبرد اصلی در اتاق‌هایی جریان دارد که تصمیم‌های چند دقیقه‌ای آن، بر زندگی میلیون‌ها نفر اثر می‌گذارد. در روزهایی که کشور با شرایط ویژه ناشی از جنگ ۱۲ روزه و سپس جنگ رمضان روبه‌رو شد، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها، استمرار سوخت‌رسانی و جلوگیری از ایجاد اختلال در عرضه فرآورده‌های نفتی بود. در چنین شرایطی، سامانه هوشمند سوخت به یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت مصرف و حفظ آرامش در شبکه توزیع تبدیل شد. عباس باصفا، مدیر سامانه هوشمند سوخت، با اشاره به تجربه دو جنگ اخیر توضیح داد: پخش مهمی از برنامه‌ریزی‌های پیش از آغاز بحران انجام شده بود و همین آمادگی، امکان تصمیم‌گیری سریع را در شرایط حساس فراهم کرد. به گفته او، در نخستین روز جنگ دوازده روزه میزان برداشت بنزین از جایگاه‌های عرضه سوخت افزایشی قابل توجه داشت و این مهم به خوبی افزایش ناگهانی تقاضا را نشان می‌داد. در

جنگ رمضان نیز شرایطی مشابه رقم خورد، اما اعمال سیاست‌های مدیریتی در سامانه هوشمند سوخت، مانع از ایجاد بی‌نظمی در روند سوخت‌رسانی شد. باصفا با بیان اینکه در شرایط عادی شاید تنها یک یا دو بار در سال سیاست‌های سامانه تغییر می‌کرد، گفت: در روزهای بحران، شرایط به‌گونه‌ای بود که گاهی به ناچار روزانه چندین مرتبه سیاست‌های برداشت و تخصیص سوخت را توزیع اصلاح می‌کردیم. به گفته او، این تصمیم‌ها به صورت لحظه‌ای و همگام با وضعیت عملیاتی گرفته می‌شد تا از یک سو نیاز مردم تأمین شود و از سوی دیگر، ذخایر سوخت نیز به صورت هدفمند مدیریت شوند. مدیر سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران تأکید کرد: موفقیت این روند تنها حاصل عملکرد سامانه هوشمند سوخت نبود، بلکه هماهنگی نزدیک میان بخش‌های مختلف شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، مدیران مناطق و نیروهای عملیاتی، زمینه اجرای دقیق این سیاست‌ها را فراهم کرد. در مواردی که به دلیل ماهیت آفلاین سامانه، برخی تغییرات به صورت خودکار روی تجهیزات جایگاه‌ها اعمال نمی‌شد، نیروهای فنی مناطق به صورت میدانی وارد عمل می‌شدند و تنظیمات لازم را به صورت دستی انجام می‌دادند تا هیچ وقفه‌ای در خدمت‌رسانی ایجاد نشود. باصفا تصریح کرد: آنچه در دو تجربه اخیر اهمیت داشت، تنها مدیریت مصرف نبود؛ بلکه حفظ آرامش عمومی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. به گفته او، تصمیم‌های گرفته شده در سامانه هوشمند سوخت کمک کرد تا با وجود افزایش تقاضا و فشار ناشی از شرایط جنگی، مردم کمبود سوخت را احساس نکنند و فرایند عرضه در جایگاه‌ها با ثبات بیشتر ادامه یابد. همین تجربه، اهمیت نقش سامانه هوشمند سوخت را به عنوان یکی از ارکان پشتیبان امنیت انرژی کشور، بیش از گذشته نمایان کرد.

از مهندسی معکوس تا بومی‌سازی فناوری

یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی که به گفته باصفا از دل تجربه جنگ ۱۲ روزه شکل گرفت، دستیابی به دانش بومی صدور و شخصی‌سازی کارت هوشمند سوخت بود؛ موضوعی که سال‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی این سامانه تبدیل شده بود. وی گفت: تجهیزات اولیه تولید کارت هوشمند سوخت سال‌ها پیش از سوی شرکت‌های خارجی راه‌اندازی شده بود، اما دانش فنی آن به کشور منتقل نشد و با گذشت زمان، فرسودگی تجهیزات و محدودیت‌های ناشی از تحریم،



ظرفیت تولید کارت را به شدت کاهش داد. باصفا افزود: در روزهای جنگ، این نگرانی وجود داشت که در صورت آسیب دیدن تجهیزات یا توقف فعالیت مرکز تولید کارت، صدور کارت هوشمند سوخت در کشور با مشکل جدی رو به رو شود. به همین دلیل، تیم‌های فنی به صورت شبانه‌روزی وارد عمل شدند و در مدتی کوتاه توانستند با مهندسی معکوس، دانش شخصی‌سازی کارت را بومی‌سازی کنند. این اقدام، یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های سامانه هوشمند سوخت در سال‌های اخیر به شمار می‌رود که زمینه را برای ساخت تجهیزات داخلی نیز فراهم کرد. به گفته مدیر سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران پس از دستیابی به دانش فنی، همکاری با یک شرکت دانش‌بنیان آغاز و دستگاه‌های صدور آنی کارت هوشمند سوخت طراحی و تولید شد. این دستگاه‌ها در جنگ رمضان نقش مؤثری در پاسخگویی به مراجعات مردم ایفا کردند، زیرا هم‌زمان با تعطیلی شرکت تولیدکننده، امکان صدور کارت در مناطق مختلف کشور بدون وقفه ادامه یافت. باصفا با اشاره به روند توسعه این زیرساخت گفت: در مرحله نخست، دهها منطقه به این تجهیزات مجهز شدند و اکنون نیز روند تجهیز نواحی مختلف کشور ادامه دارد تا در صورت بروز هرگونه حادثه، امکان صدور کارت در نزدیک‌ترین منطقه فراهم باشد. به اعتقاد باصفا، توزیع این تجهیزات در نقاط مختلف کشور، تاب‌آوری سامانه را به‌طور محسوسی افزایش داده و وابستگی به یک مرکز متمرکز را از میان برده است.

تاب‌آوری در تهدیدهای سایبری

باصفا در بخشی دیگر از این گفت‌وگو، مقابله با تهدیدهای سایبری را از مهم‌ترین اولویت‌های سامانه هوشمند سوخت در شرایط بحرانی عنوان کرد و افزود: این سامانه همواره یکی از اهداف بالقوه حملات سایبری به شمار می‌رود، از این رو مجموعه‌ای از الگوم‌های پدافند غیرعامل در حوزه نرم‌افزار، سخت‌افزار و امنیت شبکه در سال‌های اخیر اجرایی شده و تیم‌های تخصصی نیز به صورت شبانه‌روزی آن را پایش می‌کنند. او توضیح داد: ارتباط سامانه هوشمند سوخت با

برخی زیرساخت‌های بیرونی، از جمله شبکه بانکی، از پیش‌بازنگری و محدود شده بود؛ اقدامی که نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری سامانه در شرایط جنگی داشت. هم‌زمان نیز با افزایش تهدیدها، سناریوهای مختلف مدیریت بحران نیز به صورت مستمر بازبینی و تمرین شد تا در صورت بروز هرگونه اختلال، روند خدمت‌رسانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به وضعیت عادی بازگردد. مدیر سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران همچنین از اجرای طرح بازطراحی این سامانه خبر داد و گفت: این پروژه با ابلاغ سند بازطراحی از سوی وزارت نفت و سازمان پدافند غیرعامل وارد مرحله اجرا شده است. به گفته او، تجهیزات جدید با تکیه بر فناوری بومی و استانداردهای روز امنیتی طراحی شده‌اند و هم‌اکنون مراحل آزمایش و پایلوت خود را در تعدادی از جایگاه‌های عرضه سوخت پشت سر می‌گذارند. این تجهیزات افزون بر افزایش سرعت و سهولت سوخت‌گیری، از قابلیت‌های نوینی برخوردارند که امنیت، پایداری و کارایی سامانه را نسبت به نسل‌های گذشته ارتقا می‌دهد.

جایگاه‌ها در امنیت

باصفا معتقد است: آنچه مردم در روزهای جنگ می‌دیدند، تنها پخش یابانی زنجیره خدمت‌رسانی بود؛ نالی که سوخت را بدون وقفه در اختیار مردم قرار می‌داد، اما پشت این تصویر آرام، ساعت‌های طولانی برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و تلاش شبانه‌روزی جریان داشت.

وی گفت: کارکنان سامانه هوشمند سوخت در تمام روزهای بحران، بی‌وقفه در محل کار حضور داشتند و در بسیاری از مواقع، هم‌زمان با وقوع حملات، سیاست‌های جدید را برای مدیریت شرایط در سامانه اعمال می‌کردند. مدیر سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با اشاره به فشار سنگین روحی و مسئولیتی که بر دوش همکارانش قرار داشت، تأکید کرد: تصمیم‌هایی که در این سامانه گرفته می‌شود، مستقیم بر آخرین حلقه زنجیره تأمین سوخت اثر می‌گذارد؛ جایی که مردم تنها نتیجه نهایی را می‌بینند و مهم‌ترین دغدغه کارکنان این بود که هیچ شهروندی در سفر یا تردد روزانه خود

با مشکل تأمین سوخت روبه‌رو نشود و آرامش جامعه حفظ شود. باصفا یکی از ارزشمندترین خاطرات آن روزها را تلاش شبانه‌روزی تیم‌های فنی برای بومی‌سازی دانش صدور کارت هوشمند سوخت عنوان و اظهار کرد: این موفقیت، حاصل همدلی، تخصص و احساس مسئولیت کارکنانی بود که بدون توجه به سختی شرایط، تمام توان خود را برای حفظ پایداری سامانه به کار گرفتند. وی افزود: تجربه دو جنگ اخیر نشان داد سرمایه اصلی سامانه هوشمند سوخت، نیروی انسانی متخصص و متعهدی است که در دشوارترین شرایط نیز مسئولیت خود را رها نکردند. باصفا با اشاره به آمادگی امروز سامانه هوشمند سوخت برای مواجهه با شرایط مشابه، گفت: هرچند هیچ سامانه‌ای در دنیای نمی‌تواند مصونیت کامل در برابر تهدیدها را تضمین کند، اما آنچه اهمیت دارد، توان بازگشت سریع به مدار خدمت‌رسانی و استمرار فعالیت در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. به گفته باصفا، مجموعه اقدام‌هایی که در حوزه بازطراحی زیرساخت‌ها، توسعه مراکز پشتیبان، تقویت

تجربه دو جنگ
اخیر نشان داد
سرمایه اصلی
سامانه هوشمند
سوخت،
نیروی انسانی
متخصص
و متعهدی
است که در
دشوارترین
شرایط نیز
مسئولیت خود
را رها نکردند

امنیت سایبری، بومی‌سازی تجهیزات و تدوین سناریوهای مدیریت بحران انجام شده، سطح آمادگی این سامانه را نسبت به گذشته به‌طور قابل توجه افزایش داده است. مدیر سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران همراهی میان دستگاه‌های مختلف و تلاش شبانه‌روزی کارکنان را مهم‌ترین عوامل موفقیت در عبور از روزهای دشوار اخیر دانست و ابراز امیدواری کرد: با تداوم این

همدلی و تقویت زیرساخت‌های فنی، سامانه هوشمند سوخت همچنان بتواند نقش خود را در حفظ پایداری عرضه سوخت و تأمین آرامش جامعه، حتی در سخت‌ترین شرایط، به بهترین شکل ایفا کند. وی تصریح کرد: تجربه دو جنگ اخیر نشان داد که استمرار سوخت‌رسانی، تنها به تولید و انتقال فرآورده‌های نفتی وابسته نیست، بلکه تصمیم‌های به‌موقع، آمادگی زیرساخت‌ها، توسعه فناوری بومی و حضور نیروهای متخصص نیز نقشی تعیین‌کننده در حفظ این پایداری دارند. امروز سامانه هوشمند سوخت با تکیه بر تجربه‌های به‌دست آمده، توسعه تجهیزات بومی، ارتقای زیرساخت‌های امنیتی و بازطراحی فرایندها، خود را برای رویارویی با شرایط پیچیده‌تر آماده کرده است؛ مسیری که هدف نهایی آن، حفظ آرامش مردم و استمرار بی‌وقفه خدمت‌رسانی در هر شرایطی است.

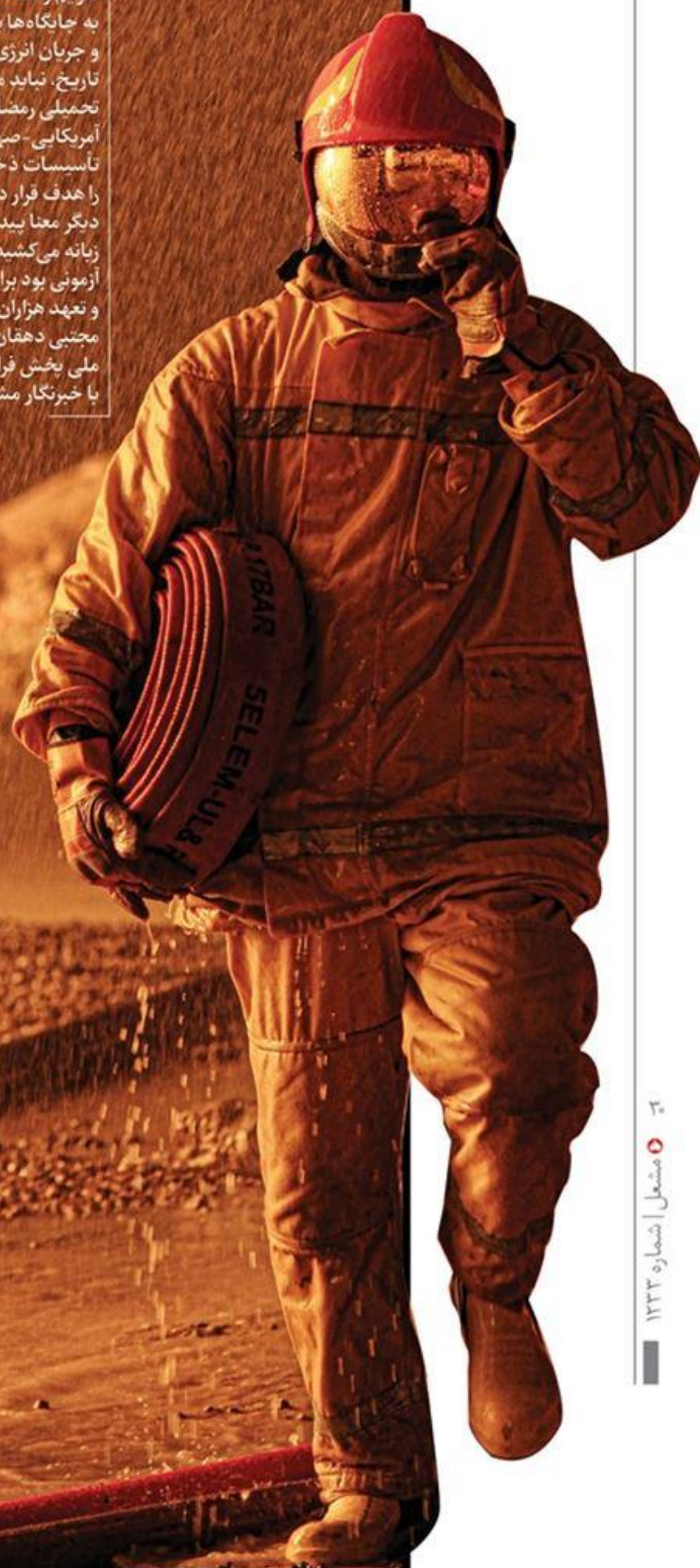


تعهدی که از دل شعله‌ها گذشت

حریفان آتش



میدان: در صنعت نفت، برخی مأموریت‌ها تقویم و ساعت نمی‌شناسند. سوخت باید به جایگاه‌ها برسد، مخازن باید ایمن بمانند و جریان انرژی، حتی در سخت‌ترین شرایط تاریخ، نباید متوقف شود. در جریان جنگ تحمیلی رمضان، هنگامی که حملات دشمن آمریکایی-صهیونیستی شماری از مهم‌ترین تأسیسات ذخیره‌سازی و توزیع سوخت کشور را هدف قرار داد، این مأموریت بیش از هر زمانی دیگر معنا پیدا کرد. شعله‌هایی که از مخازن زیانه می‌کشیدند، تنها یک حریق صنعتی نبود، آزمونی بود برای سنجش آمادگی، مدیریت بحران و تعهد هزاران نفر از کارکنان صنعت نفت که مجتبی دهقان نصیری، رئیس اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران در گفت و گو با خبرنگار مشعل آن را روایت کرده است.



شامگاه شانزدهم اسفندماه ۱۴۰۴، تهران و البرز یکی از برالتهاب‌ترین شب‌های تاریخ صنعت انرژی کشور را پشت سر گذاشتند؛ شبی که حملات هوایی دشمن آمریکایی-صهیونی، شماری از مهم‌ترین تأسیسات را در برابر یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین آزمون‌های عملیاتی خود قرار داد. برخی انبارهای نفت تهران و البرز، مراکزی بودند که آماج حملات قرار گرفتند. با وجود گستردگی خسارت‌ها و پراکندگی جغرافیایی تأسیسات آسیب‌دیده، مدیریت سریع، هماهنگ و از پیش برنامه‌ریزی شده موجب شد بحران در کوتاه‌ترین زمان ممکن کنترل شود و چرخه سوخت بی‌هیچ وقفه‌ای به کار خود ادامه دهد. دهقان نصیری روایت خود را از همان ساعت‌های نخست حمله آغاز می‌کند؛ ساعتی که هیچ فرصتی برای غافلگیری یا تصمیم‌گیری‌های طولانی وجود نداشت و آنها برنامه‌ها و تدابیر خود را از قبل آماده کرده بودند. وی تصریح می‌کند: هنگامی که به محل حادثه حاضر شدم، نخستین تصویری که پیش روی من و همکارانم قرار گرفت، صحنه‌ای شبیه به یک آتشفشان بود و شعله‌هایی که تا شعاع قابل توجهی اطراف تأسیسات را دربر گرفته بودند. شدت انفجار به اندازه‌ای بود که بخش وسیعی از محیط پیرامون نیز دچار حریق شده بود و شرایط، لحظه به لحظه پیچیده‌تر می‌شد. باین حال، نخستین تصمیم، ورود مستقیم به عملیات اطفای حریق نبود. دهقان نصیری تأکید می‌کند: اولویت اصلی و اول ما، حفظ آن بخش از تأسیسات بود که هنوز آسیب ندیده بودند، زیرا اگر حریق به مخازن و خطوط مجاور سرایت می‌کرد، دامنه خسارت به مراتب گسترده‌تر و استمرار سوخت‌رسانی کشور با تهدیدی جدی‌تر روبه‌رو می‌شد؛ از همین رو، عملیات جداسازی بخش‌های حساس تأسیسات در نخستین دقیق آغاز شد. همزمان، نیروهای عملیاتی با محصور کردن محدوده حادثه، تلاش کردند از گسترش آتش جلوگیری کنند؛ اقدامی که به گفته وی، نقشی تعیین‌کننده در کنترل تجاوز دشمن و حفظ ظرفیت عملیاتی انبارها داشت.

نبرد با شعله‌ها

پس از محصور و جداسازی محدوده حادثه، مرحله‌ای آغاز شد که به گفته رئیس اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، یکی از دشوارترین بخش‌های عملیات به شمار می‌رفت و آن قطع و ایمن‌سازی خطوط ورودی و خروجی بود. وی توضیح می‌دهد: بسیاری از خطوط انتقال، بر اثر اصابت ترکش‌ها آسیب دیده و مملو از فراورده‌های نفتی بودند. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین اشتباه می‌توانست موجب انتقال آتش به دیگر بخش‌های تأسیسات و افزایش دامنه حادثه شود. دهقان نصیری می‌گوید: نیروهای

عملیاتی، در حالی که با حرارتی بسیار شدید و خطر انفجارهای بی‌دریی روبه‌رو بودند، موفق شدند تمام خطوط را به موقع از مدار خارج و ایمن‌سازی کنند تا از انتقال حریق به سایر نقاط جلوگیری شود. با پایان مرحله ایمن‌سازی، نوبت به کلیدی‌ترین بخش عملیات رسید؛ اطفای حریق که به گفته دهقان نصیری، هیچ شباهتی به یک آتش‌سوزی معمولی نداشت. وی اشاره می‌کند: راهبرداصلی تیم‌های صنعت نفت، مهار آتش در کوتاه‌ترین زمان ممکن در تأسیسات ذخیره‌سازی آسیب‌دیده از حملات دشمن بود؛ عملیاتی که به دلیل شرایط خاص مخازن و گستردگی حریق، پیچیدگی‌های فراوانی داشت.

آمادگی در بحران

دهقان نصیری می‌گوید: آنچه در ساعات نخست حادثه مانع از گسترش خسارت شد، تنها حضور به موقع نیروهای عملیاتی نبود؛ بلکه نتیجه سال‌ها برنامه‌ریزی، آموزش و اجرای مانورهای بود که شاید در روزهای عادی کمتر به چشم می‌آمد. اما در لحظه بحران، ارزش واقعی خود را نشان داد. وی تصریح می‌کند: برای رویارویی در هر بخش، سناریوهای مختلف بحران از پیش طراحی شده بود و تمام واحدهای مرتبط، وظایف خود را به‌طور دقیق می‌شناختند. نقاط حساس عملیاتی و شیوه واکنش در شرایط اضطراری، بارها مرور و تمرین شده بود تا در صورت وقوع حادثه، هیچ تصمیمی بر پایه حدس و گمان گرفته نشود. به گفته مدیر اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، این آمادگی تنها به حملات نظامی به انبارها محدود نمی‌شود، بلکه برای طیف گسترده‌ای از تهدیدها از جمله حملات سایبری، قطع برق، اختلال در سامانه‌های عملیاتی و دیگر سناریوهای بحرانی نیز برنامه‌های مشخصی تدوین شده است؛ به همین دلیل، در هر شرایطی، مسیرهای جایگزین و اقدام‌های لازم برای پایداری انرژی از پیش تعیین شده و همه واحدهای عملیاتی می‌دانند در هر مرحله چه مسئولیتی به عهده دارند.

نمایش انبار

از همه صحنه‌هایی که دهقان نصیری در روزهای بحران به خاطر سپرده، یک تصویر بیش از هر چیز در ذهنش مانده؛ تصویری که معنای واقعی انبار، تخصص و شجاعت کارکنان صنعت نفت را به نمایش گذاشته است.

رئیس اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران تصریح می‌کند: در یکی از انبارهای نفت، شدت حریق به اندازه‌ای بود که شعله‌های آتش، مخزن

عملیاتی را از هر سو در محاصره گرفته بودند و این ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود، زیرا در صورت گسترش آتش، احتمال سرایت حادثه به بخش‌های دیگر تأسیسات وجود داشت و دامنه خسارت به مراتب وسیع‌تر می‌شد. به گفته وی، تنها راه مهار آتش، ایجاد مسیری از میان شعله‌های آتش بود. نیروهای عملیاتی، در شرایطی که حرارت شدید و خطر انفجار هر لحظه آنان را تهدید می‌کرد، با باز کردن مسیر و استقرار تجهیزات، خود را به مخزن رساندند تا عملیات مهار را آغاز کنند؛ عملیاتی که از دشوارترین مأموریت‌های اطفای حریق محسوب می‌شود. دهقان نصیری با تحسین همکارانش می‌گوید: آنچه در آن لحظات از نیروهای عملیاتی دیدم، تنها انجام یک وظیفه سازمانی نبود؛ جلوه‌ای از شجاعت، تخصص و احساس مسئولیتی بود که شاید تنها در چنین شرایطی بتوان عمق آن را درک کرد. آنان با وجود همه خطر، برای حفظ تأسیسات و جلوگیری از گسترش حادثه، لحظه‌ای در انجام مأموریت خود تردید نکردند. دهقان نصیری با اشاره به نتایج این مدیریت می‌گوید: سرعت مهار آتش در تأسیسات آسیب‌دیده، مطلوب و این مهم حاصل دانش فنی، آمادگی قبلی و همت نیروهایی بود که در سخت‌ترین شرایط، پای کار کشور هستند.

خدمت بی‌وقفه

رئیس اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، وظیفه رسالت اصلی این مجموعه را تنها در حفاظت از تأسیسات خلاصه نمی‌کند؛ از نگاه او، مهم‌ترین مسئولیت، استمرار بی‌وقفه سوخت‌رسانی به مردم در هر شرایطی است؛ مسئولیتی که در روزهای جنگ، بیش از هر زمان دیگری اهمیت خود را نشان داد. وی با اشاره به تلاش شبانه‌روزی کارکنان می‌افزاید: شاید تصور دشمن این بود که با هدف قرار دادن این تأسیسات، روند تأمین سوخت کشور برای مدت‌ها مختل خواهد شد، اما نتیجه کاملاً برعکس بود. فردای



حادثه، جایگاه‌های عرضه سوخت بدون وقفه به مردم خدمت‌رسانی کردند و هیچ جایگاهی در سطح استان تهران و البرز بدون سوخت نماند. به باور دهقان نصیری، بزرگ‌ترین موفقیت آن روزها نه فقط مهار آتش، بلکه حفظ آرامش مردم و تداوم خدمت‌رسانی بود؛ دستاوردی که حاصل تلاش هزاران نفر در سراسر زنجیره تأمین، انتقال، ذخیره‌سازی و توزیع فراورده‌های نفتی بود؛ زنجیره‌ای که در سخت‌ترین شرایط نیز از حرکت باز نایستاد.

رئیس اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران هنوز تصویر نخستین ساعات حضور همکاران خود را در صحنه نبرد با آتش خصم دشمن به خاطر دارد؛ جایی که دیگر عنوان‌های سازمانی معنا نداشت؛ از مدیران ارشد گرفته تا کارشناسان، آتش‌نشانان، نیروهای عملیاتی و ... مجموعه، همه در کنار یکدیگر ایستاده بودند و تنها یک دغدغه داشتند؛ اینکه چگونه می‌توانند سهمی در مدیریت بحران و حفظ سرمایه‌های مردم داشته باشند. وی تأکید می‌کند: زنجیره خدمت در صنعت نفت، از مرحله اکتشاف و تولید آغاز می‌شود و تا لحظه‌ای که فراورده به دست مصرف‌کننده می‌رسد، هزاران نفر در بخش‌های مختلف برای استمرار آن تلاش می‌کنند.

از کارکنان اکتشاف و تولید گرفته تا نیروهای پالایش، انتقال، انبارها، حمل‌ونقل و جایگاه‌های عرضه سوخت، همگی حلقه‌های یک زنجیره واحد هستند که مأموریتی مشترک را دنبال می‌کنند؛ خدمت‌رسانی بی‌وقفه به مردم. رئیس اچ‌اس‌ای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران در پایان این گفت و گو با قدردانی از تلاش همه کارکنان صنعت نفت، از مردم می‌خواهد ارزش سوخت این سرمایه ملی را بیش از پیش بدانند و با مدیریت صحیح مصرف آن، در حفظ این سرمایه و تداوم خدمت‌رسانی همراه صنعت نفت باشند.

چراغ تامین سوخت در سایه همدلی مردان خدمت فروزان ماند

حفظ آرامش مردم



مشعل | گاهی ارزش یک نعمت، زمانی آشکارتر می‌شود که بحران، همه معادلات را بر هم می‌زند. سوخت نیز از همان نعمت‌هایی است که تا هنگامی که بی‌وقفه در دسترس باشد، کمتر کسی به سختی‌های تامین آن می‌اندیشد. شامگاه شانزدهم اسفند ماه روزی بود که دشمن آمریکایی - صهیونی با هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی انرژی، تلاش کرد جریان عادی زندگی مردم را مختل کند. غافل از آنکه با وجود شعله‌های برافروخته آتش، آرامش در جایگاه‌های سوخت پایتخت جاری است و میان زنجیره‌ای از ایثار، مدیریت و تصمیم‌های لحظه‌ای و راهبردی قرار دارد. در گفت‌وگوی پیش‌رو با فریدون یاسمی، مدیر شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه تهران، بازتابی است از آن روزهای پرتلاطم؛ روزهایی که کارکنان صنعت نفت، در حالی که خطر لحظه‌ای از بیخ گوششان می‌گذشت، تنها به یک مأموریت می‌اندیشیدند؛ اینکه مردم در آن شرایط سخت جنگ، با کمبودی در تامین سوخت روبه‌رو نشوند.



در روزهایی که تجاوز دوباره دشمن آمریکایی - صهیونیستی در سال ۱۴۰۴، کشور را وارد مرحله‌ای تازه از تقابل با دشمن خبیث کرده بود، کارکنان صنعت نفت تنها با یک بحران عملیاتی روبه‌رو نبودند، بلکه باید با تکیه بر تجربه‌های ارزشمند نبرد پیشین، برای عبور از شرایط پیچیده‌تر و گسترده‌تر آماده می‌شدند. آنچه در جنگ ۱۲ روزه به دست آمده بود، این بار از سطح تجربه فراتر رفت و به بخشی از برنامه‌های عملیاتی، راهبردهای از پیش طراحی شده و آمادگی میدانی تبدیل شد.

جنگ ۱۲ روزه چه تجربه‌ها و درس‌هایی برای شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران به همراه داشت؟

در جریان جنگ ۱۲ روزه، تجربه‌ای ارزشمند در مدیریت شرایط بحرانی به دست آوردیم. در آن مقطع دشمن برخی از تأسیسات نفتی را هدف قرار داد، اما از همان ابتدا با پیش‌بینی‌های مختلف، اقدام‌های پیشگیرانه در دستور کار قرار گرفت تا ریسک خسارت‌ها به حداقل کاهش یابد و همزمان نشست‌هایی با مسئولان نواحی، شرکت‌های حمل و نقل، مدیران جایگاه‌های عرضه سوخت و ناوگان سوخت‌رسان سیار برگزار شد تا وظایف هر بخش در شرایط بحرانی به‌طور دقیق مشخص شود.

افزون بر پایش مستمر موجودی فراورده‌های

نفتی و پیش‌بینی‌های مختلف، از جمله احتمال حملات سایبری به سامانه‌های عرضه سوخت، سازوکارهایی طراحی شد تا در صورت اختلال یا حمله سایبری، جایگاه‌های آسیب‌دیده در کوتاه‌ترین زمان دوباره وارد مدار خدمت‌رسانی شوند.

مجموعه این تدابیر و آمادگی‌ها سبب شد در طول جنگ ۱۲ روزه، هیچ‌گونه وقفه‌ای در تامین سوخت کشور ایجاد نشود و حتی در اوج مراجعات مردمی به جایگاه‌ها رکورد تاریخی توزیع ۲۱۰ میلیون لیتر بنزین در یک روز ثبت شود که همه اینها حاصل برنامه‌ریزی، هماهنگی و تلاش شبانه‌روزی کارکنان صنعت نفت بوده است.

باتوجه به تجربیات جنگ ۱۲ روزه، در جنگ تحمیلی رمضان، چه اقدام‌هایی برای پایداری شبکه توزیع سوخت در دستور کار قرار گرفت؟

تجربه جنگ ۱۲ روزه، آمادگی ما را برای مدیریت شرایط بحرانی به مراتب کامل‌تر کرده بود؛ به همین دلیل، با آغاز جنگ رمضان و پیش از حملات دشمن، مجموعه‌ای از اقدام‌های پیشگیرانه در دستور کار قرار گرفت تا در صورت وقوع هرگونه حادثه، در روند سوخت‌رسانی به مردم اختلالی ایجاد نشود.

با وجود این آمادگی‌ها، دشمن متجاوز آمریکایی - صهیونی به صورت هم‌زمان سه تأسیسات استان تهران را هدف حمله قرار داد. اما پیش از این حملات، یکی از مهم‌ترین اقدام‌هایی که انجام داده بودیم، افزایش ذخایر جایگاه‌های عرضه سوخت بود تا پاسخگوی افزایش تقاضای احتمالی باشند.

از سوی دیگر، هماهنگی‌های گسترده‌ای با استان‌های همجوار انجام و بخشی از سوخت مورد نیاز استان تهران از طریق آنها تامین شد تا مردم در هیچ مقطعی کمبود سوخت را احساس نکنند و روند خدمت‌رسانی بدون وقفه ادامه یابد.

هنگام تجاوز دشمن آمریکایی - صهیونی به تأسیسات برشما چه گذشت؟

به خاطر دارم که حدود یک ساعت پیش از آغاز تجاوز دشمن آمریکایی - صهیونی در شانزدهم اسفند، در برنامه سیمای تهران اعلام کرده بودم که

به نظر شما، مهم‌ترین عامل این همدلی و ایستادگی در روزهای جنگ رمضان و ۱۲ روزه چه بود؟

این همدلی از ایمان، حس مسئولیت و روحیه از خودگذشتگی همه کارکنان صنعت نفت سرچشمه می‌گیرد. باور همه ما این است که این حفظ امنیت و آرامش مردم، وظیفه‌ای است که باید با تمام توان برای آن ایستاد. در روزهای جنگ تحمیلی رمضان، هیچکس به ساعت نگاه نکرد، به خطر فکر نکرد و بی آن که خستگی را به خود راه دهد، فقط یک هدف داشت و آن، خدمت به مردم همراه با تداوم سوخت‌رسانی بود.

وضعیت کنونی تامین و توزیع سوخت در استان تهران چگونه است؟

با وجود آسیب‌های جدی دشمن در حملات اخیر به ویژه در جنگ رمضان، تلاش‌های بسیاری شد تا شرایط پایداری در شبکه توزیع سوخت ایجاد و حفظ شود. در کنار تلاش‌های بی‌شائبه همکاران، با حمایت‌های معاون وزیر نفت در امور بالایش و بخش مدیریت عامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران زودتر به این شرایط پایدار دست یابیم. هم اکنون نیز با آنکه فصل تابستان است و سفرهای تابستانی هم انجام می‌شود، تامین و توزیع سوخت مطلوب است و مشکلی در تامین و عرضه آن وجود ندارد.

مردم هیچ نگرانی بابت تامین سوخت نداشته باشند. هنوز مدت زیادی نگذشته بود که خبر رسید به واسطه حملات دشمن، برخی تأسیسات آسیب دیده‌اند؛ به اتفاق برخی همکاران بی‌درنگ خود را به محل حادثه رساندیم؛ در همین اثنا حمله دیگری انجام و آسیب جدی‌تری به تأسیسات وارد شد.

حملات به قدری گسترده بود که ترکش‌های ناشی از انفجار در فاصله کمی از من و همکارانم به زمین می‌خورد و خطر اصابت مستقیم آنها نیز تهدیدی جدی بود.

اما در آن لحظات، هیچ‌گاه به خانواده، زندگی شخصی یا حتی خودم فکر نکردم. تنها دغدغه‌ای که ذهنم را مشغول کرده بود، مردم ایران بودند. با خود می‌گفتم خدا یا کمک کن فقط شرمند مردم نشوم.

به مردم اطمینان داده بودم در تامین سوخت مشکلی ایجاد نخواهد شد و تمام تلاشمان این بود که به آن وعده عمل کنیم. به لطف پروردگار، همدلی و تلاش شبانه‌روزی همکاران در شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه تهران و دیگر بخش‌های مرتبط توانستیم نیاز مردم را حوزه تامین سوخت پاسخ دهیم و با همدلی همه همکاران در بخش‌های ستادی و عملیاتی، شرایط به سمتی پیش رفت تا هیچ شهروندی به دلیل کمبود سوخت دچار مشکل نشود.

در پایان اگر صحبتی دارید، بیان کنید؟

در وهله نخست، وظیفه خود می‌دانم از همه همکاران در بخش‌های مختلف صنعت نفت که با به پای هم و با تمام توان در روزهای سخت جنگ پای کار ایستادند، صمیمانه قدردانی کنم. همچنین از مالکان و کارکنان جایگاه‌های عرضه سوخت، رانندگان نفتکش که با وجود همه تهدیدها و خطر، جان و سرمایه خود را برای خدمت به مردم و کشور در کف دست گرفتند و اجازه ندادند چرخه سوخت‌رسانی متوقف شود، تشکر می‌کنم. در کنار این تلاش‌ها، همراهی مردم نیز نقشی بسیار تعیین‌کننده داشت. با وجود آسیبی که دشمن به تأسیسات نفتی وارد کرد، مردم با آرامش و درایت از ایجاد آذوقه در

جایگاه‌ها خودداری و تنه‌پایان‌ده‌نیاز سوخت‌گیری کردند؛ همین رفتار مسئولانه، کمک بزرگی به مدیریت و تداوم سوخت‌رسانی بود. موفقیتی که آن روزها رقم خورد، حاصل همدلی مردم و تلاش شبانه‌روزی همه کارکنان صنعت نفت بود. شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران نیز به عنوان یکی از بخش‌های این صنعت و خادم مردم، تنها وظیفه خود را انجام داد و امیدواریم همواره شایسته این اعتماد و همراهی باشد.



باور همه ما این است که این سرزمین، خانه و خاک آبا و اجدادی ماست و حفظ امنیت و آرامش مردم، وظیفه‌ای است که باید با تمام توان برای آن ایستاد



در سوگ شهید خدمت، محمد عسگری
سرپرست روابط عمومی شرکت ملی گاز ایران

نغمه‌های ملکوتی در نینوا



مشعل | سخن گفتن از پرکشیدن برخی انسان‌ها در زندگی به قدری سخت و غم‌انگیز است که واژگان به تنهایی، بار سنگین وفات او را نمی‌توانند بر دوش بکشند. بخصوص اگر همه عمر در خدمت دیگران بوده و بار زندگی را برایشان سبک‌تر کرده باشند، این غم جانکاه سنگین‌تر هم می‌شود. محمد عسگری، سرپرست روابط عمومی شرکت ملی گاز ایران، از چنین شخصیت‌هایی بود که زود آسمانی شد و خانواده و دوستانش را در شوک و داغ فرو برد. اما چیزی که این پرکشیدن ناگهانی را قابل تحمل کرد، عروج در سرزمین نینوا، نزد آقاایش حضرت سید الشهدا(ع) بود. گزارش حاضر به بخش‌هایی از زندگی مرحوم عسگری از نگاه دوستان و وداع خانواده و همکاران با او پرداخته است.

خبر همین قدر تلخ و جانکاه بود: «محمد عسگری هنگام بازگشت از زیارت حرمین حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و حضرت ابوالفضل العباس(ع)، حین انجام وظیفه در سفر به کربلای معلی و همزمان با ایام اربعین در سانحه رانندگی درگذشت». او که عمری به خدمت، شهره عام و خاص بود، این بار در جوار ملکوتی امام حسین(ع) و در حین سرکشی به موکب‌های سالار شهیدان، شهید شیرین همراهی با حضرت سیدالشهدا(ع) را چشید و آسمانی شد. آخرین قاب‌هایی که از حاج محمد، از سوی یکی از همراهانش در سفر کربلا دیدم، او را در حال ذکر دعا و محو در فضای ملکوتی کربلا نشان می‌داد؛ گویی آخرین نغمه‌های زندگی را با خدای خود نجوای کرد. در قابی دیگر، نیم‌نگاهی به دوستش ولیخندی که برگوشه لبش بود، حکایت از این داشت که خدا حال دلش را فهمیده و آسمانی شدن در کربلا را نصیبش کرده بود.

خدا حافظی با مرد خوشروی صنعت گاز

خبر خیلی زود به تهران رسید و همکاران و دوستان در شرکت ملی گاز ایران و دیگر مجموعه‌های وزارت نفت را در آستانه اربعین حسینی در سوگ و ماتم فرو برد. محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، در پیامی، درگذشت حاج محمد عسگری را تسلیت گفت. وی یادآور شد: «ضمن عرض تسلیت به خانواده آن مرحوم و همه همکاران محترم در شرکت ملی گاز ایران، از خداوند منان برای ایشان غفران و رحمت واسعه الهی و برای خانواده مکرم و سایر بازماندگان، صبر، سلامت و شکیبایی مسئلت دارم.» سپس سیلی از پیام‌ها که نشان از محبوبیت او میان همکاران داشت، منتشر شد. الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، درگذشت محمد عسگری، سرپرست روابط عمومی شرکت ملی گاز ایران را ضایعه‌ای بزرگ برای خانواده، روابط عمومی و شورای اطلاع‌رسانی دولت دانست. دوست همراهش، سعید توکلی، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران نیز با حزن فراوان نوشت: «آن عزیز، انسانی خوش‌اخلاق، شریف، مهربان و صمیمی بود که با منش نیکو، صداقت در رفتار و احترام به همگان، جایگاهی ماندگار در دل همکاران خود یافته بود و محبت و اخلاق را در عمل معنا می‌کرد». سامان قدوسی، مدیرکل روابط عمومی وزارت نفت هم در پیامی دیگر محمد عسگری را انسانی شریف، آزاده و مؤمن دانسته که سال‌ها با روحیه‌ای مسئولانه، اخلاق‌مدار و خدمت‌گزار در عرصه اطلاع‌رسانی و ارتباطات سازمانی نقش آفرینی کرد. داوود طارمی، سرپرست مرکز بسیج وزارت نفت، حاج محمد را به عنوان فرمانده غیور حوزه مقاومت بسیج شرکت ملی گاز ایران توصیف کرد.

روز وداع یاران

صبح دوشنبه ۱۲ مرداد، شماری از دوستان و همکاران مرحوم عسگری، خود را به محوطه مقبره‌الشهدای وزارت نفت رساندند و با تأسی به روزهای محرم و اربعین حسینی، گرداگرد مقبره‌الشهدا حلقه زدند و به یادش به سینه‌زنی و مداحی پرداختند. مویه و عزاداری دوستان و



همکارانش، فضای مراسم را حزن‌آلود کرده بود. در کنار مقبره‌الشهدا، برخی همکاران قدیمی، در فراق رفیق همیشه همراهشان، از ویژگی‌های شخصیتی او می‌گفتند. حسن منتظر تربتی، مدیرعامل اسبق شرکت ملی گاز ایران، حاج محمد را چنین توصیف کرد: «بی‌هیاهو کار کرد و خدا هم اجرش را در مسیر خدمت‌رسانی به سیدالشهدا داد. یعقوب علی طالبی، فرمانده حوزه مقاومت بسیج شرکت ملی نفت هم محمد عسگری را رفیق همیشه همراه خطاب کرد که نبود او، حزن و اندوهی بی‌پایان برای دوستان و همکارانش به وجود آورده است. همچنین صدیقه خرابی، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت، از مشکلات کارکنان به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حاج محمد یاد کرد که همواره در اندیشه حل آنها بود.

قاب آخر

ساعت حدود ۱۲ ظهر بود که با حرکت چندین دستگاه اتوبوس، جمعی از دوستان و همکاران برای وداع ابدی با پیکر پاک او، به سوی قطعه ۱۹ بهشت زهرا روانه شدند. هرچند تابش آفتاب به اوج خود رسیده بود و گرمای سوزان بر صورت مردم سیلی می‌زد، اما سوز دل از نبود چنین رفیقی، گرمای بیرون را بی‌اهمیت کرده بود. شمار زیادی از دوستان و همکاران، بر پیکرش نماز خواندند و در وداع آخر او را به سوی خانه ابدی روانه کردند تا برای همیشه در آن آرام گیرد. نوای لاله‌الاله در فضای پیچید و هر لحظه هم پیکر مرحوم عسگری به آرامگاه ابدیش نزدیک‌تر می‌شد. خانواده به خصوص دخترانش اشک می‌ریختند. وداع آخر خانواده با پیکر پدری مهربان و همسری استوار، تکان دهنده بود. ضجه‌های فرزندان و همسر بر

پیکر او، تصویری غم‌انگیز از مردی ساخت که سعادت آخرت را از خداوند دریافت کرده، اما داغ نبودنش، خانواده‌ای را ماتم زده کرده بود.

خادمی که به مقصود رسید

مراسم به پایان خود نزدیک می‌شد. آخرین قاب از حاج محمد عسگری، مزاری مزین به عکس وکل بود. او در شب اربعین حسینی، میهمان آقاایش، حضرت سیدالشهدا(ع) شده بود. در میان هیاهوی جمعیت، یافتن دوستان نزدیک که عمری با او زیست کرده بودند، دشوار بود. اما می‌خواستیم آخرین کلمات آنها را در نخستین لحظات خاک سپاری بشنوم. سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران که هم در زمان نماز بر میت و هم در خاکسپاری اشک می‌ریخت، در سخنانی کوتاه او را انسانی تمام‌عیار دانست که خیرخواه همگان بود و انسانیت را در عمل معنا می‌کرد. سید محمد میربحی، رئیس دارالقرآن وزارت نفت نیز حاج محمد عسگری را یک الگو در حوزه

فرهنگی قلمداد کرد. همچنین رضا فتحعلی بیگی، رئیس بودجه و کنترل هزینه‌های شرکت ملی گاز ایران، با اشاره به یکی دیگر از ویژگی‌های وی، یعنی علاقه‌مندی به ورزش، بر همت و پیگیری‌های مستمر او تأکید کرد و مهدی ستایشگر، رئیس روابط عمومی شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران هم، با تکیه بر مفهوم «معرفت»، از عسگری به عنوان فردی با منش، آشنایه کار و صاحب‌نظر در مسائل انسانی یاد کرد.

هیچ‌کس از فردای خود خبر ندارد؛ محمد عسگری، این خادم با صفای سیدالشهدا(ع) هم از فردایش خبر نداشت؛ خبر نداشت که قرار است در سرزمین آقا امام حسین(ع) و در راه خدمت به او جان به جان آفرین تسلیم کند. اما اینگونه شد.

حاج محمد عسگری، این یار خدمتگزار عرصه صنعت گاز، از میان ما رفت و همزمان با اربعین حسینی در خانه ابدیش آرام گرفت؛ جسمش در دنیا ماند و روحش به ملکوت پیوست. روحش شاد.

به پاس خبرنگارانی که با ثبت رویدادها
حافظه تاریخ را جاودانه می‌کنند

راویان روشنائی

مشعل قلم و حرمت نوشتن چنان در سرنوشت انسان‌ها اثرگذار است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» و این سوگند الهی، جایگاه رفیع قلم را در زندگی بشر برجسته ساخته و به آن تعالی بخشیده است. خبرنگاری به واسطه ارتباط مستقیم با این سوگند الهی، شغلی از جنس مادیات نیست، بلکه باید عشقی در انسان به جوش آید تا دست به قلم ببرد و برای جامعه بنویسد. خبرنگاری حرمتی دارد که باید پاس داشته و ارزش آن برای جامعه آشکار شود.

هر ساله با فرارسیدن ۱۷ مرداد، برای گرامیداشت روز خبرنگار موجی از پیام‌های شادباش و آرزوی موفقیت به سوی خبرنگاران سرازیر می‌شود؛ خبرنگارانی که هر روز راوی زندگی دیگرانند، اما در چنین روزی، خود به روایت بدل می‌شوند و در معرض دید دیگران قرار می‌گیرند.

با آنکه مردم هر روز ساعت‌های متمادی را در سایت‌های خبری و دکه‌های روزنامه‌فروشی صرف می‌کنند تا روایتی نو در قلم خبرنگاران بیابند، اما کمتر کسی نیمه پنهان کار آنان را می‌بیند و از تلاش‌هایشان آگاه است. هم قدم شدن با خبرنگاران و شنیدن دغدغه‌ها و مشکلات آنان، گامی کوچک در مسیر تکریم کسانی است که عمر خود را وقف رسالت خبری برای جامعه می‌کنند.

در کار خبر مهم نیست که روز را با خوشحالی آغاز کرده باشی یا دغدغه‌ای، ذهنت را به بی‌وصلگی و ادا داشته باشد؛ مهم نیست بار سنگین مسئولیت خانواده‌ای را به دوش می‌کشی یا پشتیبان پدر و مادر پیری هستی که چشم انتظار تو هستند. هنگامی که برای انجام رسالت خبری پیش می‌روی، یادداشت می‌نویسی یا در برابر دریچه لنز دوربین‌ها و عکاسان برای گفت‌وگو می‌نشینی، تمام ذهن باید پشت در اتاق بماند تا قلم و اندیشه تنها در مسیر رسالت خبری باشد. شاید خبرنگار همچون دیگر مردم، فرصتی برای خلوت با خود و تجربه غم و شادی‌های روزمره را نیابد، زیرا رسالتی بزرگ بر دوش او نهاده شده است که باید به انجام برساند.

خبرنگار، پل ارتباطی و صدای واقعی مردم و جامعه است. زندگی او وقف صدای خاموش کسانی می‌شود که راهی برای بیان دغدغه‌های خویش ندارند و این هنر خبرنگار است که بتواند با قدرت جادویی واژگان، قاب‌هایی از آمل و آرزوهای مردم جامعه را ترسیم کند. در پس بازتاب تمام این دردها و آرزوها، حجم عظیمی از تلاش و پشتکار نهفته است که باید گام به گام و نفس به نفس با جامعه حرکت کند تا بتواند روایتی حقیقی از آن را به نگارش درآورد؛ از این رو، تکریم خبرنگار در روز ۱۷ مرداد، تکریم صدای کسانی است که با قلم و اندیشه، همچون چشمه‌ای می‌جوشند تا جامعه از آگاهی سیراب شود.



وقتی خبرنگار صدای صنعت نفت می‌شود

مهناز محمدی
سرمدیر

۱۷ مرداد، روز خبرنگار، تنها یک مناسبت برای قدردانی از فعالان رسانه نیست؛ فرصتی است برای تأمل در اهمیت روایت درست، دقیق و مسئولانه از رویدادهایی که بر زندگی مردم اثر می‌گذارند. در میان صنایع راهبردی کشور، صنعت نفت جایگاهی ویژه دارد. صنعتی که هر روز هزاران نفر در میدان‌ها، سکوهای دریایی، پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال، مراکز پژوهشی و ساختمان‌های اداری آن، بی‌وقفه برای تأمین انرژی کشور تلاش می‌کنند، اما بخش بزرگی از این تلاش‌ها تا زمانی که روایت نشوند، برای جامعه ناشناخته باقی می‌مانند.

خبرنگاری در صنعت نفت، تنها انتشار خبر نیست، ثبت بخشی از حافظه صنعتی کشور است. هر گزارش از بهره‌برداری یک پروژه، هر گفت‌وگو با یک متخصص، هر روایت از یک اقدام ایمنی یا یک نوآوری فنی، در حقیقت مستندی از مسیر توسعه صنعت نفت ایران است و رسانه سازمانی در این میان، وظیفه‌ای فراتر از اطلاع‌رسانی روزمره بر عهده دارد؛ چراکه باید پلی میان کارکنان، مدیران و جامعه باشد و تصویری واقعی، مستند و قابل اعتماد از فعالیت‌های صنعت ارائه کند.

در سال‌هایی که سرعت انتشار اخبار در فضای مجازی به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته، اهمیت خبرنگاری حرفه‌ای بیش از گذشته آشکار شده است. تفاوت یک خبرنگار با یک تولیدکننده محتوا، در تعهد او به صحت، دقت و راستی‌آزمایی اطلاعات است و صنعت نفت، به دلیل ماهیت تخصصی و راهبردی خود، بیش از بسیاری از حوزه‌ها به چنین رویکردی نیاز دارد. زیرا انتشار اطلاعات ناقص یا نادرست، می‌تواند برداشت‌های اشتباه ایجاد کند و در مقابل، اطلاع‌رسانی دقیق، اعتماد عمومی را تقویت کرده و سرمایه اجتماعی سازمان را افزایش می‌دهد.

در این میان، کارکنان صنعت نفت نیز بخشی از فرایند روایتگری هستند. بسیاری از موفقیت‌های این صنعت، حاصل تلاش شبانه‌روزی افرادی است که شاید نامشان کمتر شنیده شود: کارشناسان، مهندسان، تکنیسین‌ها، نیروهای عملیاتی، کارکنان ایمنی، پژوهشگران و همه کسانی که چرخ این صنعت را به حرکت درمی‌آورند. خبرنگار سازمانی، صدای این تلاش‌های کمتر دیده شده است؛ صدایی که تجربه‌ها، نوآوری‌ها و دستاوردها را ثبت می‌کند و به اشتراک می‌گذارد.



امروز ارتباطات سازمانی، دیگر یک فعالیت جانبی نیست؛ بخشی از مدیریت سرمایه انسانی و فرهنگ سازمانی است. کارکنان زمانی احساس تعلق بیشتری خواهند داشت که روایت موفقیت‌ها، تجربه‌ها و حتی چالش‌هایشان دیده و شنیده شود. نشریه داخلی، پایگاه خبری و رسانه‌های رسمی وزارت نفت، در همین مسیر نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنها فقط خبر منتشر نمی‌کنند، بلکه هویت سازمان را می‌سازند و حافظه جمعی آن را شکل می‌دهند. روز خبرنگار، یادآور ارزش قلم‌هایی است که حقیقت را با مسئولیت روایت می‌کنند. در صنعت نفت نیز خبرنگاران و فعالان رسانه‌های سازمانی، روایتگران تلاش انسان‌هایی هستند که امنیت انرژی کشور را رقم می‌زنند. هر گزارش، هر عکس و هر روایت دقیق، ادای احترامی است به کار و تخصص کارکنانی که شاید دور از نگاه عموم، اما در قلب توسعه کشور ایستاده‌اند.

۱۷ مرداد، فرصتی است تا از همه خبرنگاران، عکاسان، نویسندگان، ویراستاران و فعالان رسانه‌ای که با صداقت و مسئولیت‌پذیری، روایتگر صنعت نفت هستند، قدردانی کنیم. زیرا توسعه، علاوه بر کار و تخصص، به روایت درست نیز نیاز دارد.



خبرنگاری،

حرفه ای سراسر مسئولیت

سعید محمدی

دبیر تحریریه

درجهانی چنین پهناور، اتفاق های متعددی رخ می دهد؛ تولد، مرگ، جنگ، ویرانی ناشی از جاری شدن سیل یا آتشفشان و آواری که به واسطه زلزله برسر انسان ها فرو می ریزد؛ اینها رخداد هایی هستند که گاه رنگ سیاه به خود می گیرند و غم و اندوه در پی دارند و گاه سپیدند و شادی آور می شوند؛ این اشک ها و لیخند ها گاه با هم در می آمیزند و گاه مستقل از هم، روایتی تلخ یا شیرین را رقم می زنند. اما در پس همه اینها، هستند کسانی که لحظه به لحظه آنچه را که رخ داده یا می دهد، زندگی می کنند تا روایان دقیقی باشند. این روایان، خبرنگاران هستند؛ آنها که خور و خوابشان، خیر است و انگار نوشتن همه زندگی شان شده است. با خبر بر می خیزند، در حین نوشتن، غالباً فنجانی جای کنار دستشان است که بارها سرد می شود؛ زیرا تا نقطه پایان بر خبر و گزارش خود نگذارند، قلم خود را که امروز حروف روی کیبورد شده است، زمین نمی گذارند. آنها خود را به آب و آتش می زنند تا روایتی صحیح از آنچه دیده یا شنیده اند، نقل کنند؛ زیرا در قبال جامعه و قلمی که می فرسایند، مسئولیت دارند. همه ساله ۱۷ مرداد، به مناسبت روز "خبرنگار"، از این بانیان اطلاع رسانی نام برده و گاه با برگزاری مراسمی از آنها یاد می شود و سیل پیام های تبریک است که از هر سو گسیل و به این جامعه یاد آور می شود که بر رسالت خویش برای روایت اخبار صحیح در مسیر تنویر افکار عمومی باقی بمانند. خبرنگار همچون پزشکی که مراقبت از بیمار را تا لحظه آخر، مسئولیت خویش می داند، مراقبت، امانتداری و روایت صحیح خبر را برای خود یک تکلیف می داند؛ تکلیفی سراسر مسئولیت که تا حصول نتیجه به آن پایبند است. او می داند که در این حرفه، خبر و خبرنگاری نقطه پایان ندارند، از این رو همه روزها، روز خبر است و خبرنگار.



مشعل داران قلم

زهرا شهمازی

ویراستار



تاریخ پیش از آنکه در دل کتاب ها جا خوش کند، از نوک قلم هایی جاری می شود که در کوران حادثه ایستاده اند و پیش از آنکه زمان رد پای یک رویداد را در غبار فراموشی پنهان کند، آن را به سوی حقیقت می نشانند. این قلم است که به یاری حقیقت می شتابد، لحظه را به واژه می سپارد و واژه را به حافظه تاریخی. خبرنگار تماشگر خاموش روزگار نیست؛ در متن حادثه ایستاده است؛ در پیچ و خم های هیاهو حقیقت را می جوید و روایت را امانت دارانه به فردا می سپارد؛ روز خبرنگار نیز با سادداشت چنین رسالت ماندگار و قلم هایی است که چراغ آگاهی را روشن نگاه می دارند و پلی می شوند میان اکنون تا همیشه.

روایت در سرزمین نفت اما، رنگ و بویی دیگر دارد؛ بوی خاک و آتش، بوی شب هایی که شعله های مشعل، تاریکی را پس می زنند و همچون ستاره بر شانه های زمین می درخشند؛ روایت آتشی که شب های عملیات رانورافشانی می کند و مردانی که در دورترین نقاط این سرزمین ایستاده اند تا چراغ تولید را روشن نگاه دارند. در جغرافیای نفت قصه ها عمیق ترند؛ از چاه هایی که راز هزاران سال زمین را در سینه دارند تا امتداد خط هایی که انرژی را از دل خاک به خانه های مردم می رسانند. اینجا هر جاده، قصه ای دراز دارد و هر خط، خاطره از خط لوله ای که در دل کویر امتداد یافته تا پالایشگاهی که هزاران دست و دل آن را جان تازه می بخشند. هر جریان تولید، دستاورد اراده انسان هایی است که بر خط مسئولیت می ایستند تا چرخ تولید بچرخد و هزاران روایت ثبت و ماندگار شود. خبرنگار نفت، از گرمای سوزان جنوب گرفته تا سرمای دوردست ترین تاسیسات، راهی میدان می شود و از مسیرهای سخت گاز، دکل ها و پالایشگاه ها می گذرد و گوش می سپارد به صدای صنعتی که سال هاست در رگ های این سرزمین جاری است.

او می نویسد نه تنها برای امروز، برای روز هایی که شاید صدای آژیرها خاموش شده و گرد و غبار حادثه بر زمین نشسته باشد. او می نویسد تا انسان های امروز، خاطره آن روزها را برای فردا به یادگار بگذارند؛ روز هایی که سخت بر سرزمین گذشت و مردانی بی ادعا در میانه میدان ایستادند و نگذاشتند حقیقت در ازدحام حادثه خاموش شود؛ روایت ایستادگی و تلاش برای آنکه حافظه فردا امروز را فراموش نکند و چه زیباست که "مشعل" امروز روایت این مردان و زنان را برای فرداهای دور فروزان نگاه می دارد.

قلم می نویسد و "مشعل" روشن می ماند تا روایت هرگز خاموش نشود.

حرفه ای از جنس

عشق و بلاغت

مرضیه بیگی فرانی

ویراستار



هر ساله ۱۷ مرداد، یادآور ایثار و رشادت خبرنگاران شهیدی چون محمود صارمی، مرتضی آوینی، خبرنگاران شهید هواپیمای سی ۱۳۰ و تلاش مردان و زنانی است که در ماراتن سرعت و دقت، راه دشوار مسئولیت و روشننگری را انتخاب کرده اند تا با نثار آرامش خود و ساعت ها تلاش پنهان، جامعه با آگاهی بیشتر و بینشی درست تر تصمیم بگیرد. دیده بانان امنیتی که با واژه آرابی های زیبا، آنچه را در هیاهوی روزگار گم شده است، به منصفه دوباره دیده شدن و دوباره شنیده شدن می نشانند، زیرا می دانند آنچه را امروز با صداقت ثبت کنند، فردا بخشی از تاریخ خواهد بود و می نویسند آنچه را که حقیقت است به پشتگرمی و دلگرمی حدیثی از پیامبر خدا (ص)، آنجا که فرمود: «حق را بگو و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری نهراس».

می نویسند و می دانند که بهای فهمیدن و فهماندن، گاه بسیار گزاف و گران برایشان تمام خواهد شد، اما با پذیرش تمامی مخاطرات و دل سپردن به خطر و با عزمی جزم، سیمرغ وار تا رسیدن به قاف حقیقت، مخاطب را با خود همراه می کنند تا رسالت اطلاع رسانی و روشننگری را به درستی انجام داده باشند.

شاید این روز، فرصتی ارزشمند باشد برای قدردانی از تلاش کسانی که در شلوغ ترین روزها، به دنبال کشف حقیقت و روایت درست و دلیرانه آن هستند و در عرصه اطلاع رسانی، خامه خود را آلوده به دروغ نکرده و زمینه ساز افزایش آگاهی و اعتماد عمومی شده اند. سفیران و رسولانی صادق که بی محابا به دل حوادث می زنند تا حقیقت را گاه از میان شعله های آتش، گاه از لابه لای خاکستر و آوار و گاه از پشت نقاب فریب بیرون بکشند و با نگرشی عمیق و فارغ از نگاه و تعصبات شخصی، آن را بیان کنند. ضمن تبریک این روز به تمامی همکارانم در این حرفه، آرزو می کنم افکار تان متعالی و قلمتان مانا باد.



یک دنیا حرف پشت یک خبر

فاطمه دهقان نیری
خبرنگار

فرقی نمی‌کند یک سال در حوزه خبر کار کرده باشی یا ۴۰ سال. کافی است بدانی خبر یا گزارشی که تهیه می‌کنی، گره از کلاف سردرگم مردمان کشور باز می‌کند. آن وقت است که ناجی وار دل به اقیانوس خبر می‌زنی و لرزش صدای آدم‌ها برایت معنای جدی تری پیدا می‌کند. تجربه‌ای که این سال‌ها کسب کرده‌ام؛ آنجا که در حوزه اجتماعی یا به محله‌های دروازه غار می‌گذاشتم تا از وضعیتشان بنویسم تا کنون، دلگویه‌های کارکنان اقماری را از دل نفتکش‌ها در وسط دریا به گوش مقام‌ها و مسئولان دی‌ریب می‌رسانم. ۴۰ سال از روزی که فهمیدم خبرنگاری فقط پرسیدن و نوشتن نیست، می‌گذرد و در این سال‌ها، خبرهای زیادی آمدند و رفتند، بعضی‌ها فراموش شدند، بعضی‌ها ماندند و بعضی‌ها گوشه‌ای از قلمم را با خودشان بردند؛ آدم‌هایی که تمام دارایی‌شان امید بود، پشت یک خبر، یک دنیا حرف نگفته داشتند که هیچ تیترو کلمه‌ای برای توصیفشان کافی نبود. حالا بعد از ۴۰ سال، اگر کسی بپرسد حاصل این همه سال کار خبرنگاری چیست، شاید جوابم ساده باشد: چند هزار خبر، صدها آدم، هزاران ساعت جست‌وجو و نوشتن و مجموعه‌ای از خاطراتی که دیگر نمی‌شود از زندگی‌ام جدایشان کنم.



به وقت حقیقت

حمیدرضا زنیلی
خبرنگار

گاهی فکر می‌کنم خبرنگاری از همان لحظه‌ای شروع می‌شود که دیگر نمی‌توانی بی‌تفاوت از کنار اتفاق‌ها به سادگی رد شوی. از وقتی که هر صحنه، هر آدم و هر قصه‌ای برایت تبدیل می‌شود به یک سؤال؛ سؤالی که تا جوابش را پیدا نکنی، آرام نمی‌شوی.

از همان روزها فهمیدم خبرنگاری فقط یک شغل نیست؛ بلکه یک سبک زندگی است. زندگی که در آن، هیچ اتفاقی معمولی نیست. صدای آژیر، ازدحام یک خیابان، سکوت یک روستا، اشک یک مادر یا لبخند یک کودک، هر یک روایتی می‌شوند که انگار تو مسئول رساندنش به گوش آدم‌های دیگری. بارها شده وسط یک شلوغی، جایی که همه فقط تماشاچی بودند، من به دنبال روایت گشته‌ام؛ دنبال آن جمله‌ای که حقیقت را همان‌طور که هست، به مردم برساند. خبرنگاری برای من فقط نوشتن خبر یا گزارش نیست؛ بلکه شنیدن صدای کسی است که شاید هیچ وقت فرصتی برای شنیده شدن نداشته، دیدن جزئیاتی است که از چشم خیلی‌ها پنهان مانده؛ خبرنگاری یعنی قبل از نوشتن، خوب دیدن، قبل از هر قضاوت، خوب شنیدن و قبل از هر تیترو زدن به وزن و معنای هر کلمه خوب فکر کردن.

پشت هر خبری که منتشر می‌شود، ساعت‌ها راه رفتن، پرسیدن، شنیدن، نوشتن، پاک کردن و دوباره نوشتن پنهان است. خبر وقتی روی صفحه می‌نشیند، تمیز و مرتب به نظر می‌رسد، اما پیش از آن، از دل خاک، باران، گرما، شلوغی، سکوت و مبادا حتی ترس گذشته است. پشت هر تیترو دل‌نگرانی هست؛ اینکه مباد کلمه‌ای کم یا زیاد شود و حقیقت، رنگ دیگری بگیرد. شاید خیلی‌ها فقط خروجی کار خبرنگار را ببینند؛ چند خط خبر، یک گزارش یا یک عکس، اما کمتر کسی می‌داند خبرنگار گاه با خستگی می‌نویسد، گاه با نگرانی، گاه با لبخند قلم می‌زند و گاهی با بغض. بارها شده از یک گزارش برگشته‌ام، اما ذهنم هنوز همان‌جا مانده؛ کنار آدمی که حرفش با بغض نیمه‌تمام مانده و نگاهش در هیچ عکسی ثبت نشده است. کنار حقیقتی که هنوز منتظر روایت شدن است. شاید به همین دلیل است که خبرنگار هیچ وقت کاملاً از محل خبر برنمی‌گردد و تکه‌ای از روح و ذهنش را جا می‌گذارد.

هفدهم مردادماه برای من یادآور عهده‌ای است که هر روز با خود تکرار می‌کنم. عهده‌ای که می‌گویم تا وقتی قلم در دست دارم، روایت را فدای مصلحت نکنم، حقیقت را ساده و صادقانه بنویسم و فراموش نکنم که ارزش این حرفه، به اعتمادی است که مردم به ما می‌کنند.

گاهی با خود فکر می‌کنم؛ خبرنگاری برای من چه معنایی دارد؟ برای من، خبرنگاری یعنی امیدی که هنوز زنده است؛ ایمان به قدرت یک روایت، به اینکه یک خبر درست، یک تصویر به موقع یا چند کلمه صادقانه می‌تواند نگاه آدمی را تغییر دهد و مسیر زندگی‌اش را روشن‌تر کند. شاید رسالت خبرنگار همین باشد؛ ایستادن میان هیاهوی اتفاق‌ها، پیداکردن حقیقت و روایت آن. با این امید که جهان، حتی برای یک نفر، کمی روشن‌تر و زیباتر شود.

خبرنگار؛ تبلور آگاهی

یونس صادقی
خبرنگار

از نخستین روزهایی که جرات برداشتن قلم و نگارش دل‌نوشته‌هایی را بر کاغذ یافتیم و سعی کردم گاه با قلم، ذهن و روحم را آرام کنم تا روزهایی که در کنار دکه‌های روزنامه‌فروشی، چشمم به تیترو صفحات می‌افتاد و با اندکی مکث آن‌ها را مرور می‌کردم، نوشتن و دنیای خبری برایم سرشار از شگفتی بود. وقتی از قاب تصاویر تلویزیون، تلاش خبرنگاران را برای ثبت رویدادهای مختلف نظاره می‌کردم و در صفحات نشریات، قدرت قلم آنها را می‌خواندم، حس کنجکاوی‌ام دوچندان می‌شد و مشتاق بودم این دنیای پر از رمز و راز را درک کنم.

بعدها، هنگامی که اندکی تجربه در این حوزه به دست آوردم، فهمیدم خبرنگار باید میان خلوت خویش و هیاهوی جامعه پیوند برقرار کند. خبرنگار، به واقع، باید بتواند یک گام جلوتر از جامعه ببیند و آن را به پرسش بگیرد. او کسی است که چراغی به درون ناشناخته‌ها می‌تاباند تا جامعه از قدرت ذهن و قلم او آگاه شود؛ از این رو برای انجام چنین وظیفه خطیری، خبرنگار باید با تمرکز بر حوزه مطالعاتی خود، یک گام از حوزه خبری فراتر رود، هم‌پای جامعه حرکت کند و آن را به پرسش بگیرد. خبرنگار باید هم لایه‌لای سطور کتاب‌ها و اخبار روز را بفهمد و هم نبض جامعه را بیابد تا تصویری واقع‌گرایانه روایت کند؛ از این رو، خبرنگاری شغلی تک‌بعدی نیست که در مسیری آرام حرکت کند. این شغل حرکت در رودخانه‌ای بلند و بی‌انتها را می‌ماند؛ رودخانه‌ای که گاهی روی آرام خود را به تونشان می‌دهد و گاهی چهره خروشان و پرتلاطمش را. پس خبرنگار باید بتواند این مسیر طولانی و دشوار را با عشق طی کند تا قلمش در جامعه ماندگار شود.



مسیر خاطره و مخاطره

رقیه مصطفوی

حروفچین

آ تجربه فعالیت در عرصه مطبوعات، از مراحل آشنایی اولیه تا مرحله زیستن با این حرفه، مسیری است که با خاطرات بی‌شمار در ذهن من حک شده است. امروز که در صنعت نفت فعالیت می‌کنم، بیش از پیش به ارزش تلاش کسانی پی برده‌ام که در دورترین مناطق و در سخت‌ترین شرایط، برای پیشرفت و آرامش ما از جان مایه می‌گذارند؛ چه نیروهای خستگی‌ناپذیر و متخصصانی که در میادین و مناطق دورافتاده با مشقت کار می‌کنند و چه خبرنگارانی که با حضور در همان نقاط، نقش پیام‌آوران حقیقت را ایفا می‌کنند تا ما را از واقعیت‌ها آگاه سازند. صمیمانه از تمام این پیشرانان آگاهی و توسعه که با تعهد خود، چراغ مسیر ما هستند، قدردانی می‌کنم.



قلمی برای روایت

علیرضا عبیدی
خبرنگار



قرار بر نوشتن چند خطی برای روز خبرنگار است؛ چند سطری که شاید سال‌ها بعد، تنها رد قلم من در این صفحه بر جای مانده باشد، اما هرچه بیشتر به این صفحه و کیبورد نگاه می‌کنم، بیشتر می‌فهمم نوشتن از خبرنگاری، سخت‌تر از خبرنگار بودن است. چگونه می‌توان حرفه‌ای را در چند جمله خلاصه کرد؛ حرفه‌ای که هر روز با روایتی تازه آغاز می‌شود و با پرسشی دیگر به پایان می‌رسد؟ باید اعتراف کنم خودم را در آغاز راه خبرنگاری می‌دانم...؛ کسی که روحی سرکش و آزاداندیش داشته دارد؛ روحی که کمتر به سکون رضایت می‌دهد و ناگهان که می‌ایستد و در جزئیات محیط پیرامونش مکث می‌کند، با گذشت زمان و افزایش سن، بارها خواسته است احتیاط را جایگزین جسارت کند و با خود گفته‌ام شاید زندگی این‌گونه آرام‌تر و کم‌چالش‌تر باشد، اما انگار بعضی خلاها را نمی‌توان از جان بیرون کشید. هنوز هم دیدن و پرسیدن، برایم از هر مصلحتی طبیعی‌تر است. خبرنگاری برای من فقط یک شغل نبود؛ شیوه‌ای بود که نگاهی متفاوت به من آموخت. به من یاد داد چگونه حرف بزنم و بهتر فکر کنم، بدانم کجا سکوت رساتر از سخن گفتن است و کجا باید ایستاد و روایت کرد. مهم‌تر از همه آموختم مسئولیتی که بر دوش نویسنده است و هر کلمه که می‌نگارم، می‌تواند پلی باشد میان حقیقت و مخاطب. یاد گرفتم مخاطب را قاضی قلمم نکنم، بلکه به اندیشیدن دعوتش کنم؛ اگر لازم بود همراهش باشم و اگر لازم بود، محترمانه با او مخالفت کنم.

هفدهم مرداد، فقط یک روز در تقویم نیست؛ یادآور مسئولیتی است که با هیچ عنوان و جایگاهی سبک‌تر نمی‌شود. روزی برای قدردانی از کسانی که در هجوم خبر، مشعل آگاهی را روشن نگاه می‌دارند و روایت‌گر دردها، دغدغه‌ها و امیدهای یک ملت می‌شوند. و اگر پس از چند سال خبرنگاری از من بپرسند مهم‌ترین درسی که این حرفه به من آموخت چه بود، بی‌تردید خواهم گفت: خوب نگاه کردن، نه برای اینکه انسان‌ها سخن بگویند، بلکه برای اینکه بتوان حقیقت را دید و روایت کرد. زیرا جهان هر روز هزاران داستان را بی‌صداتعریف می‌کند و خبرنگار، کسی است که می‌داند چگونه این سکوت را به روایت تبدیل کند.

افق‌های تازه در صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت نمایان می‌شود

پنجره‌ای رو به امید



مشعل | صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت همانند پنجره‌ای رو به زندگی است تا بازنشستگان این صنعت بتوانند در قالب خدمات آن، لبخندی بر لبانشان بنشینند و بار زندگی را حس نکنند؛ از این رو گسترش فعالیت‌های این مجموعه می‌تواند نقشی شگرف در زندگی بازنشستگان ایفا کند. سیدمحسن جمالی، رئیس صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت که از اسفندماه ۱۴۰۴ این مسئولیت را به عهده گرفته است، فعالیت خود را همزمان با شرایط خاص کشور و دوران جنگ آغاز کرد و نخستین دغدغه وی، تضمین پرداخت مستمری بازنشستگان صنعت نفت و حفظ آرامش آنان بود. جمالی در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» از برنامه‌های خود برای تأمین منابع پایدار، وصول مطالبات، توسعه خدمات الکترونیک، ایجاد عدالت در بهره‌مندی بازنشستگان از امکانات رفاهی و درمانی، اصلاح رویکردهای سرمایه‌گذاری و افزایش انگیزه کارکنان صندوق سخن گفت و تأکید کرد که آینده صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت نیازمند نگاه بلندمدت، تنوع بخشی اقتصادی و حرکت به سمت نظام خدمت‌رسانی هوشمند است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

شما از اسفندماه سال گذشته مسئولیت اداره ریاست صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت را به عهده گرفته‌اید و آغاز فعالیت‌تان با وقوع جنگ رمضان همزمان شد. نخستین تصمیم‌ها و اولویت‌های شما در آن مقطع زمانی چه بود؟

از دوم اسفندماه ۱۴۰۴ فعالیت خود را به عنوان مسئول اداره صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت آغاز کردم و حدود یک هفته بعد، کشور وارد شرایط جنگی شد، با توجه به سابقه فعالیت‌م در حوزه مالی، نخستین موضوعی که بررسی کردم، وضعیت منابع و تعهدهای مالی صندوق بود. در یک صندوق بازنشستگی، همواره باید ذخیره‌ای برای پرداخت مستمری‌ها وجود داشته باشد، اما بررسی‌ها نشان داد منابعی که در حساب‌ها وجود داشت، به طور عمده برای پرداخت تسهیلات به بازنشستگان، خدمات درمانی و برخی تعهدهای دیگر اختصاص یافته بود و برای پرداخت مستمری اسفندماه با محدودیت منابع رو به رو بودیم. در همان روزهای ابتدایی، با توجه به شرایط جنگی و ضرورت دورکاری کارکنان، تلاش شد زیرساخت‌های لازم برای ادامه خدمت‌رسانی فراهم شود. در آن زمان امکانات دورکاری در صندوق وجود نداشت؛ از این رو با تهیه امکانات ارتباطی مانند مودم، شرایط برای انجام دورکاری فراهم شد تا روند خدمت‌رسانی متوقف نشود و در آن شرایط سخت با همکاری مجموعه‌های مرتبط، مستمری بازنشستگان به صورت علی‌الحساب پرداخت شد.

با توجه به شرایط آن دوره، پرداخت‌های مربوط به متناسب‌سازی و مطالبات بازنشستگان چگونه پیگیری شد؟

با وجود شرایط جنگی، تعطیلات نوروز و مشکلات اجرایی، تلاش کردیم برنامه پرداخت‌ها متوقف نشود؛ به طوری که از ابتدای امسال تاکنون، افزون بر افزایش‌های عمومی، طی چند



مرحله بخشی از مطالبات مربوط به ماده ۱۰ و متناسب‌سازی نیز پرداخت شده است. یکی از موضوع‌های مهم، پرداخت معوقات دومه‌های بود که در صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت مرسوم است؛ خوشبختانه این مهم نیز با آن که بار مالی قابل توجهی داشت، انجام شد، ضمن آن که شمار افراد دریافت‌کننده هم در قیاس با سال قبل، افزایش یافته و مبلغ پرداختی تقریباً دو برابر شده است.

اشاره کردید که تأمین منابع یکی از دغدغه‌های اصلی صندوق است. این موضوع چه ابعادی دارد؟

صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت، یک ساختار زنده است. تعداد بازنشستگان روز به روز افزایش پیدا می‌کند و همزمان هزینه‌های پرداخت مستمری و خدمات نیز بالا می‌رود و ما افزون بر افزایش‌های سالانه، با افزایش تعداد اعضای صندوق نیز رو به رو هستیم. امروز تعداد بازنشستگان افزایش یافته و در مقابل، تعداد نیروهای رسمی شاغل که ورودی صندوق محسوب می‌شوند، رشدی نداشته است. این

موضوع در بلندمدت می‌تواند فشار بیشتری بر منابع مالی صندوق وارد کند. شرکت‌های اصلی وزارت نفت تاکنون همکاری خوبی داشته‌اند، اما برای آینده نیازمند سازوکاری پایدارتر برای تأمین منابع هستیم.

یکی از موضوع‌هایی که همزمان با مدیریت جدید پیگیری شده، وصول مطالبات گذشته صندوق است. اهمیت این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بخش قابل توجهی از مطالبات صندوق، مربوط به سال‌های گذشته است. یکی از مشکلات اساسی این است که صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت مانند برخی سازمان‌ها، ابزارهای قانونی کافی برای وصول سریع مطالبات ندارند. برای مثال، سازمان‌هایی مانند تأمین اجتماعی در شرایط خاص، امکان پرداخت از حساب بدهکاران یا اعمال جرایم قانونی را دارند، اما چنین ظرفیت‌هایی برای صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت وجود ندارد. موضوع دیگر این است که بخش عمده مطالبات

ریالی است. وقتی ارزش پول کاهش پیدا می‌کند، حتی دریافت سود یا جریمه ۲۴ درصدی هم نمی‌تواند ارزش واقعی منابع صندوق را حفظ کند. اگر این منابع در زمان مناسب وصول و درحوزه‌های مولد سرمایه‌گذاری شود، می‌تواند درآمد بیشتری برای صندوق ایجاد کند و منافع آن به بازنشستگان برسد. پیشنهاد داده‌ایم که سازوکار حفظ ارزش مطالبات اصلاح شود تا منابع صندوق در برابر تورم آسیب نبیند.

یکی از رویکردهایی که در دوره مدیریت جدید صندوق مطرح شده، تحول دیجیتال و توسعه خدمات الکترونیک است. این موضوع چه ضرورتی دارد؟

برای ارائه خدمات نوین و الکترونیک، نخست باید زیرساخت‌های مناسب وجود داشته باشد. بررسی‌ها نشان داد که زیرساخت‌های صندوق باید روزآمد و ظرفیت لازم برای توسعه خدمات دیجیتال ایجاد شود. سامانه‌های موجود با محدودیت‌هایی مواجه بودند و از آنجا که ادامه فعالیت با شرایط کنونی می‌تواند در آینده مشکل‌ساز شود، موضوع توسعه زیرساخت‌ها باید با جدیت پیگیری شود. در این مسیر، حدود ۲۲۰ میلیارد تومان برای اصلاح زیرساخت‌های فناوری اطلاعات پیشنهاد شده است که با توجه به اهمیت آن به عنوان زیرساخت اصلی برای خدمت‌رسانی، انتظار می‌رود این بودجه محقق شود.

در کنار توسعه زیرساخت‌ها، یکی از طرح‌هایی که پیگیری می‌شود، ایجاد کارت دیجیتال خدمات بازنشستگان است. هدف این است خدماتی که یک فرد بازنشسته صنعت نفت دریافت می‌کند، در یک سامانه هوشمند ثبت شود؛ مانند خدمات درمانی، رفاهی، ورزشی و گردشگری. لازم است سازوکار مدیریتی در اختیار داشته باشیم، تا بدانیم هر بازنشسته چه خدماتی دریافت می‌کند و عدالت در توزیع خدمات چگونه رعایت شود. باید شرایطی فراهم شود که همه بازنشستگان بتوانند از امکانات و تسهیلات به طور یکسان بهره‌مند باشند و کسی از این امکانات محروم نماند. در طرح ایجاد کارت دیجیتال، هدف این است که عدالت در ارائه خدمات افزایش پیدا کند. هدف حذف روش‌های گذشته نیست و تا زمانی که همه زیرساخت‌ها آماده شود، خدمات دستی همچنان وجود خواهد داشت، اما به تدریج خدمات دیجیتال جایگزین خواهد شد.

حوزه درمان یکی از مهم‌ترین بخش‌های خدمات صندوق است. آیا تحول دیجیتال می‌تواند به مدیریت هزینه‌های درمان نیز کمک کند؟

به طور حتم همین‌طور خواهد بود. افزایش شدید هزینه‌های درمان یکی از مشکلاتی است که با آن مواجه هستیم. به دلیل افزایش نرخ ارز، قیمت دارو و خدمات پزشکی هم رشد قابل توجهی داشته‌اند و هزینه‌های درمانی صندوق افزایش چشمگیری پیدا کرده است. در چنین شرایطی، افزون بر مدیریت منابع مالی، باید خدمات مناسب نیز به بازنشستگان ارائه شود. رهاکار

اصلی برای تحقق این موارد هم هوشمندسازی فرایندهاست. وقتی اطلاعات درمانی یک فرد به صورت کامل ثبت شود و قابل رصد باشد، امکان کنترل پرداخت‌های تکراری، بررسی فرایندها و کاهش خطاها نیز بیشتر می‌شود.

یکی از دغدغه‌های مطرح شده، توسعه خدمات رفاهی و گردشگری برای بازنشستگان است. برنامه صندوق در این زمینه چیست؟

خدمت‌رسانی در صندوق در دو بخش انجام می‌شود: یک بخش، پرداخت مستمری و حقوق است که براساس قوانین و منابع موجود انجام می‌گیرد. بخش دوم، خدمات رفاهی، فرهنگی، ورزشی و گردشگری است. به نظر می‌آید در گذشته به بخش دوم، کمتر توجه شده و عدالت لازم در توزیع خدمات کمتر بوده است. بسیاری از بازنشستگان به دلیل دور بودن از مراکز تصمیم‌گیری یا نداشتن ارتباط مستقیم، کمتر توانسته‌اند از ظرفیت‌های موجود استفاده کنند.

نمونه‌هایی وجود دارد که فرد بازنشسته جانباز ۱۵ سال است در انتظار استفاده از مجموعه‌های رفاهی صنعت نفت است؛ صنعتی که در آن فعالیت می‌کند. این نشان می‌دهد که سازوکار استفاده از این امکانات نیازمند اصلاح است. برنامه‌ریزی شده است تا از ظرفیت مجموعه‌های رفاهی، ورزشی و گردشگری صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی بیشتر استفاده شود و پیرو آن، اواخر خردادماه سه دوره ویژه برای بازنشستگان برگزار و از آن استقبال خوبی شد. برنامه این است که از ابتدای مهرماه تا پایان امسال، برگزاری این دوره‌ها بیشتر شود تا افرادی که کمتر از این خدمات استفاده کرده‌اند، بتوانند بهره‌مند شوند. همچنین مذاکراتی با مجموعه‌های ورزشی صنعت نفت انجام شده است تا بازنشستگان نیز بتوانند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند.

در حوزه سرمایه‌گذاری، چه برنامه‌ای برای آینده صندوق دارید؟

صندوق‌های بازنشستگی برای پایداری خود نیازمند سرمایه‌گذاری‌های مولد هستند. در سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری صندوق در حوزه‌های نفتی انجام شده که بخشی از آن به اقتصاد کشور کمک کرده است، اما چون در بسیاری از این حوزه‌ها دولت در قیمت‌گذاری نقش دارد، همیشه بازدهی مورد انتظار صندوق حاصل نشده است. باید تنوع بخشی در سرمایه‌گذاری‌ها دنبال شود. حوزه‌هایی مانند صنعت بیمه، صنایع غذایی، خدمات نرم‌افزاری، پیمانکاری و حوزه‌هایی که دولت کمتر در قیمت‌گذاری آنها دخالت دارد، می‌توانند فرصت‌های مناسبی باشند.

صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت با جامعه بزرگی از کارکنان ارتباط دارد و می‌تواند در برخی حوزه‌های خدماتی، ظرفیت اقتصادی ایجاد کند. در حوزه فناوری اطلاعات نیز ظرفیت بالایی وجود دارد. اگر بتوان خدمات نرم‌افزاری امن و تخصصی

برای مجموعه‌های نفتی ایجاد کرد، افزون بر کاهش هزینه‌ها، می‌توانیم درآمدی پایدار ایجاد کنیم.

شما بر موضوع پایداری و استقلال صندوق تأکید کرده‌اید. این موضوع چه اهمیتی دارد؟

یک صندوق بازنشستگی باید بتواند روی پای خود بایستد. اگر صندوقی استقلال مالی نداشته باشد و برای پرداخت تعهدات خود همواره نیازمند منابع بیرونی باشد، در بلندمدت با مشکل مواجه خواهد شد. باید بین پرداخت‌های جاری و حفظ آینده صندوق تعادل برقرار کنیم. وظیفه ما فقط این نیست که هر آنچه داریم پرداخت کنیم؛ باید به فرای صندوق و نسل‌های آینده بازنشستگان نیز فکر کنیم. یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت صندوق، حفظ پایداری آن است. این موضوع شاید در کوتاه‌مدت کمتر دیده شود، اما در بلندمدت اهمیت بسیار زیادی دارد.

درباره کارکنان صندوق و برنامه‌هایتان برای افزایش انگیزه آنها توضیح می‌دهید؟

کارکنان صندوق، مسئول خدمت‌رسانی به جامعه بزرگ بازنشستگان هستند؛ بنابراین اگر انگیزه و پویایی در داخل سازمان وجود نداشته باشد، کیفیت خدمات نیز کاهش پیدا می‌کند. یکی از موارد مهم این است که نظام ارزیابی عملکرد، طبقه‌بندی مشاغل و شرح وظایف نیازمند بازنگری است. برای ارائه خدمات نوین و الکترونیک نخست باید زیرساخت‌های مناسب وجود داشته باشد. بررسی‌ها نشان داد که زیرساخت‌های صندوق باید روزآمد و ظرفیت لازم برای توسعه خدمات دیجیتال ایجاد شود. باید مشخص شود که چه کسی مسئول چه کاری است، چه میزان

نیروی انسانی در هر بخش نیاز داریم و چگونه می‌توانیم از ظرفیت افراد بهتر استفاده کنیم. در حوزه پرداخت‌های انگیزشی، کارانه و تشویق کارکنانی که خدمات ویژه ارائه می‌کنند نیز باید نظام مشخصی داشته باشیم.

اگر نکته‌ای باقی مانده است، بیان بفرمایید.

من هم مانند بسیاری از بازنشستگان، آینده خود و خانواده‌ام را به این صندوق وابسته می‌دانم. اگرچه شرایط کشور، جنگ، محدودیت منابع و مشکلات ساختاری، کار را دشوار کرده است، اما این مسائل نباید باعث شود که از حرکت و اصلاح دست بکشیم. هدف من این است که در حوزه خدمات رفاهی، درمانی، گردشگری، فناوری و ساختار صندوق تحولی ایجاد شود که البته این کار بدون همکاری همکاران صنعت نفت امکان‌پذیر نخواهد بود. از مدیران و کارکنان مجموعه‌های مختلف صنعت نفت می‌خواهم که در این مسیر به صندوق کمک کنند تا بتوان خدماتی شایسته‌تر به خانواده بزرگ بازنشستگان ارائه کرد.



برای ارائه خدمات نوین و الکترونیک نخست باید زیرساخت‌های مناسب وجود داشته باشد. بررسی‌ها نشان داد که زیرساخت‌های صندوق باید روزآمد و ظرفیت لازم برای توسعه خدمات دیجیتال ایجاد شود.

مهدي پاشازاده، سرمربي تيم فوتبال نفت مسجدسليمان و
بازيکن سابق تيم ملي فوتبال ايران در تحرييره مشعل:

مليورن سکوي پرش من بود



يونس صادقي | مهدي پاشازاده يکي از چهره‌هاي ماندگار فوتبال ايران است؛ مدافعي که نامش با صعود تاريخي تيم ملي به جام جهاني ۱۹۹۸ فرانسه و بازي خاطره‌انگيز ايران و استراليا گره خورده است. او پس از سال‌ها حضور در فوتبال ايران و اروپا، امروز در قامت مربی فعالیت و تجربه سال‌های بازی خود را به نسل جديد منتقل می‌کند. پاشازاده که هدايت تيم فوتبال نفت مسجد سلیمان را به عهده داشت، موفق شد طعم صعود به ليگ یک فوتبال کشور را بچشد. او که قراردادش با تيم فوتبال صنعت نفت مسجد سلیمان تمدید شده است، در گفت‌وگو با خبرنگار "مشعل" از خاطرات ماندگار گذشته، شرايط کنونی فوتبال ايران و مسیر جديد زندگي ورزشي‌اش می‌گويد.

خاطره بازی ايران و استراليا، هنوز هم پس از سال‌ها در ذهن مردم باقي مانده است. از آن بازي بگويد.

بازی ايران و استراليا را بايد از چند زاويه نگاه کرد. بازی رفت در ورزشگاه آزادی برگزار شد؛ تيمي بسيار قدرتمند مقابل ما قرار داشت که بسياری از بازيکنانش در ليگ انگليس بازی می‌کردند. کار ما بسيار سخت بود؛ اما با حمايت هواداران توانستيم نتيجه یک بر یک را به دست بياوريم و برای بازی برگشت آماده شويم.

شرايط سفر هم با امروز قابل مقايسه نبود. نزديک به ۲۵ تا ۳۰ ساعت در مسیر ايران به دبی، اندونزی و بعد استراليا بوديم. خبری از پروازهاي اختصاصی و امکانات امروز نبود و مانند یک مسافر عادی سفر کرديم؛ اما چيزی که آن تيم را خاص کرده بود، اتحاد، شخصيت بازيکنان و دعای مردم بود. آن نسل واقعا بازيکنان بزرگی از نظر فنی و اخلاقی داشت؛ در هر خط تيم، بازيکنان تأثیرگذاری حضور داشتند و همین موضوع باعث شد آن تيم به یک نسل ماندگار تبديل شود.

خود شما در آن مسابقه شرايط ویژه‌ای داشتيد. بعد از سال‌ها حضور در استقلال و تيم ملي، فرصت بازی در چنین مسابقه مهمی نصيبتان شد.

بله شرايط من واقعا خاص بود. من از سال ۱۳۷۰ فوتبال بازی می‌کردم و چند سال در تيم استقلال حضور داشتم. وقتی بازيکنی در یک باشگاه بزرگ بازی می‌کند و حتی در اردوهای تيم ملي حضور دارد؛ اما فرصت بازی پيدا نمی‌کند، از نظر روحی شرايط سختی دارد.





۲ هفته مانده به بازی، شرایط برای من متفاوت شد. باید نشان می‌دادم که شایستگی حضور در آن میدان را دارم. خدا را شکر توانستم به اعتماد کادر فنی پاسخ بدهم و در یکی از مهم‌ترین مسابقات تاریخ فوتبال ایران نقش داشته باشم.

از خود مسابقه بگوئید. لحظاتی که هنوز هم مردم با یادآوری آن هیجان‌زده می‌شوند.
شروع بازی بسیار سخت بود. سرعت و قدرت استرالیا ما را تحت فشار قرار داده بود و هر طور که می‌توانستیم دفاع می‌کردیم. وقتی گل اول را دریافت کردیم، کمتر کسی فکر می‌کرد بتوانیم برگردیم.

اتفاقاتی مثل پاره شدن تور دروازه هم در جریان بازی رخ داد و روند بازی را کند کرد؛ اما وقتی گل اول را زدیم، اعتماد به نفس پیدا کردیم. گل دوم هم شرایط را کاملاً تغییر داد. بعد از پایان بازی، فشار زیادی روی من بود؛ هم فشار جسمی و هم روحی. به طوری که وقتی سوت پایان بازی زده شد، از شدت خستگی و فشار مسابقه از حال رفتم. آن لحظه برای من فراموش نشدنی است.

انتخاب به عنوان بهترین بازیکن زمین و صعود به جام جهانی چه حسی داشت؟

آن روز، یکی از بهترین روزهای زندگی ورزشی‌ام بود؛ هم صعود به جام جهانی اتفاق افتاد، هم به عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شدم و هم احساس کردم توانسته‌ام حقانیت خودم را ثابت کنم. آن مسابقه مسیر زندگی ورزشی من را تغییر داد؛ زیرا از بازیکنی که کمتر فرصت بازی داشت،

به یکی از بازیکنان اصلی تیم ملی تبدیل شدم، در جام جهانی حضور پیدا کردم و بعد از آن راهی فوتبال آلمان شدم. گاهی یک مسابقه می‌تواند سرنوشت یک بازیکن را تغییر دهد.

چرا تیم ملی ۱۹۹۸ تا این اندازه در قلب مردم ماندگار شد؟

فکر می‌کنم چند دلیل داشت. اول اینکه رفتن به جام جهانی بعد از سال‌ها برای مردم ایران یک آرزوی بزرگ بود. ما کاری کردیم که برای خیلی‌ها دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید.

دوم اینکه بازیکنان آن تیم همیشه کنار مردم بودند. در سختی‌ها، اتفاقات اجتماعی و مشکلات مختلف، بازیکنان از مردم جدا نبودند. شاید همین ارتباط باعث شد مردم آن نسل را فراموش نکنند. محبوبیت بین مردم چیزی نیست که بتوان بایول خرید. وقتی بعد از سال‌ها یک پیرمرد یا جوان شما را می‌بیند و با محبت برخورد می‌کند، احساس غرور و خوشحالی می‌کنی.

بعد از دوران درخشان بازیگری، وارد عرصه مربیگری شدید. چه چیزی باعث شد این مسیر را انتخاب کنید؟

مربیگری برای من یک انتخاب طبیعی بود. فوتبال، تمام زندگی من است و کار دیگری جز فوتبال بلد نیستم. همان‌طور که در دوران

بازیگری تلاش کردم قدم به قدم پیشرفت کنم، در مربیگری هم همین مسیر را دنبال کردم. از رده‌های پایین‌تر شروع کردم و خدا را شکر توانستم با تلاش و حمایت مجموعه‌هایی که در کنارم بودند، تجربه‌های خوبی به دست بیاورم. یکی از اتفاقات خوشحال‌کننده برای من این است که توانسته‌ام با تیم‌های مختلف، موفقیت‌هایی کسب کنم و تجربه بارها صعود به لیگ برتر را به دست بیاورم.

آیا فرد خاصی در مربیگری برای شما الگو بوده است؟
در فوتبال خارجی، مربیان زیادی هستند که بسیار از آنها آموخته‌ام؛ اما در زندگی شخصی و ورزشی، برادرم تأثیر زیادی روی من داشت. مراقبت‌ها و راهنمایی‌هایش، نقش مهمی در زندگی من ایفا کرد.

شما سال‌ها در فوتبال اروپا بازی کردید. چه تجربه‌ای از آن روزها دارید؟

وقتی در اروپا بودم، چیزهایی دیدم که شاید ساده به نظر برسد؛ اما بسیار مهم است. فوتبال فقط ۹۰ دقیقه بازی نیست؛ یک فرهنگ و تجربه اجتماعی است. مردم آخر هفته با خانواده‌هایشان به ورزشگاه می‌آیند؛ پدر، مادر و فرزند کنار هم فوتبال می‌بینند و از حضور در ورزشگاه لذت می‌برند. امکانات ورزشگاه‌ها، نظم، خدمات و احترام به هوادار باعث می‌شود فوتبال بخشی از زندگی آنها شود. ما هم باید به این سمت برویم تا یک خانواده بتواند با آرامش و لذت به ورزشگاه بیاید.



از نظر شما مشکل اصلی باشگاه‌های بزرگ ایران چیست؟

مشکل این است که باشگاه‌های ما هنوز ساختار حرفه‌ای ندارند. تیم‌های استقلال و پرسپولیس سال‌هاست مشکلات مدیریتی دارند. تغییرات زیاد در مدیریت و کادرفنی اجازه برنامه‌ریزی بلندمدت نمی‌دهد. باشگاه باید درآمدزایی داشته باشد. در دنیا، ورزشگاه فقط محل برگزاری مسابقه نیست؛ یک مجموعه اقتصادی است که می‌تواند برای باشگاه درآمد ایجاد کند. اگر مدیریت اصولی باشد، حتی با سرمایه‌های منطقی می‌توان زیرساخت ایجاد کرد. اما ما هنوز بسیاری از باشگاه‌هایمان را به شکل حرفه‌ای اداره نمی‌کنیم.

بعد از یادآوری آن روزهای ماندگار در فوتبال ملی، از تجربه حضور خود در نفت مسجد سلیمان بگوئید

قبل از اینکه هدایت تیم فوتبال نفت مسجد سلیمان را به عهده بگیرم، شناخت زیادی از این شهر و تیم آن نداشتم؛ البته سال قبل از آن، زمانی که تیم شرایط سختی داشت، چند روزی در مسجد سلیمان حضور داشتم و قرار بود برای کمک به تیم اقدام کنم؛ اما آن اتفاق رخ نداد. این بار وقتی به مسجد سلیمان رفتم، برخی هنوز به حضورم در این تیم تردید داشتند. شرایط تیم آسان نبود؛ اما من به کار ایمان داشتم. فوتبال همیشه همین است؛ گاهی باید در شرایط سخت تصمیم بگیرید و با تلاش خودتان را ثابت کنید. خوشحالم که در پایان توانستم سربلند باشیم و همان دوستانی هم که شاید در ابتدا نگرانی داشتند، متوجه شدند که هدف ما موفقیت تیم و خوشحال کردن مردم مسجد سلیمان است.

شرایط تیم در ابتدای فصل چگونه بود؟

کار ما از همان ابتدا ساده نبود. تیم تازه از لیگ برتر سقوط کرده بود و مشکلات متعددی داشت. حتی در شروع کار، سه امتیاز از تیم کسر شد و چند بازی را هم به دلیل محرومیت از دست دادیم؛ اما چیزی که به ما کمک کرد، ایمان و اتحاد مجموعه بود.

همیشه به بازیکنان می‌گفتم که لیگ، مثل یک ماراتن است؛ مهم نیست چه کسی از ابتدا جلو بیفتد، بلکه باید دید تا پایان مسیر چه کسی دوام می‌آورد. حتی در مقطعی هشت امتیاز از صدر جدول فاصله داشتیم؛ اما با تلاش همه اعضای تیم توانستیم برگردیم.

چه عواملی باعث شد نفت مسجد سلیمان به موفقیت برسد؟

این موفقیت حاصل کار یک نفر نبود. بازیکنان، کادرفنی، مدیریت، عوامل اجرایی و همه کسانی که کنار تیم بودند، نقش داشتند. مادر طول فصل رکوردهای خوبی ثبت کردیم. بیشترین برد خارج از خانه را به دست آوردیم، یکی از بهترین خطوط هجومی را در اختیار داشتیم و بازیکنانی که در بخش‌های مختلف تأثیرگذار بودند؛ البته مشکلات کم نبود. در بعضی مسابقات، اتفاقات سختی برای ما رخ داد. در یک بازی حساس، ۲ بازیکن ما در شرایطی که به مسابقه نزدیک می‌شدیم، اخراج شدند؛ اما تیم ما ۹ نفره جنگید و توانست پیروز شود. همین روحیه جنگندگی بود که ما را به هدف رساند.

در لحظات سخت فصل، چه چیزی به شما انگیزه می‌داد؟

انرژی مثبتی که از بازیکنان، کادرفنی و مجموعه تیم می‌گرفتم، بسیار مهم بود. همیشه به بازیکنانم می‌گفتم اگر کسی ایمان ندارد که می‌توانیم موفق شویم، نباید در این مسیر باشد.

به یادم دارم بعد از یکی از شکست‌ها، زیر باران به بازیکنان گفتم هنوز چیزی تمام نشده است. باید باور داشته باشیم که می‌توانیم برگردیم؛ مری باید اول خودش باور داشته باشد و این باور را به تیم منتقل کند.

جمله‌ای که همیشه در رختکن به بازیکنان می‌گوئید چیست؟

خدای ما همان خدای حریف است. پس باید بیشتر تلاش کنیم. به بازیکنانم می‌گویم در فوتبال

اگر بترسید، شکست خورده‌اید.

در دعوا اگر از قبل بترسید، ضربه می‌خورید. پس باید با شجاعت بازی کنید. اشتباه در فوتبال طبیعی است؛ اما مهم این است که بازیکن، بعد از اشتباه دوباره تلاش کند. اول باید خودم کنار بازیکن باشم و بعد بازیکنان دیگر به هم کمک کنند.

شهر مسجد سلیمان را که یکی از خاستگاه‌های نفت و فوتبال در ایران است، چگونه دیدید؟

مسجد سلیمان، ویژگی‌های خاصی دارد. این شهر یکی از شهرهای تاریخی صنعت نفت ایران به شمار می‌رود و بسیاری از نخستین اتفاقات در حوزه‌های مختلف از آنجا آغاز شده است. فوتبال هم در این شهر ریشه دارد. مردم مسجد سلیمان فوتبال را دوست دارند و این علاقه را می‌توان در رفتار و صحبت‌هایشان دید. امیدوارم بتوانیم کاری کنیم که دوباره خاطرات خوب برای مردم این شهر ساخته شود.

یکی از گلایه‌های جدی شما، محرومیت هواداران از حضور در ورزشگاه بود. نظراتان درباره نقش تماشاگران چیست؟

فوتبال برای مردم است. اگر تماشاگر نباشد، بخش بزرگی از زیبایی فوتبال از بین می‌رود. بازیکن در زمین بازی می‌کند؛ اما انرژی اصلی را از هوادار می‌گیرد. فوتبال بدون هوادار معنا ندارد. امیدوارم شرایطی فراهم شود که خانواده‌ها بتوانند با آرامش به ورزشگاه بیایند؛ پدر دست فرزندش را بگیرد، کنار هم فوتبال

بینند و از این تجربه لذت ببرند. این همان چیزی است که در فوتبال حرفه‌ای دنیا وجود دارد و ما هم باید به آن برسیم.

آیا برای آینده مربیگری خودتان برنامه‌ای در نظر گرفته‌اید؟

همیشه تلاش می‌کنم قدم به قدم جلو بروم. سقف مشخصی برای خودم تعیین نکرده‌ام. طبیعی است که دوست دارم روزی در بالاترین سطح فوتبال ایران و حتی خارج از کشور کار کنم؛ اما برای من مهم این است که هر روز بهتر شوم.

برای هواداران نفت مسجد سلیمان و مردم فوتبال دوست ایران چه حرفی دارید؟

از مردم مسجد سلیمان تشکر می‌کنم. آنها با محبت و انرژی خودشان به ما انگیزه دادند. امیدوارم بتوانم پاسخ این محبت‌ها را با تلاش و موفقیت بدهم. فوتبال بدون مردم معنا ندارد و بزرگ‌ترین سرمایه هر ورزشکار، احترامی است که از مردم دریافت می‌کند. امیدوارم روزی برسد که همه خانواده‌ها با آرامش و شادی به ورزشگاه بیایند و دوباره خاطرات خوب برای فوتبال ایران ساخته شود.



از مردم مسجد سلیمان تشکر می‌کنم آنها با محبت و انرژی خودشان به ما انگیزه دادند. امیدوارم بتوانم پاسخ این محبت‌ها را با تلاش و موفقیت بدهم

از فوران طلای سیاه تا تولد شرکت نفت انگلیس و ایران که نامش با تاریخ ایران گره خورد

آغاز عصر نفت

مشعل | از هنگام کشف نفت در مسجدسلیمان (سال ۱۹۰۸)، تا آغاز جنگ جهانی اول (سال ۱۹۱۴)، تحولات مهمی در صنعت نفت ایران رخ داد که تأسیس «شرکت نفت انگلیس و ایران» یکی از مهم‌ترین آنها بود. هم‌زمان با شکل‌گیری این شرکت، اقدام‌های زیربنایی متعدد مانند حفر چاه‌های جدید، ساخت منازل سازمانی و احداث خطوط لوله صورت گرفت. «شرکت نفت بختیاری» تأسیس شد و پالایشگاه آبادان به بهره‌برداری رسید. ماهنامه «مشعل» در سومین بخش از سلسله روایت‌های خود، به بررسی وقایع این شش سال سرنوشت‌ساز (سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴) پرداخته و مهم‌ترین رویدادهای تاریخی مرتبط با نفت در این دوره را بازخوانی کرده است.

در آوریل ۱۹۰۹ میلادی، یعنی حدود یک سال پس از کشف نفت در مسجدسلیمان، شرکت نفت انگلیس و ایران با سرمایه افزون بر دو میلیون پوند در لندن به ثبت رسید؛ شرکتی که تا پیش از ملی شدن صنعت نفت، نقش‌آفرین اصلی در تحولات تاریخ معاصر ایران بود.

در بسیاری از منابع و گفتار پژوهشگران از این شرکت با عنوان «شرکت نفت ایران و انگلیس» یاد شده است؛ حال آنکه براساس اسناد و مکاتبات تاریخی، نام اولیه آن «شرکت نفت انگلیس و پرشیا» بوده و پس از سال ۱۹۲۵ میلادی به «شرکت نفت انگلیس و ایران» تغییر نام داده است. نخست مدیریت شرکت نفت انگلیس و ایران به عهده لرد استرلینگونای ۸۹ ساله (رئیس هیئت مدیره) و چارلز گرینوی (مدیرعامل و تاجر با سابقه در تجارت هند) بود. داری نیز با ورود به هیئت مدیره، تا سال ۱۹۱۷ که چشم‌از جهان فروپست، در کنار آنها به فعالیت پرداخت. به مرور شخصیت‌های دیگری وارد شرکت شدند و روند توسعه آن آغاز شد.

عرضه سهام

شرکت نفت انگلیس و ایران پس از تأسیس، جانشین شرکت «سندیکای امتیازات» شد؛

همان شرکتی که پس از قرارداد داری تأسیس شده بود. در گام نخست، شرکت نفت برمه ۹۷۰ هزار سهم از سهام شرکت نفت انگلیس و ایران را به ارزش هر سهم یک لیره خریداری کرد و ۳۰ هزار سهم دیگر نیز به بازار عرضه شد. یکی از اقدام‌های مهم شرکت، جذب سرمایه از طریق عرضه سهام بود. با بهره‌گیری از راهکار داری و لرد استرلینگونای ۶۰۰ هزار سهم مرجح (یا سهام ممتاز) و ۶۰۰ هزار سهم قرضه (با سود سالانه ۵ درصد) به بازار عرضه شد که با استقبال گسترده و بی‌نظیر مردم روبه‌رو شد.

توسعه عملیات

پیش از وقوع جنگ جهانی اول (سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴)، شرکت نفت انگلیس و ایران با شتابی بی‌سابقه به توسعه زیرساخت‌های خود پرداخت. در این دوران، ۳۰ حلقه چاه در مسجدسلیمان حفر شد و با ساخت خانه‌های کارکنان، خطوط لوله نفت، سیستم انتقال آب از رود کارون و تأسیساتی مانند بیمارستان، انبار و پاشگاه ساخته شدند. یکی از دستاوردهای مهم این دوره، تکمیل خط لوله مسجدسلیمان به آبادان در سال ۱۹۱۲ بود. این لوله با قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر، سالانه ۴۰۰ هزار تن نفت را

جابه‌جایی کرد. همچنین چهار ایستگاه تلمبه در تمبی، ملاتانی، کوت عبدالله و دارخوین، وظیفه ایجاد فشار لازم برای انتقال نفت به آبادان را به عهده داشتند. جابه‌جایی تجهیزات در آن روزها بسیار دشوار بود؛ نخست کالاها از خرمشهر با کشتی به اهواز، سپس با استفاده از قاطر به مسجدسلیمان می‌رسیدند، زیرا جاده‌های مناسب و خودروهای مدرن وجود نداشت، اما با گذشت زمان و به‌کارگیری کشتی‌های کوچک‌تر و وسایل حمل‌ونقل جدیدتر، مسیر انتقال کالا از اهواز به درخزینه، سپس به مقصد نهایی آسان‌تر شد. صادرات نفت خام از جنوب ایران در سال ۱۹۱۲ با ۴۲ هزار تن آغاز شد؛ رقمی که با رشد سریع، در سال بعد به ۸۱ هزار تن و در سال ۱۹۱۴ به ۲۷۴ هزار تن رسید. با آغاز جنگ جهانی اول، زیرساخت‌های گسترده شرکت نفت، از جمله میدان عظیم مسجدسلیمان، خط لوله مستقیم تا آبادان و پالایشگاه پیشرفته در آبادان، اهمیت خود را دوچندان کرد و این توانمندی زیرساختی، امکان حمایت گسترده و تأمین سوخت مورد نیاز نیروهای انگلستان و متفقین را در طول جنگ فراهم آورد.

قرارداد با روسای محلی

برای پیشبرد فعالیت‌ها، شرکت نفت انگلیس و

ایران به توافق‌هایی با رؤسای محلی، از جمله بختیاری‌ها رسید که به تأسیس شرکت تابعه «شرکت نفت بختیاری» انجامید. این شرکت سه قرارداد با روسای بختیاری به امضا رساند که تسهیلات بسیار در کار شرکت فراهم کرد. یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار این دوران، دکتر یانگ بود که از سال ۱۹۰۹ وارد ایران شد. وی با یادگیری سریع زبان فارسی، همچنین فعالیت در حرفه پزشکی، توانست مقبولیت اجتماعی بالایی کسب کند؛ موضوعی که شرکت نفت انگلیس و ایران از آن برای پیشبرد اهداف خود بهره‌برداری می‌کرد. در سال ۱۹۰۹، فصل تازه همکاری‌ها با امضای قراردادی با شیخ خزعل (حاکم محلی خوزستان) آغاز شد و در قالب قرارداد، یک مایل مربع از زمین‌های آبادان برای ساخت پالایشگاه خریداری شد. ساخت این واحد صنعتی از سال ۱۹۱۰ شروع شد و سه سال طول کشید تا تکمیل شود. همچنین در قالب توافقی دیگر، شیخ خزعل مسئولیت تأمین امنیت منطقه آبادان را در ازای دریافت مبالغ مشخصی از سوی شرکت به عهده گرفت.

قرارداد با دولت انگلستان

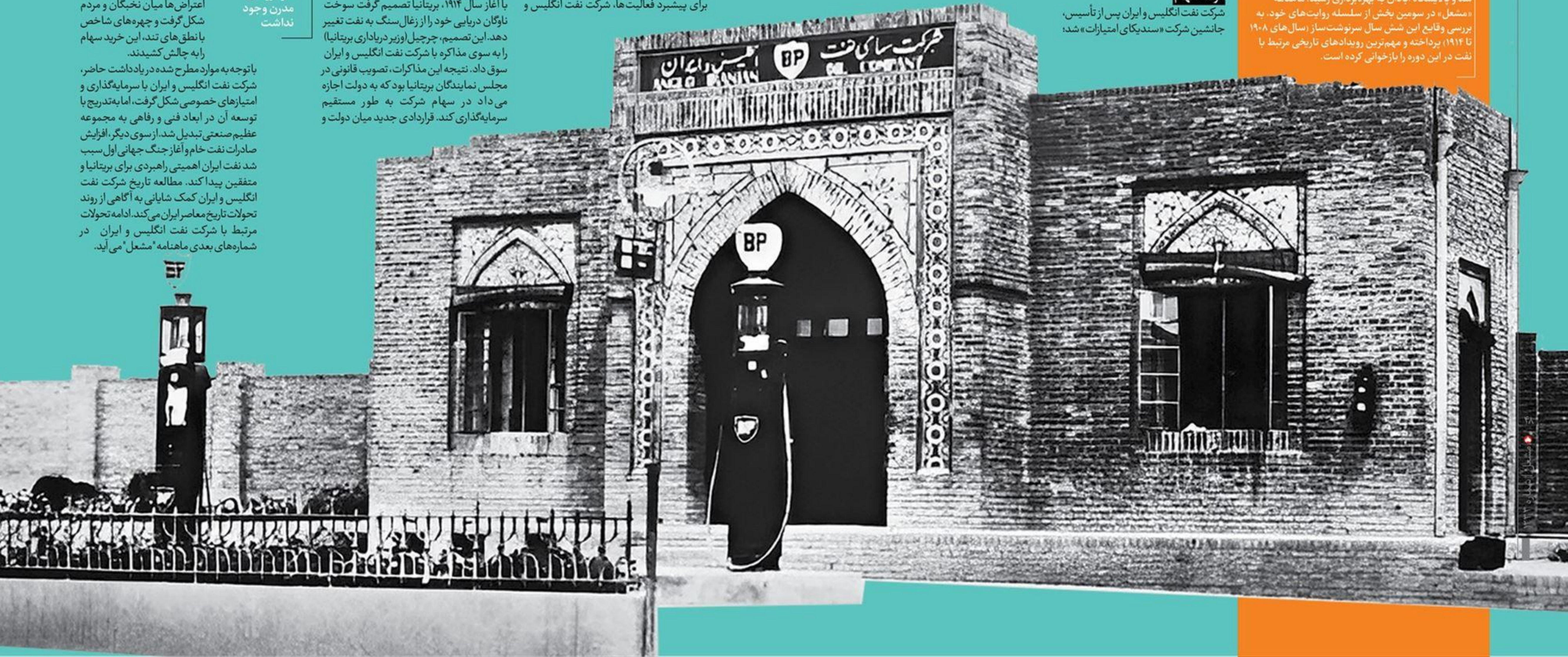
با آغاز سال ۱۹۱۴، بریتانیا تصمیم گرفت سوخت ناوگان دریایی خود را از زغال سنگ به نفت تغییر دهد. این تصمیم، چرچیل (وزیر درباری بریتانیا) را به سوی مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران سوق داد. نتیجه این مذاکرات، تصویب قانونی در مجلس نمایندگان بریتانیا بود که به دولت اجازه می‌داد در سهام شرکت به طور مستقیم سرمایه‌گذاری کند. قراردادی جدید میان دولت و

شرکت منعقد شد که بر اساس آن، شرکت نفت می‌باید سوخت مورد نیاز نیروی دریایی را با قیمتی بسیار پایین تأمین می‌کرد. افزون بر این، دولت با انتصاب دو مدیر در هیئت مدیره، نفوذ مستقیم بر تصمیم‌های شرکت پیدا کرد. مدیران انتصابی می‌توانستند هر اقدام خلاف منافع بریتانیا را با تأیید دولت متوقف کنند. در نهایت، دولت بریتانیا با خرید دو میلیون سهم عادی و هزار سهم مرجح، کنترل اکثریت سهام شرکت را به دست آورد.

جابه‌جایی تجهیزات در آن روزها بسیار دشوار بود؛ کالاها از خرمشهر با کشتی به اهواز، سپس با استفاده از قاطر به مسجدسلیمان می‌رسیدند، زیرا جاده‌های مناسب و خودروهای مدرن وجود نداشت

دولت ایران به محض اطلاع از این معامله، با ارسال یادداشت رسمی به سفارت انگلیس، مراتب اعتراض شدید خود را اعلام کرد. سفارت بریتانیا در پاسخ کوشید تا این توافق را تنها یک قرارداد فروش نفت جلوه دهد و مدعی شد که دولت متبوعش هیچ‌گونه نقشی در مدیریت، روابط تجاری یا مناسبات سیاسی شرکت با دولت ایران ندارد. با این حال، این ادعا نتوانست مانع از خشم عمومی شود؛ به طوری که موجی از اعتراض‌ها میان نخبگان و مردم شکل گرفت و چهره‌های شاخص بانطق‌های تند، این خرید سهام را به چالش کشیدند.

باتوجه به موارد مطرح شده در یادداشت حاضر، شرکت نفت انگلیس و ایران با سرمایه‌گذاری و امتیازهای خصوصی شکل گرفت، اما به تدریج با توسعه آن در ابعاد فنی و رفاهی به مجموعه عظیم صنعتی تبدیل شد. از سوی دیگر، افزایش صادرات نفت خام و آغاز جنگ جهانی اول سبب شد نفت ایران اهمیتی راهبردی برای بریتانیا و متفقین پیدا کند. مطالعه تاریخ شرکت نفت انگلیس و ایران کمک شایانی به آگاهی از روند تحولات تاریخ معاصر ایران می‌کند. ادامه تحولات مرتبط با شرکت نفت انگلیس و ایران در شماره‌های بعدی ماهنامه «مشعل» می‌آید.





تهران، جایگاه بنزین



اروند رود، اسکله بارگیری پالایشگاه آبادان

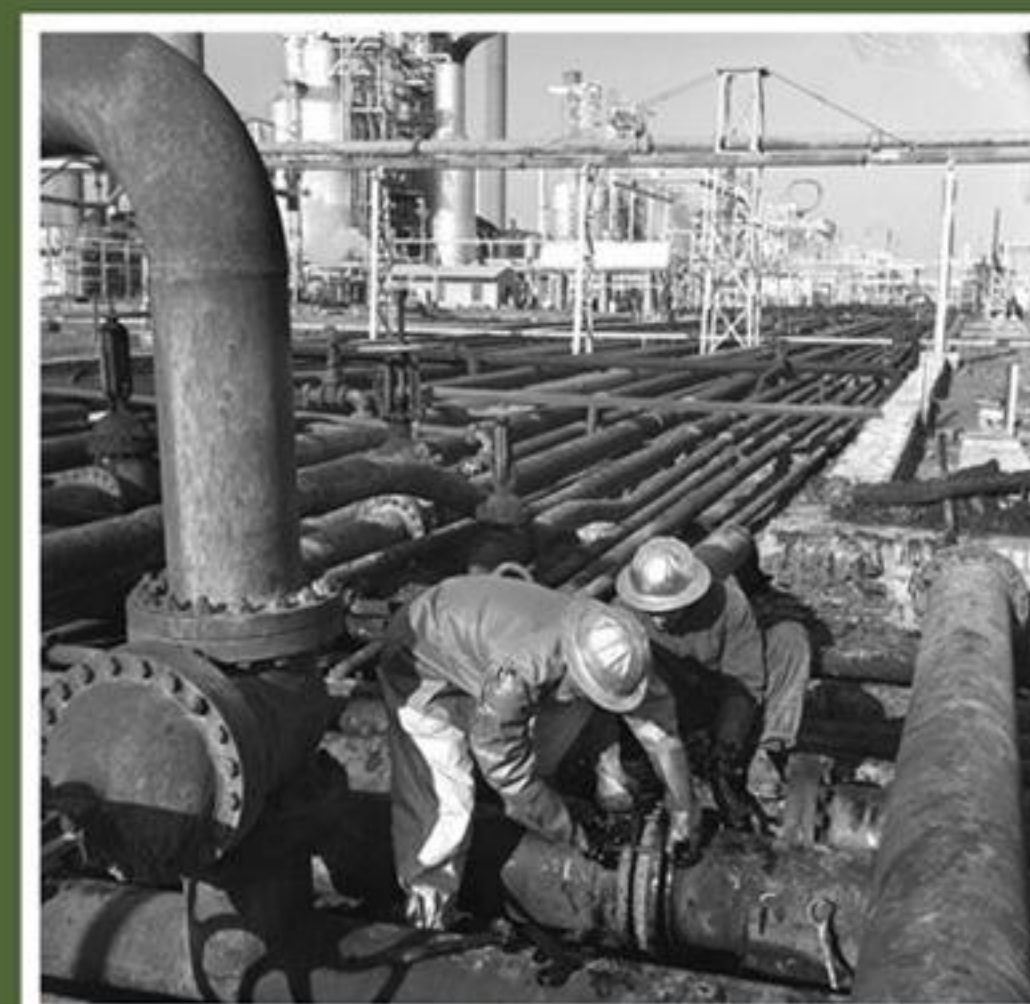
عکس های تاریخی صنعت نفت



تهران، جایگاه بنزین



شمیران، جایگاه بنزین



پالایشگاه آبادان، کارگران در حال کار



آبادان، انبار کارخانه روغن سازی



روایت زوج نفتی از مسیر مشترکی که دوشادوش هم به سمت آرامش طی کرده اند

هم قدم تا همیشه

فاطمه دهقان نیری در میان هیاهوی صنعت نفت، جایی که برنامه ریزی، تولید و مسئولیت های سنگین، بخش جدایی ناپذیر هر روز کاری است، گاهی زیباترین اتفاق ها نه در اتاق های جلسات و نه در خطوط تولید؛ بلکه در دل همراهی انسان ها رقم می خورد. داستان زندگی الهه آزادگان، رئیس آمار و اطلاعات فنی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران و علیرضا ساتوری، کارشناس ارشد صادرات مواد شیمیایی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، روایت همین همراهی است؛ همراهی که از محیط کار آغاز شد و به خانواده ای گرم و صمیمی رسید تا این زوج نفتی زیر سقف بلند این پناهگاه امن، رشته های شکوفایی خود و فرزندان را بیافند و هم قدم تا همیشه گام بردارند.

ترسیم رمز موفقیت این زندگی مشترک به عنوان یک نماد برای کسانی که می خواهند مسیر زوج بودن و کار را با هم طی کنند، بهانه ای شد تا خبرنگار «مشعل» با این زوج نفتی گفت وگویی داشته باشد که متن آن را در ادامه می خوانید.

زندگی گاه از روز تولد آغاز نمی شود؛ بلکه در بزرگسالی، درست جایی که فکرش را نمی کنی، قشنگ ترین اتفاق زندگی، تولدی دوباره به تو می بخشد و زندگی ات را در چرخه ای نومی اندازد؛ جایی در میان روزهای پرمشغله کاری، شیفت های طولانی و لباس های اداری، برای دو نفری که قرار بود فقط همکار باشند؛ اما آرام آرام حضورشان برای یکدیگر معنایی دیگر پیدا کرد و عشق جوانه زد. عشقی که نشان می دهد حتی میان آهن و نفت و دود، می توان گرم ترین و زیباترین احساس دنیا را پیدا کرد.

الهه آزادگان و علیرضا ساتوری، ۲ همکار شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، نمونه ای از همین زوج هایی هستند که روزگار تصمیمی دیگر برایشان گرفت تا افزون بر همکار بودن، کنار هم زندگی کنند.

انعطاف پذیری، رمز پیروزی

الهه آزادگان، کارشناس ارشد مهندسی صنایع (تحلیل سیستم ها)، که به گفته خودش، در سال ۱۳۸۳ فعالیت خود را در شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران آغاز کرده، در گفت وگو با خبرنگار «مشعل» می گوید: در ابتدا به عنوان کارآموز و پس از طی دوره کارآموزی، در مدیریت کنترل تولید قسمت امور هماهنگی و کنترل تولید مشغول به کار شدم. حضور در بخشی فنی و عمدتاً مردانه، نیازمند پشتکار، جسارت و انگیزه ای مضاعف بود که با تکیه بر تلاش، علاقه به یادگیری، بهره گیری از تجربه همکاران و مهم تر از همه، توکل به خداوند، توانستم مسیر حرفه ای خود را با موفقیت طی کنم.

به باور او، زمانی که انسان خدا را ناظر بر تمام اعمال خود بداند، مسئولیت پذیری و تعهد معنایی عمیق تر پیدا می کند. الهه آزادگان، نحوه آشنایی و ازدواج با همسرش را این گونه شرح می دهد: در محیط کار با همسرم آشنا شدم که این آشنایی و عشق، با تولد ۲ فرزند پسر به نام های محمد طه ۱۲ ساله و محمدصدرا ۲ ساله رنگ و بویی دیگر به خود گرفت. مدیریت مشغله زندگی و کار به طور همزمان دشوار است؛ اما خدا را شاکرم که همسرم همیشه همراه بوده و در زمان هایی که مشغله کاری زیادی داشتم، با مشاوره های مثبت و خیرخواهانه باعث شد بتوانم مسائل را به خوبی حل کنم. به نظر من ازدواج، مرحله ای از تکامل و رشد انسان هاست و درس هایی مانند از خودگذشتگی، فداکاری و انعطاف پذیری به انسان می آموزد.

همراهی برای عبور از گردنه های زندگی

در ادامه با علیرضا ساتوری، کارشناس ارشد صادرات مواد شیمیایی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران که به گفته خودش، در سال ۱۳۸۲ پس از قبولی در آزمون سراسری شرکت ملی صنایع پتروشیمی و مصاحبه علمی به این صنعت پیوسته، به گفت وگو نشستیم و او نیز از چگونگی شروع این زندگی برایشان گفت. ساتوری می گوید: هیچ موفقیتی بدون عبور از سختی ها به دست نمی آید و صبوری، انعطاف پذیری، یادگیری مستمر و استفاده از تجربه ها، کلید عبور از فراز و نشیب های مسیر شغلی است. او معتقد است: زندگی مشترک، مدرسه ای برای آموختن گذشت، فداکاری، همدلی و مسئولیت پذیری است و هرچند مدیریت همزمان مسئولیت های شغلی و خانوادگی، به ویژه برای زوج های شاغل آسان نیست؛ اما همراهی همسر، حمایت خانواده و توکل به خداوند، بسیاری از دشواری ها را قابل تحمل می کند. به اینجای گفت وگو که می رسیدیم، الهه آزادگان با قدردانی ویژه از محبت پدر و مادر خود می گوید که بخش مهمی از آرامش امروز خانواده شان، مدیون محبت و حمایت بی دریغ آنان در نگهداری از فرزندان است؛ حمایتی که به او و همسرش فرصت داده تا با آسودگی بیشتر به مسئولیت های حرفه ای خود بپردازند. ساتوری نیز در ادامه صحبت همسرش تأکید می کند، با وجود مشغله های فراوان کاری، همواره تلاش کرده است زمان های آزاد خود را در کنار خانواده سپری کند و از همراهی همسر و خانواده ایشان با قدردانی یاد می کند.

فرصت، همیشگی نیست

پیام مشترک این زوج به جوانان، امیدبخش و واقع بینانه است. آنان باور دارند اگرچه شرایط اقتصادی و اجتماعی ممکن است تصمیم گیری برای ازدواج را دشوار کند؛ اما فرصت جوانی و تشکیل خانواده همیشگی نیست. از نگاه آنها، هم سطح بودن، گذشت، فداکاری، همراهی متقابل و توکل به خداوند، پایه های مستحکم یک زندگی موفق را می سازد.

داستان الهه آزادگان و علیرضا ساتوری، یادآور این حقیقت است که پشت موفقیت های حرفه ای

کارکنان صنعت نفت، خانواده هایی ایستاده اند که با عشق، صبوری و حمایت، بار مسئولیت ها را سبک تر می کنند.

شاید بزرگ ترین دستاورد یک زندگی، تنها موفقیت شغلی نباشد؛ بلکه ساختن خانه ای باشد که در آن امید، محبت و همراهی، هر روز جریان دارد. آرزوی مشترک این خانواده نیز ساده، اما ارزشمند است؛ اینکه جوانان و فرزندان ایران زمین، در سایه لطف پروردگار، مسیر پیشرفت و موفقیت را طی کنند و با دانش، تلاش و اخلاق، مایه سربلندی خانواده های خود و افتخار کشور عزیزمان باشند.



نفت در آثار داستان نویسان جان می گیرد

از چاه تا قلم

مشعل | کتاب «از نفت... تا داستان» اثر شبیم حاتم پور، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر است که به کوشش انتشارات زعیم در سال ۱۳۹۹ منتشر شد. تلاش اصلی این کتاب بر تأثیر صنعت نفت روی داستان نویسی جنوب کشور متمرکز است؛ از این رو نویسندگانی که در آثار خود نفت را به عنوان دستمایه اصلی داستان به کار برده‌اند، به عنوان موضوع پژوهش انتخاب و آثارشان تحلیل و بررسی شده است. از مهم‌ترین نویسندگانی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌توان به نجف دریابندری، ابراهیم گلستان، اسماعیل فصیح، هوشنگ گلشیری، احمد محمود، زویا پیرزاد، منیرو روانی پور و ناصر تقوایی اشاره کرد. کتاب شبیم حاتم پور برای آشنایی خوانندگان با کتاب‌های حوزه نفت و ادبیات معرفی می‌شود.

ادبیات داستانی، به دلیل به تصویر کشیدن آرزوهای جامعه کارگری و صنعتی، ابزاری قدرتمند برای شنیده شدن صدای طبقه فرودست است. در تاریخ نگاری‌های رسمی، صدای این قشر اغلب نادیده گرفته می‌شود و به کتاب‌ها راه نمی‌یابد، اما نویسندگان با شکستن قفل این سکوت، رنج‌ها و سختی‌های زندگی کارگری را روایت می‌کنند؛ از این رو، شناخت دیدگاه این نویسندگان، گامی ضروری برای درک وضعیت اجتماعی جامعه است.

صنعت نفت و داستان

صنعت نفت ایران با بیش از یک قرن سابقه، در وجوه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایرانیان ریشه دوانده است تا آنجا که بخش بزرگی از ادبیات داستانی جنوب کشور، متأثر از رخداد‌های تاریخی و فرهنگی مرتبط با نفت شده است. نویسندگانی که در این حوزه جغرافیایی بالیده‌اند، با تکیه بر تجربه زیسته خود در کنار صنعت نفت، به نوعی روایت واقعی از همزیستی مردم جنوب با پدیده مدرن قرن بیستم ارائه کرده‌اند.

برای نمونه، نجف دریابندری در داستان «مرغ پاکوتاه» کارگری را به تصویر می‌کشد که قربانی جامعه صنعتی نفت شده است یا اسماعیل فصیح در رمان «زمستان ۶۲» فضای صنعت نفت را در جنگ ایران و عراق بازنمایی کرده و هوشنگ گلشیری نیز با تأثیرپذیری از این حوزه، رمان «جن‌نامه» را به نگارش درآورده است. این چند داستان، نمونه‌هایی کوچک از دریای

گسترده ادبیات ایران در حوزه نفت به شمار می‌رود.

فصل اول کتاب با عنوان «صنعت نفت در ایران»، در سه بخش جامعه و صنعت، اکتشاف نفت در ایران و نفت و زندگی مردم تدوین شده است. فصل دوم با نام «زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی»، مروری گذرا بر تاریخ یکصدساله معاصر ایران دارد. فصل سوم تحت عنوان «داستان»، به بررسی ژانرهای گوناگون از جمله ادبیات داستانی، ادبیات کارگری و ادبیات بومی می‌پردازد و در ادامه، به بیوگرافی نویسندگان ادبیات داستانی جنوب، از جمله ابراهیم گلستان، نجف دریابندری، اسماعیل فصیح، احمد بیگدلی، فتح‌الله بی‌نیاز و فرهادکشوری می‌پردازد.

فصل چهارم با عنوان «جامعه شناسی داستان‌های جنوب»، مؤلفه‌های اقتصادی (اشتغال و مصرف‌گرایی)، سیاسی و فرهنگی (مهاجرت، مدارس، کتابخانه، سینما و زبان) و اجتماعی (اختلاف طبقاتی، نفت و آشفتگی مدرنیته) را در حوزه صنعت نفت واکاوی می‌کند. فصل پنجم و پایانی کتاب با عنوان «سخن آخر»، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی آثار نویسندگان جنوب اختصاص یافته است.

کتاب «از نفت... تا داستان» را می‌توان یکی از پژوهش‌های جدی در حوزه ادبیات داستانی نفت دانست. این اثر با معرفی نویسندگان جریان‌ساز ادبیات ایران و تبیین ارتباط معنایی آثار آنان با تحولات صنعت نفت، منبعی ارزشمند برای مطالعه تلاقی ادبیات داستانی با صنعت نفت ایران محسوب می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر، نگاه نو مؤلف است که پیش‌تر کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته بود. این کتاب می‌تواند محرکی برای تحقیقات آتی پیرامون تاریخ اجتماعی نفت از منظر ادبیات باشد، زیرا کاوش در زیست لایه‌های فرودست جامعه نفتی، جز از دریچه ادبیات و تاریخ محلی، به سادگی قابل

روایت نیست و گردآوری این مجموعه، گامی مؤثر در جهت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود.

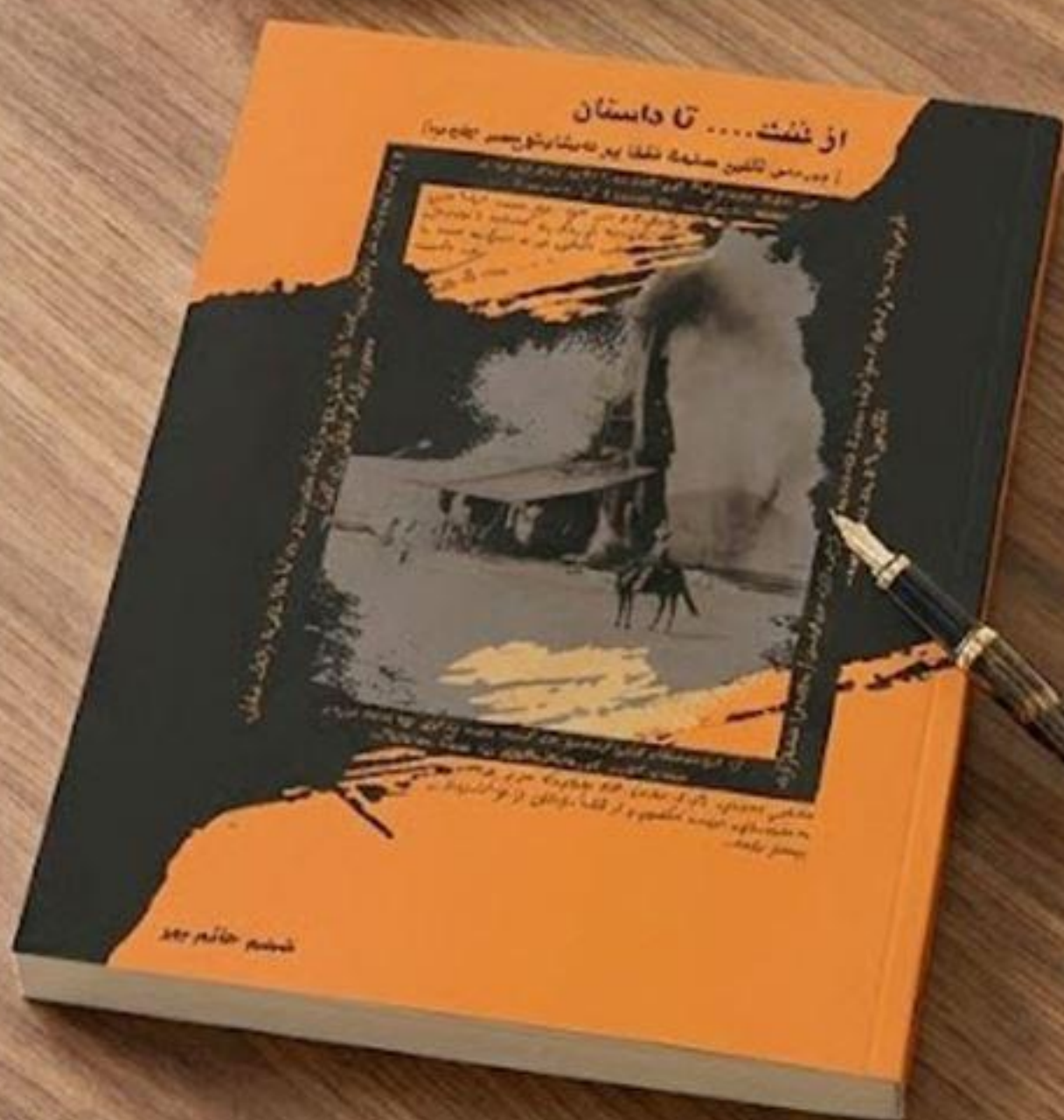
دومین ویژگی برجسته اثر، بهره‌گیری از منابع غیرتاریخ‌نگارانه (روزنامه‌ها و نشریات محلی) است که در کنار منابع رسمی تاریخ نفت، به کتاب اعتبار پژوهشی بخشیده است. افزون بر این، معرفی یکجای نویسندگان حوزه نفت، راه را برای محققان هموار کرده است تا با مجموعه‌ای متنوع از نویسندگان این حوزه آشنا شوند و بر حسب علاقه و ضرورت، به خواندن آثار ایشان بپردازند.

دسته‌بندی موضوعی فصل‌ها، دیگر ویژگی مثبت کتاب است که موجب نظم ذهنی خواننده می‌شود. با این حال، در باب روش‌شناسی اثر، حاتم پور در فصول ابتدایی، «توصیف» را بر «تحلیل» ترجیح داده است، اما در فصل چهارم با عنوان «جامعه‌شناسی داستان‌های جنوب»، رویکرد تحلیلی نویسنده در لابلای کلمات نمود بیشتری یافته است. بی‌شک، اگر این ویژگی «توصیف همراه با تحلیل»، به صورت یکدست در تمام فصول تداوم می‌یافت، خواننده با اثری به مراتب عمیق‌تر مواجه می‌شد. در نهایت، پیوست اطلاعات زندگی‌نامه‌ای از نویسندگان حوزه نفت، بخش پایانی اثر را به منبعی کاربردی بدل کرده است.

کتاب «از نفت... تا داستان» حاتم پور، با وجود همه ویژگی‌های مثبتی که دارد و تا حد امکان در این نوشتار به آنها اشاره شد، دارای برخی نکات نیز هست که در صورت برطرف شدن در چاپ‌های بعدی، می‌تواند به تکمیل این پژوهش مهم کمک کند.

با وجود تلاش حاتم پور در معرفی دقیق روزنامه‌های نفتی و اشخاص مرتبط، این کتاب فاقد تصاویر روزنامه‌هاست که ضمیمه‌سازی این بخش در چاپ‌های بعدی، به ویژه نشریاتی که کمتر در دسترس مخاطبان قرار دارند، می‌تواند بر زیبایی و غنای اثر بیفزاید.

در حوزه تاریخ اجتماعی نفت، پژوهش‌های این چنینی بسیار نوا هستند. امیدواریم در آینده نزدیک شاهد نگارش کتاب‌هایی در تلاقی نفت و ادبیات باشیم تا بخش مغفول‌مانده از تاریخ مردمی صنعت نفت، بازتابی گسترده‌تر بیابد.



شیر مادر نخستین سرمایه‌گذاری برای سلامت نسل آینده است

تغذیه باطعمه عشق



مشتعل | سخن از تغذیه که به میان می‌آید، ذهن به سمت پرهیز غذایی برای گرفتن رژیم، عضله سازی، پیشگیری از تشدید بیماری یا هزاران موارد دیگر می‌رود؛ این در حالی است که مهم‌ترین پایه‌های سلامتی از تغذیه سالم مادر و نوزاد شکل می‌گیرد. در اهمیت این موضوع همین بس که یک هفته از روزهای گرم مردادماه به هفته «تغذیه با شیر مادر» اختصاص داده شده است و پزشکان متخصص در کنار تمام روزهای سال، در چنین مناسبتی نیز از ارائه توصیه‌های تغذیه‌ای مناسب برای مادر و نوزاد غافل نمانده‌اند، زیرا می‌دانند دوران شیردهی که بهار زندگی را به فصل‌های پربار آینده وصل می‌کند، از مهم‌ترین و زیباترین لحظه‌های زندگی مادر و کودک به شمار می‌رود؛ موضوعی که کارشناسان مامایی بهداشت و درمان صنعت نفت هم در گفت‌وگو با خبرنگار مشتعل به آن اذعان دارند که شیر مادر، نخستین سرمایه‌گذاری برای سلامت نسل آینده است.



نخستین واکسن

کارشناس مامایی مرکز بهداشت و درمان صنعت نفت غرب کشور با بیان اینکه شیر مادر نخستین واکسن طبیعی نوزاد محسوب می‌شود، تصریح می‌کند: آنتی‌بادی‌های موجود در شیر مادر از کودک در برابر بسیاری از بیماری‌های عفونی از جمله اسهال، عفونت‌های تنفسی، عفونت‌گوش و برخی بیماری‌های ویروسی محافظت می‌کنند. همچنین مطالعات نشان داده است کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند، در آینده کمتر در معرض ابتلا به چاقی، دیابت، آلرژی و برخی بیماری‌های مزمن قرار می‌گیرند.

وی با تأکید بر اینکه تغذیه با شیر مادر تنها به تأمین نیازهای جسمی نوزاد محدود نمی‌شود، ادامه می‌دهد: تغذیه با شیرمادر نقش مهمی در رشد مغزی، تکامل شناختی، افزایش توان یادگیری و ایجاد پیوند عاطفی عمیق میان مادر و کودک دارد؛ پیوندی که آثار مثبت آن تا سال‌ها در سلامت روان و رشد اجتماعی کودک باقی می‌ماند. نیازی درباره مزایای شیردهی برای مادر نیز می‌گوید: شیردهی موجب ترشح هورمون‌هایی می‌شود که به بازگشت سریع‌تر رحم به وضعیت

طبیعی، کاهش خونریزی پس از زایمان و تسریع روند بهبود مادر کمک می‌کند. همچنین خطر ابتلا به سرطان پستان و تخمدان، دیابت نوع دو و پوکی استخوان در مادران شیرده کاهش می‌یابد و شیردهی در بازگشت به وزن پیش از بارداری نیز مؤثر است. وی با تأکید بر نقش خانواده در موفقیت شیردهی اظهار می‌کند: حمایت همسر و سایر اعضای خانواده از مادر، فراهم کردن شرایط مناسب برای استراحت، تغذیه سالم و آرامش روانی، نقش مهمی در تداوم شیردهی موفق دارد. همچنین حمایت محیط‌های کاری از مادران شاغل، از جمله فراهم کردن فضای مناسب برای شیردهی یا دوشیدن شیر، می‌تواند به حفظ سلامت مادر و کودک کمک کند. کارشناس مامایی مرکز بهداشت و درمان صنعت نفت غرب کشور، به مادران شیرده تأکید می‌کند در دوران شیردهی از رژیم غذایی متنوع و متعادل، مصرف مایعات کافی، خواب و استراحت مناسب بهره‌مند شوند و از مصرف دخانیات و هرگونه دارو بدون تجویز پزشک خودداری کنند. همچنین در صورت بروز هرگونه مشکل در شیردهی، از مشاوره کارشناسان مامایی و پزشکان استفاده کنند تا مشکلات احتمالی در کوتاه‌ترین زمان برطرف شود. به گفته نیازی، ترویج فرهنگ تغذیه با شیر مادر، حمایت همه‌جانبه از مادران شیرده و افزایش آگاهی خانواده‌ها از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای شاخص‌های سلامت جامعه است و شیر مادر، هدیه‌ای ارزشمند برای آغاز زندگی سالم و تضمین‌کننده آینده‌ای سالم‌تر برای نسل‌های آینده خواهد بود.



پیوند در نخستین ساعت

رقیه راشدی، مسئول بخش زایمان بهداشت و درمان صنعت نفت آغاچاری هم با تأکید بر اینکه حمایت از مادران و ترویج تغذیه انحصاری با شیر مادر در ۶ ماه نخست زندگی، نقش مهمی در تقویت سیستم ایمنی، رشد مطلوب نوزاد و پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های دوران کودکی دارد، می‌گوید: شیرمادر تنها یک ماده غذایی نیست، بلکه ترکیبی کامل و متناسب با نیازهای نوزاد است که مواد مغذی، ویتامین‌ها، آنزیم‌ها و عوامل ایمنی بخش مورد نیاز بدن او را فراهم می‌کند، ضمن اینکه تغذیه با شیر مادر می‌تواند خطر ابتلا به عفونت‌های تنفسی، اسهال، عفونت‌گوش و برخی بیماری‌های شایع دوران کودکی را کاهش دهد و زمینه رشد جسمی و تکامل مطلوب نوزاد را فراهم کند. همچنین ترکیبات موجود در شیرمادر در رشد مغز و بینایی کودک نقش دارند و به شکل‌گیری سلامت جسمی و روانی او در سال‌های آینده کمک

می‌کنند. وی با تأکید بر اهمیت آغاز شیردهی در نخستین ساعات پس از تولد تصریح می‌کند: توصیه می‌شود در صورت مساعد بودن شرایط مادر و نوزاد، تغذیه با شیر مادر در ساعت نخست پس از تولد آغاز شود و تغذیه انحصاری با شیر مادر تا پایان شش ماهگی ادامه یابد. پس از شش ماهگی نیز تغذیه تکمیلی باید در کنار ادامه شیردهی و بر اساس توصیه کارکنان بهداشتی و درمانی آغاز شود. مسئول بخش زایمان بهداشت و درمان صنعت نفت آغاچاری با بیان اینکه موفقیت در شیردهی تنها به تلاش مادر وابسته نیست، یادآوری می‌کند: حمایت همسر، خانواده و محیط کار نقش بسیار مهمی در تداوم شیردهی دارد. کمک به مادر در امور منزل، ایجاد آرامش، پرهیز از ایجاد نگرانی و فراهم کردن شرایط مناسب برای استراحت و شیردهی مادران شاغل، از جمله اقدام‌هایی است که می‌تواند این مسیر را برای آنان آسان‌تر کند. همچنین برخی مادران ممکن است در روزهای نخست پس از زایمان با چالش‌هایی مانند درد، نگرانی درباره میزان شیر، زخم نوک پستان یا نحوه صحیح در آغوش گرفتن نوزاد مواجه شوند. دریافت آموزش و مشاوره به موقع از ماماها، کارشناسان بهداشت و مشاوران شیردهی می‌تواند از بروز بسیاری از این مشکلات پیشگیری می‌کند و اعتماد به نفس مادر را افزایش دهد.

سلامت کودک در گرو تغذیه سالم مادر

به مادران شیرده برای تأمین نیازهای بدن خود و تولید شیر، این مواد توصیه می‌شود:

محصولات لبنی کم‌چرب: هر کدام از لبنیات که تمایل دارید، انتخاب کنید، محصولات لبنی بخش مهمی از تغذیه دوران شیردهی را تشکیل می‌دهند. علاوه بر تأمین پروتئین و ویتامین ب و ویتامین د، محصولات لبنی یکی از بهترین منابع کلسیم هستند.

گوشت گاو: برای افزایش انرژی خود به دنبال غذاهای غنی از آهن مانند گوشت خالص گاو باشید. کمبود آهن میزان انرژی را پایین می‌آورد و نمی‌گذارد که مادر به تقاضاهای نوزاد خود پاسخ دهد. در دوران شیردهی نیاز به تأمین پروتئین و ویتامین ب-۱۲ بیشتری دارید. گوشت گاو منبع عالی این مواد مغذی است.

حبوبات: حبوباتی که رنگ تیره دارند، مانند لوبیاهای سیاه و لوبیای چیتی غذای بسیار مفیدی برای تغذیه دوران شیردهی هستند. مادرانی که رژیم گیاه‌خواری دارند، حتماً این دو ماده را در برنامه خود داشته باشند. حبوبات نه تنها غنی از آهن هستند، بلکه یک منبع مناسب و ارزان پروتئین غیر حیوانی با کیفیت بالا نیز هستند.

زغال‌اخته: مادرانی که در دوران شیردهی هستند، به دو وعده میوه یا آبمیوه در روز احتیاج دارند. زغال‌اخته غنی از آنتی اکسیدان، گزینه مناسبی برای پاسخگویی به نیاز مادر و نوزاد است. زغال‌اخته سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی مناسب نیازهای مادر است. مقدار مناسب کربوهیدرات آن سطح انرژی را بالاتر می‌برد.

تخم‌مرغ: زرده تخم‌مرغ یکی از معدود منابع ویتامین دی است. استخوان‌های شما را محکم می‌کند و به نوزاد شما در رشد استخوان‌هایش کمک می‌کند. سفیده تخم‌مرغ بهترین ماده برای رفع نیاز روزانه به پروتئین است. می‌توانید ۲ عدد تخم‌مرغ را برای صبحانه میل کنید یا آب‌پز آن را در سالاد ناهارتان قرار دهید. برای شام املت با سالاد میل کنید.

نان گندم سبوس‌دار: اسید فولیک ماده‌ای مغذی در شیر مادر است که این ماده برای سلامت مادر نیز اهمیت دارد. منابع این ماده مغذی نان‌های سبوس‌دار و ماکارونی غنی شده است که مقدار مناسبی فیبر و آهن می‌رساند.

سبزیجات مفیدی: بسیاری از سبزیجات برگ‌دار مانند اسفناج، برگ چغندر و بروکلی فواید بیشماری دارد و سرشار از ویتامین آ هستند که نوزاد به آن نیاز دارد. همچنین پر از آنتی اکسیدان‌ها برای سلامت قلب مفیدند و کالری کمی دارند. در تغذیه دوران شیردهی این سبزیجات را اضافه کنید.

افزایش مصرف آب: مصرف آب به بالاتر بردن سطح انرژی و تولید شیر برای نوزاد کمک می‌کند که این مایعات می‌تواند به شکل آبمیوه و شیر برای بدن تأمین شود؛ بنابراین با نوشیدن آب به مقدار کافی یعنی ۶ تا ۸ لیوان آب یا آبمیوه در روز، دچار کمبود آب نمی‌شوید.





فرشید خدادادیان

پژوهشگر تاریخ نفت و میراث صنعتی

هنرمندان و بازیگران سینما و تلویزیون، به خصوص کمدین‌ها هیچ‌گاه نخواهند مرد. اگر روزی مرگ چارلی چاپلین، درگذشت هرولد لویس، لورل و هاردی یا دیگر کمدین‌ها باور شد، نبود هنرمندی چون اکبر عبدی هم باورپذیر خواهد بود.

اکبر عبدی، هنرمند هزار چهره سینمای ایران، بخش مهمی از تاریخ سینمای ایران به شمار می‌رود؛ سینمایی که با صنعت نفت وارد کشورمان شد و اگر نفت نبود، بسیار دیرتر از آنچه اتفاق افتاد، در ایران عمومی می‌شد. اگرچه در باور عمومی، ناصرالدین شاه، چنانچه در یکی از فیلم‌هایی که زنده یاد عبدی نیز در آن بازی کرده، آورنده و آکتور سینما در ایران محسوب می‌شود؛ اما بایکی از شرکت‌های نفتی ایران بود که سینما عمومی شد و اعجاز تصویر متحرک روی دیوارهای گچی سینماهای نفت، ایرانیان ساکن شرکت شهرهای نفتی را مسحور و مجذوب سینما کرد.

از فعالیت «مرحوم لاله زار»، آپاراتچی سینما شهر فرنگ مسجد سلیمان، نخستین شرکت شهرهای نفتی ایران تا سینماهای خیابان لاله زار در تهران، دوران مدیدی سپری شد تا بچه‌های نازی آباد از جمله اکبر عبدی آقا باقر مجذوب سینما شدند.

نازی آباد، محله‌ای کارگرنشین در جنوب تهران بود و پدران باکار در انبار نفت و بالایشگاه تهران، کارخانه چیت‌سازی، سیلوی گندم، گمرک و راه آهن، برای تامین معاش فعالیت می‌کردند، مانند عباسعلی عبدی که از روستای آقا باقر اردبیل آمده بود تا کارگر چیت‌سازی شود و فرزندان از جمله اکبر، از بچه‌های بازیگوش نازی آباد بودند که معمولاً مدرسه شان دیر می‌شد.

سال ۱۳۵۱ بود که مادر، اکبر ۱۲ ساله را به کانون پرورش فکری نازی آباد سپرد. محلی که با حمایت و تامین هزینه از سوی شرکت ملی نفت ایران و از سال ۱۳۴۴ ساخته شده بود تا فکر آینده‌سازان ایران را پرورش دهد.

اگر سینما با نفت در ایران عمومی و فراگیر و با

به مناسبت درگذشت اکبر عبدی، بازیگر توانای عرصه هنر

نفت و تولد یک ستاره



حمایت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نفت، مراکز هم چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تاسیس نمی‌شد، استعدادهایی مانند اکبر عبدی چه سرنوشتی پیدا می‌کردند؟! نقش‌های فراوانی را بازی و شخصیت‌های زیادی را بازآفرینی کرد که برخی از آنها مستقیم و غیرمستقیم با نفت مرتبط بودند؛ به طوری که در «سال‌های مشروطه» و «مظفرنامه»، سریال تلویزیونی و فیلم سینمایی که از سوی استاد محمدرضا ورزی ساخته شد، عبدی نقش مظفرالدین شاه، اعطاکنده امتیاز نفت به داری و امضاکننده فرمان مشروطیت را بازی کرد.

همچنین وقتی به دعوت زنده یاد ناصر تقوایی - یکی از افتخارات صنعت فیلمسازی خوزستان و

ایران - نقش گروه‌بان مکنونی را در فیلم «ای ایران» ایفا کرد، بازیگر نقش‌های یک کارگردان آبادانی شده که نام فامیلی مکنونی از طوایف مطرح بختیاری در جنوب ایران، برای شخصیت اصلی فیلمش انتخاب شده بود.

اکبر عبدی، حسن آقای شهریور ۱۳۲۰ در سریال «در چشم باد» استاد جعفری جوزانی نیز بود که در دفاع از ناموس ایرانی با سربازان هندی ارتش بریتانیا درگیر شد. جنگ جهانی دوم، جنگ ما نبود؛ اما به جرم داشتن نفت و همسایه بودن با روسیه مجبور به تحمل تبعات آن شدیم تا متفقین روی موجی از نفت به پیروزی برسند.

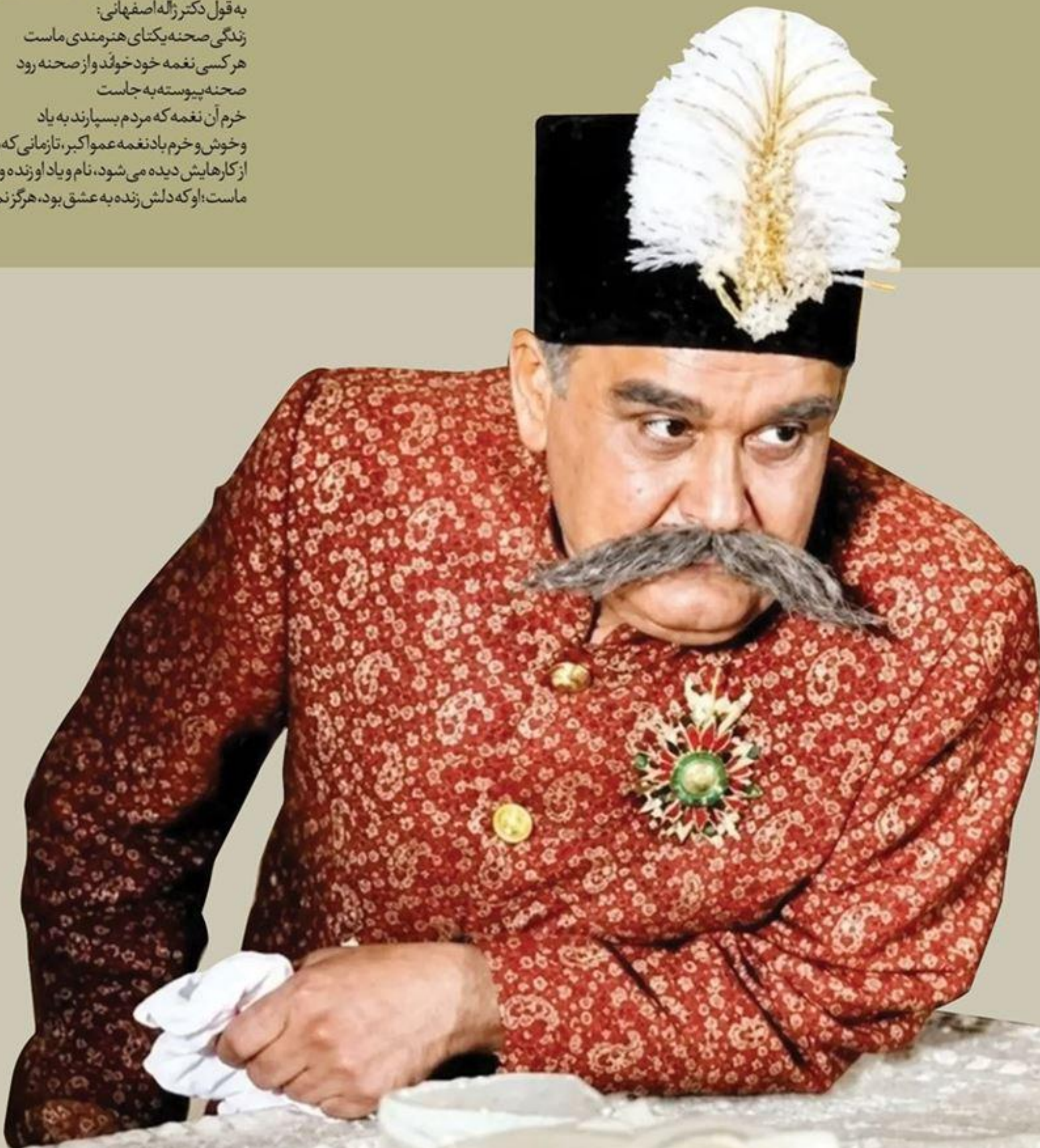
نتیجه تأثیر نفت در سینما و ایجاد مراکز فرهنگی مانند کانون پرورش فکری، ظهور و بروز چهره‌هایی

چون اکبر عبدی بود؛ هنرمندی که نخستین «زن پوش» سینمای ایران بعد از انقلاب ۵۷ شد؛ البته زن پوشی دارای پیشینه‌ای کهن در نمایش ایرانی است؛ از زن پوشی در نمایش‌های تخته حوضی تا زن پوشی در تعزیه؛ اما این عبدی بود که در فیلم «آدم برقی» آن را به شکلی بدیع احیا کرد.

رمز محبوبیت اکبر عبدی در آن بود که همواره خودش بود و هیچ‌گاه به چیزی که نبود، تظاهر نکرد. از وقتی که مدرسه‌اش دیر می‌شد تا دم برفی شدنش و از مظفرالدین شاه بودن تا استندآپ کمدی‌های اخیرش، تلاش کرد مردم را در حین خنداندن، به فکر وادارد، حتی در زمانه‌ای که بهانه چندان برای خندیدن نبود و خوشایه حالش که محبوب زیست و محبوب رفت، همه می‌آیند و می‌روند و خوشایه سعادت آنان که نام نیکی از خود به یادگار می‌گذارند، به قول دکتر زاله اصفهانی:

زندگی صحنه‌یکتای هنرمندی ماست
هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد
و خوش و خرم باد نغمه عمو اکبر، تازمانی که یک فریم
از کارهایش دیده می‌شود، نام و یاد او زنده و در میان
ماست؛ او که دلش زنده به عشق بود، هرگز نمی‌میرد.



چگونه هوش مصنوعی را به پاسخ‌های خلاقانه هدایت کنیم؟

جادوی پرسش

مشعل: تصور کنید در برابر ابزاری نشسته‌اید که به میلیون‌ها مقاله علمی، هزاران کتاب و پژوهش تخصصی و بخش بزرگی از دانش مکتوب بشر دسترسی دارد. حالا از آن فقط بخواهید «یک متن خوب» برایتان بنویسد. احتمالاً پاسخی قابل قبول دریافت می‌کنید، اما نه آن خروجی دقیق و خلاقانه‌ای که در ذهن دارید. اینجا مسئله، کم‌دانشی هوش مصنوعی نیست؛ مسئله، شیوه پرسیدن ماست. امروز مدل‌های زبانی هوش مصنوعی، از تولید متن، تصویر و ویدیو گرفته تا تحلیل داده‌ها، برنامه‌نویسی، طراحی و کمک در فرایند تصمیم‌گیری، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای کار و آموزش تبدیل شده‌اند. با این حال، کیفیت پاسخ‌های آنها بیش از هر چیز به کیفیت دستورهای بستگی دارد که کاربران در اختیارشان قرار می‌دهند. همین موضوع، «مهندسی پرامپت» یا «دستورنویسی برای هوش مصنوعی» را به یکی از مهارت‌های کلیدی عصر دیجیتال تبدیل کرده است؛ مهارتی که می‌تواند فاصله میان یک پاسخ معمولی و یک خروجی حرفه‌ای را تنها با چند جمله دقیق رقم بزند.

تا چند سال پیش، مهم‌ترین مهارت در عصر دیجیتال، جست‌وجوی صحیح در اینترنت بود، اما امروز با فراگیر شدن ابزارهای هوش مصنوعی، مهارتی تازه اهمیت پیدا کرده است؛ اینکه چگونه با مدل‌های مختلف هوش مصنوعی گفت‌وگو کنیم. بسیاری، هوش مصنوعی را به گول چراغ جادو تشبیه می‌کنند؛ ابزاری که به حجم عظیمی از دانش دسترسی دارد، اما تنها زمانی می‌تواند بهترین پاسخ را ارائه دهد که خواسته کاربر را به درستی درک کند. تفاوت میان یک پاسخ معمولی و خروجی‌ای دقیق، خلاقانه و کاربردی، گاهی تنها در چند کلمه و شیوه بیان درخواست نهفته است.

مهندسی دستور

در ادبیات فناوری، متنی که کاربر برای دریافت پاسخ در اختیار هوش مصنوعی قرار می‌دهد، «پرامپت» یا «دستور» نام دارد؛ همان سؤال، درخواست یا توضیحی که مسیر پاسخ را مشخص می‌کند. برخلاف تصور برخی کاربران، مدل‌های زبانی توانایی خواندن ذهن انسان را ندارند و تنها بر پایه اطلاعاتی که دریافت می‌کنند، پاسخ تولید می‌کنند؛ به همین دلیل، هر چه درخواست شفاف‌تر، هدفمندتر و ساختاریافته‌تر باشد، کیفیت خروجی نیز به همان نسبت افزایش خواهد یافت. «مهندسی پرامپت» امروز به یکی از مهارت‌های کلیدی عصر هوش مصنوعی تبدیل شده است؛ مهارتی که به کاربران می‌آموزد چگونه خواسته خود را با زبانی دقیق و قابل فهم به هوش مصنوعی منتقل کنند. بسیاری از کارشناسان معتقدند موفقیت در کار با مدل‌های زبانی، بیش از آنکه به توانایی خود هوش مصنوعی وابسته باشد، به کیفیت پرسش‌ها و دستورهای بستگی دارد که کاربر در اختیار آن قرار می‌دهد.

چهار اصل یک دستور

کارشناسان حوزه هوش مصنوعی معتقدند بخش زیادی از تفاوت میان کاربران حرفه‌ای و کاربران عادی، نه در شناخت ابزارها، بلکه در شیوه نوشتن پرامپت‌هاست. تجربه نشان داده است که رعایت چند اصل ساده می‌تواند کیفیت خروجی مدل‌های زبانی را به شکل محسوس افزایش دهد.

نخستین اصل، نقش‌دهی به هوش مصنوعی است. مدل‌های زبانی به طور پیش‌فرض یک دستیار عمومی هستند، اما اگر از آنها بخواهید در قالب یک کارشناس پاسخ دهند، نتیجه دقیق‌تر و تخصصی‌تر خواهد بود. برای مثال، اگر تنها بنویسید «درباره بازاریابی توضیح بده»، پاسخی کلی دریافت خواهید کرد، اما اگر درخواست خود را این‌گونه مطرح کنید: «به عنوان یک مدیر ارشد بازاریابی دیجیتال با ۱۰ سال سابقه، برای معرفی یک محصول جدید سه راهکار عملی ارائه بده»، پاسخ متفاوت و متناسب با همان نقش خواهد بود.

اصل دوم، ارائه زمینه و اطلاعات کافی است. هوش مصنوعی باید بداند مخاطب چه کسی است و هدف از تولید محتوا چیست. تصور کنید از آن بخواهید یک متن عذرخواهی بنویسد. اگر تنها بنویسید «یک متن عذرخواهی بنویس»، نتیجه معمولی خواهد بود، اما وقتی توضیح دهید: «یک متن رسمی برای مشتری بنویس که سفارش او سه روز با تأخیر

تحويل شده و برای جبران، یک کد تخفیف ۲۰ درصدی نیز به او ارائه شود»، خروجی متناسب با همان موقعیت خواهد بود. سومین اصل، تعیین قالب و لحن پاسخ است. هوش مصنوعی زمانی بهترین عملکرد را دارد که بداند خروجی نهایی قرار است چه شکلی داشته باشد. برای نمونه، درخواست راه‌های کاهش وزن را بگو، اغلب پاسخی کلی به همراه دارد، اما اگر بنویسید «سه روش علمی برای کاهش وزن را با لحن انگیزشی و در قالب یک جدول شامل روش، مدت زمان و میزان تأثیر ارائه کن و اصطلاحات پیچیده پزشکی استفاده نکن»، نتیجه ساختارمندتر، خواندنی‌تر و کاربردی‌تر خواهد بود.

چهارمین اصل نیز استفاده از روش گام‌به‌گام است. در موضوع‌های تحلیلی یا پیچیده، بهتر است از هوش مصنوعی بخواهید مراحل استدلال خود را به ترتیب انجام دهد. برای مثال، به جای یک درخواست کلی، می‌توان نوشت: «ابتدا مسئله را تحلیل کن، سپس سه راهکار ارائه بده و در پایان، بهترین گزینه را با ذکر دلیل انتخاب کن.» این روش علاوه بر افزایش دقت پاسخ، احتمال بروز خطا یا تولید اطلاعات نادرست را نیز کاهش می‌دهد. آنچه این چهار اصل را به هم پیوند می‌دهد، یک نکته مشترک است: هوش مصنوعی هرچه اطلاعات دقیق‌تر و هدفمندتری دریافت کند، پاسخ‌هایی نزدیک‌تر به انتظار کاربر تولید خواهد کرد؛ به همین دلیل، بسیاری از متخصصان، کیفیت خروجی را بیش از آنکه وابسته به توانایی مدل‌های زبانی بدانند، نتیجه کیفیت پرسش‌هایی می‌دانند که انسان برای آنها می‌نویسد.

نقشه راه یک پرامپت حرفه‌ای

هرچند دنیای پرامپت‌نویسی انقدر گسترده است که پرداختن به همه تکنیک‌های آن در یک گزارش امکان‌پذیر نیست، اما آشنایی با یک الگوی ساده و کاربردی می‌تواند نقطه شروعی مناسب باشد. CREATE یا خلق، یکی از شناخته‌شده‌ترین چارچوب‌های مهندسی پرامپت است که کاربران حرفه‌ای از آن برای تبدیل یک درخواست ساده به دستوری دقیق، شفاف و نتیجه‌بخش استفاده می‌کنند. این فرمول در واقع یک چک‌لیست ذهنی است؛ چک‌لیستی که پیش از ارسال درخواست، به شما یادآوری می‌کند آیا همه اطلاعات لازم را در اختیار هوش مصنوعی قرار داده‌اید یا چیزی از قلم افتاده است. در این الگو، هر حرف یادآور یکی از اجزای ضروری یک پرامپت است. نخست باید زمینه (Context) را مشخص کنید؛ یعنی توضیح دهید موضوع چیست و چرا این درخواست را مطرح می‌کنید. سپس نقش (Role) را تعیین و مشخص کنید هوش مصنوعی در جایگاه چه فرد یا تخصصی پاسخ دهد. در گام بعد، انتظار (Expectation) خود را به طور دقیق بیان کنید؛ اینکه دقیقاً چه خروجی‌ای می‌خواهید، گزارش، مقاله، جدول، تحلیل یا هر قالب دیگر.

پس از آن نوبت به معرفی مخاطب (Audience) می‌رسد. اینکه متن قرار است برای دانش‌آموز نوشته شود یا مدیرعامل یک شرکت، تفاوت زیادی در شیوه نگارش و سطح اطلاعات ایجاد می‌کند.

سپس باید لحن (Tone) را مشخص کنید؛ رسمی، صمیمی، ژورنالیستی، علمی، تبلیغاتی یا حتی طنز. در نهایت نیز محدودیت‌ها و جزئیات تکمیلی (Extras) را بنویسید؛ مانند تعداد کلمات، استفاده یا عدم استفاده از برخی واژه‌ها، نوع تیترها، ساختار متن یا هر نکته‌ای که کیفیت خروجی را افزایش می‌دهد. برای درک بهتر، فرض کنید می‌خواهید به کمک هوش مصنوعی برای دوستان یک پیام تبریک تولد بنویسد. اگر فقط بنویسید: «به متن تبریک تولد بنویس.» احتمالاً یک متن کلی و تکراری دریافت می‌کنید. اما اگر همان درخواست را با الگوی CREATE بنویسید، نتیجه متفاوت خواهد بود:

■ زمینه: تولد دوستم که تازه ۳۰ ساله شده است.
■ نقش: مثل یک نویسنده خلاق و صمیمی بنویس.
■ انتظار: یک پیام همراه با دلنگی و بسیار احساسی آماده کن.
■ مخاطب: دوستی که از نوجوانی در یک مدرسه باهم بوده‌ایم.
■ لحن: گرم، دوستانه و کمی طنز.
■ محدودیت‌ها: متن کمتر از ۱۰۰ کلمه باشد، از ایموژی استفاده نکن و جمله‌ای انگیزشی در پایان داشته باشد.

در چنین شرایطی، هوش مصنوعی دیگر مجبور نیست درباره نیاز کاربر حدس بزند؛ می‌داند چه مأموریتی به عهده دارد و خروجی نیز به همان نسبت حرفه‌ای‌تر، منسجم‌تر و نزدیک‌تر به انتظار کاربر خواهد بود. بسیاری از متخصصان معتقدند تفاوت میان یک کاربر عادی و یک کاربر حرفه‌ای هوش مصنوعی، نه در ابزار، بلکه در کیفیت پرامپتی است که می‌نویسد.

کلید بهره‌گیری دقیق‌تر

مهندسی پرامپت، بیش از آنکه مجموعه‌ای از چند دستور ساده باشد، نوعی مهارت در شیوه اندیشیدن و طرح درست مسئله است. هرچه کاربر بتواند هدف، زمینه، مخاطب و انتظار خود را دقیق‌تر برای هوش مصنوعی توصیف کند، کیفیت پاسخ نیز به همان نسبت افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر، هوش مصنوعی بیش از آنکه به «سؤال» پاسخ دهد، به «کیفیت سؤال» واکنش نشان می‌دهد؛ از همین رو، تعامل با این فناوری را باید یک گفت‌وگوی هدفمند و پویا دانست، نه فقط وارد کردن چند کلمه در کادر چت. با این حال، نباید فراموش کرد که مدل‌های زبانی و چت‌بات‌های هوش مصنوعی، با وجود توانمندی‌های گسترده، همچنان محدودیت‌هایی دارند. اطلاعات آنها همواره به روز و کامل نیست و در موضوع‌های تخصصی، پزشکی، حقوقی، مهندسی یا تصمیم‌های حساس، هرگز نمی‌توانند جایگزین نظر و تجربه یک پزشک یا کارشناس خبره شوند. هوش مصنوعی را باید یک دستیار قدرتمند دانست، نه مرجع نهایی تصمیم‌گیری.

برگرفته از مقالات سایت: LinkedIn

خشک نشدن گل‌های آپارتمانی
هنگام سفر، راهکارهای ساده‌ای دارد

انرژی گیاهان بدرقه راهتان

بار سفر را بسته‌ای و همه چیز مهربانی به جاده زدن و چند روز دور از خانه ماندن است؛ اما چشم‌ت به گیاهانی می‌افتد که در گلدان‌های رنگی، گوشه و کنار خانه‌ات را زینت بخشیده‌اند و ملتسمانه نرفتنت را آرزو می‌کنند. گیاهانی که برای رشد و شادابی به آب، نور، دمای مناسب و مراقبت منظم نیاز دارند و در صورت نبودن فردی که از آنان مراقبت کند، پژمردگی، زرد شدن برگ‌ها یا حتی نابودی خود را خواهند دید. پس باید دست به کار شوی و پیش از سفر، شرایط مناسبی را برای گیاهان فراهم کنی تا در مدت نبودنت، سالم بمانند و در طول سفر، انرژی‌شان بدرقه راهت باشد.

نگهداری از گیاهان آپارتمانی هنگام سفر کار دشواری نیست، اما نیاز به برنامه‌ریزی دارد. آبیاری مناسب، انتخاب محل مناسب برای قراردادن گلدان‌ها، استفاده از روش‌های خودآبیاری و توجه به نیازهای متفاوت گیاهان می‌تواند از آسیب دیدن آن‌ها جلوگیری کند.

بهترین کار قبل از سفر

یکی از مهم‌ترین کارها قبل از سفر، آبیاری مناسب گیاهان است تا پس از بازگشت به خانه، با صحنه دلخراش پژمرده شدن گیاهان خود روبه‌رو نشوید. بنابراین بهتر است یک یا دو روز پیش از سفر، وضعیت خاک گلدان‌ها را بررسی کنید؛ البته باید مطمئن شوید که سوراخ‌های زهکشی گلدان باز است و آب اضافی می‌تواند به راحتی خارج شود. همچنین گیاهان را پیش از سفر در محلی قرار دهید که نور کافی و غیرمستقیم دریافت کنند. قراردادن گیاه در معرض نور شدید و مستقیم خورشید می‌تواند باعث افزایش تبخیر آب و خشک شدن سریع خاک شود. از طرف دیگر، قراردادن گیاه در یک اتاق کاملاً تاریک نیز مناسب نیست و بهتر است شرایطی مشابه محیط معمول رشد گیاه فراهم شود.

پلن ۳: پوشش پلاستیکی

یکی دیگر از روش‌های مناسب برای آبیاری گلدان در زمان سفر، استفاده از پوشش پلاستیکی است. برای این روش باید کیسه‌های پلاستیکی را روی گلدان قرار داده و گیاهان را خوب سیراب کنید. سپس با قراردادن پوشش پلاستیکی روی گیاهان، می‌توانید از تبخیر شدن آبی که به آن‌ها داده‌اید، جلوگیری کرده تا این رطوبت چند روز در خاک باقی بماند.

استفاده از روش‌های خودآبیاری

برای سفرهای چند روزه یا طولانی‌تر می‌توان از روش‌های مختلف خودآبیاری استفاده کرد؛ البته این کار پس از تفکیک گیاهان نیازمند به آبیاری بیشتر مانند پیتموس و ماندگار در بی‌آبی ماندن کاکتوس شدنی است.

پلن یک: فیتیله

یکی از روش‌های ساده، قراردادن یک طرف آب در کنار گلدان و استفاده از یک نخ پنبه‌ای یا فیتیله است؛ یک سر نخ داخل آب و سر دیگر آن در خاک قرار می‌گیرد تا به تدریج آب به خاک منتقل شود.

کارهای ممنوعه قبل از سفر

قبل از سفر بهتر است از انجام تغییرات اساسی در شرایط گیاه خودداری کنید. برای مثال، تعویض گلدان، کوددهی سنگین یا هرس شدید درست قبل از سفر، ممکن است باعث وارد شدن استرس به گیاه شود. همچنین نباید برای جبران حضور نداشتن در منزل، مقدار بسیار زیادی آب به گیاه بدهیم. آبیاری بیش از اندازه می‌تواند به اندازه کم‌آبی و حتی بیشتر از آن به گیاه آسیب برساند. پس از بازگشت از سفر هم ابتدا وضعیت خاک و برگ‌های گیاه را بررسی کنید. اگر خاک کاملاً خشک شده است، گیاه را به شکل معمول آبیاری و اگر خاک هنوز مرطوب است، از آبیاری مجدد خودداری کنید. همچنین برگ‌های زرد، خشک یا آسیب‌دیده را بررسی کنید و در صورت مشاهده نشانه‌هایی مانند کپک، بوی نامطبوع خاک یا پوسیدگی، اقدامات لازم را انجام دهید.

پلن ۲: جزیره‌سازی

برای برخی گیاهان که در گلدان سفالی کاشته شده‌اند، این امکان وجود دارد که گلدان را به صورت جزیره‌ای در داخل یک ظرف آب قرار دهید تا آب از طریق زهکشی‌هایی که در بدنه و کف گلدان وجود دارد، به سمت بالا یعنی بستر کشت گیاه حرکت کرده و ریشه را خیس نگه دارد.

پلن ۴: بطری

از این به بعد بطری‌های خالی را دور نریزید. یک بطری نوشابه را بردارید و در آن را سوراخ و سپس دو سوم بطری را پر از آب کنید. سپس بطری را به صورت کج در کنار گلدان قرار دهید. به گونه‌ای که آب آرام آرام و به صورت قطره‌ای، از در بطری خارج شود. با این کار یک آبیاری قطره‌ای انجام داده‌اید. در روشی دیگر، بطری را پر از آب کنید و درپوش آن را کمی باز کنید تا آب قطره‌قطره از بطری بیرون بیاید. حالا بطری را به صورت وارونه در خاک گلدان فرو کنید. آب از بطری به صورت قطره‌ای وارد خاک می‌شود و گیاه را آبیاری می‌کند. یادتان باشد که در بطری باید از جنس پلاستیک باشد و از در چوب‌پنبه‌ای استفاده نکنید.



روایت حفارمردی که نیم قرن در برابر فوران چاه‌ها ایستادگی کرد

پای کار تا مه‌آتش

یونس صادقی | صنعت حفاری از آن بخش‌های صنعت نفت است که تجربه در آن، به اندازه دانش فنی اهمیت دارد؛ آنگاه که تصمیم‌های درست و به موقع می‌تواند سرنوشت یک میدان نفت و گاز را تغییر دهد. حسین شوراب، متولد مسجدسلیمان، از پیشگسوتان حوزه حفاری است که سابقه بیش از پنج دهه فعالیت در صنعت حفاری را در کارنامه دارد. شوراب در گفت و گو با خبرنگار "مشعل" از حضور در شرکت‌های خارجی (دهه ۵۰)، تا توسعه حفاری، مه‌آتش چاه‌ها و فعالیت در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران می‌گوید.

از چگونگی ورود خود به صنعت نفت بگویید.

خرداد ماه ۱۳۳۱ در خانواده‌ای کارگری از کارکنان شرکت نفت در مسجدسلیمان متولد شدم. پدرم سال‌ها در صنعت نفت و حوزه حفاری فعالیت می‌کرد و سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد. او از نسلی بود که همزمان با حضور شرکت‌های خارجی در مسجدسلیمان کار می‌کرد. در خانه ما همیشه صحبت از نفت، حفاری و تجهیزات دکل بود که این فضا روی انتخاب شغلی من تأثیر گذاشت. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ خدمت سربازی بودم و سپس در یک شرکت به نام «سدیران» به عنوان کارآموز گل حفاری، وارد این شرکت شدم.

با توجه به اینکه شما نیروی تازه وارد بودید، نحوه آموزش چگونه بود؟

در آن زمان شرکت نفت برای تربیت نیروهای ایرانی، از میان دیپلمه‌ها آزمون کتبی و سپس مصاحبه برگزار می‌کرد. من در آزمون و مصاحبه پذیرفته شدم. آموزش‌هایی که به ما دادند بسیار فشرده و کاربردی و شامل یادگیری زبان انگلیسی، مباحث تئوری و شیمی گل حفاری بود. شب‌ها هم روی دکل حفاری و به صورت عملی آموزش می‌دادند. در مدت حدود چهارماه، به عنوان "گل‌شناس" روی دکل مشغول کار بودم. بعدها به مناطق گازی اعزام شدم و با حفاری

نیروهای ایرانی مسئولیت‌ها را به عهده بگیرند. ما نیز به مناطق مختلف، به ویژه مناطق مرزی، اعزام شدیم تا از مخازن و میادین مشترک استفاده شود و اجازه ندهیم تنها طرف مقابل از این منابع بهره‌برداری کند. این دوره با آغاز جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس همزمان شد. ما تا آخرین لحظات در مناطق عملیاتی حضور داشتیم، اما با شدت گرفتن حملات، دستور تخلیه داده شد. حتی دکل‌ها باید قطعه‌قطعه و منتقل می‌شدند که البته در برخی موارد امکان انتقال وجود نداشت.

مه‌آتش فوران چاه‌ها از تجربه‌های مهم کاری شما بوده است؛ در این باره توضیح می‌دهید؟

سال ۱۳۷۱ یک فوران در چاه شماره ۵۰ اهواز اتفاق افتاد و حدود ۴۵ روز درگیر این عملیات شدیم. آن زمان من در ستاد و در گروه تدارکات و مه‌آتش حضور داشتم. خوشبختانه توانستیم چاه را مه‌آتش خاموش و آن را به مدار تولید وارد کنیم. بعدها در سال ۱۳۸۴ یک مورد فوران در چاه شماره ۲۳ کنگان اتفاق افتاد و مشخص شد که گاز از عمق حدود ۶ متری خارج و اطراف منتشر شده است. حتی در بخش‌هایی از منطقه نیز گاز مشتعل شده بود که پس از مدت‌ها تلاش سرانجام توانستیم آن را مه‌آتش خاموش کنیم.

یکی دیگر از حوادث مهمی که تجربه کردید، حادثه چاه نفت شهر بود. درباره این عملیات مه‌آتش بگویید.

سال ۱۳۸۹ حادثه‌ای برای چاه ۲۴ نفت شهر اتفاق افتاد برای مه‌آتش چاه دو حلقه چاه امدادی جهت حفاری پیش‌بینی کردیم که خوشبختانه پس از ۲۸ روز با مهارت و فداکاری بیش از حد کارکنان، چاه از سطح مه‌آتش خاموش شد.

برای این عملیات از شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و ملی حفاری نیز کمک گرفتیم؛ این کار با پشتیبانی شرکت نفت مناطق مرکزی انجام شد. البته یکی از چالش‌های مهم تأمین آب بود، زیرا برای اجرای عملیات مه‌آتش به حجم بسیار زیادی آب نیاز داشتیم که با وجود دشواری‌های فراوان، عملیات مه‌آتش باتلاش مجموعه نیروها به نتیجه رسید.

از تجربه خود در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران برایمان بگویید.

یکی از مهم‌ترین مشکلات در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، کمبود نیروی متخصص نظارت فنی حفاری بود. با حمایت مدیران وقت، از ظرفیت بخش خصوصی و نیروهای بازنشسته استفاده و همزمان نیروهای جوان و کارآموز را وارد دکل‌ها کردیم تا آموزش ببینند. این کار در ابتدا بسیار دشوار بود، اما نتیجه خوبی در پی داشت. نیروهایی که آن زمان آموزش دیده بودند، امروز در سطوح بالای مدیریتی و فنی فعالیت می‌کنند. در آن دوره تعداد دکل‌های شرکت نفت مناطق مرکزی ایران نیز افزایش قابل توجه پیدا کرد. زمانی تعداد کمی دکل داشتیم و در مقطعی دیگر، تعداد آنها افزایش یافت؛ طبیعی بود که با این افزایش، نیاز به نیروی انسانی، کالا، تجهیزات و سازمان‌دهی چند برابر شود. به علاوه با تلاش همکارانمان در

چاه‌های گازی و شرایط خاص آنجا آشنا شدم.

چه مسیری را پس از ورود به صنعت نفت طی کردید؟

در آن موقع مدرسه تکنولوژی حفاری اهواز برای تربیت نیروهای ایرانی ایجاد شده بود. دوره آموزشی بسیار سخت و طولانی بود و باید مراحل مختلف کار روی دکل را از پایین‌ترین سطح طی می‌کردیم. پس از گذراندن دوره عملی، آموزش‌های تئوری نیز ادامه داشت. بعدها بخشی از دروس ما در دانشگاه ارزیابی شد و برای تکمیل تحصیلات، دوره‌هایی را در دانشکده نفت گذراندیم. از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۴ در مناطق عملیاتی و به صورت اقماری کار کردم. از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۹ نیز به عنوان رئیس عملیات حفاری فعالیت داشتم. در مجموع حدود ۲۶ سال در مناطق نفت خیز فعالیت کردم.

انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ تحمیلی چه تأثیری بر فعالیت‌های حفاری داشت؟

پس از انقلاب، بسیاری از شرکت‌های خارجی که در زمینه حفاری و خدمات فنی فعالیت می‌کردند، از ایران خارج شدند و فعالیت‌های آنها به شرکت‌های ایرانی واگذار شد. پس از خروج آنها، سیاست شرکت ملی نفت ایران این بود که

شرکت نفت مناطق مرکزی افزایش قابل توجهی گاز داشتیم.

به نظر شما مهم‌ترین مسائل امروز صنعت حفاری ایران چیست؟

سه مسئله اساسی در صنعت حفاری امروز سرمایه‌گذاری، فناوری و مدیریت است. حفاری بدون سرمایه امکان‌پذیر نیست. در حوزه فناوری نیز افزون بر این که بسیاری از تجهیزات باید نوسازی شوند، باید از فناوری‌های جدید برای افزایش برداشت از مخازن استفاده شود؛ مدیریت نیز سومین موضوع مهم در صنعت حفاری به عنوان صنعتی پرهزینه و پرریسک است؛ بدون مدیریت قوی هم پروژه‌ها طولانی و هزینه زیادی به کشور تحمیل می‌شود.

حفاری بدون سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست

در کنار فعالیت عملیاتی، به آموزش هم توجه زیادی داشته‌اید. در این باره توضیح می‌دهید؟

بله، همیشه معتقد بوده‌ام تجربه زمانی ارزشمند است که منتقل شود. در طول سال‌های فعالیت، در دوره‌های آموزشی مختلف تدریس کردم و درباره موضوع‌هایی مانند حفاری، مته و عملیات چاه آموزش دادم. آموزش دادن برای خودمدرس هم یادآوری به شمار می‌آید، زیرا وقتی مطالب را برای نیروهای جوان توضیح می‌دهید، مجبور می‌شوید دانش خود را به روز کنید؛ به همین دلیل مجموعه‌ای از تجربیات عملی خودم را مستند کرده‌ام تا نسل جدیدی که روی دکل‌ها کار می‌کنند، بتوانند از آن استفاده کنند. هنوز هم اگر شرکتی در حوزه حفاری علاقه‌مند باشد، آماده‌ام تجربیاتم را در اختیار نیروهای جوان قرار دهم.

درباره زادگاهتان مسجدسلیمان چه نظری دارید؟

مسجدسلیمان خاستگاه نفت ایران و نخستین تجربه‌های صنعت نفت در آنجا شکل گرفته است، اما متأسفانه بسیاری از جوانان و نیروهای متخصص از این شهر مهاجرت کرده‌اند و آن شکوه گذشته را کمتر می‌بینیم. آرزو دارم مدیران صنعت نفت، به ویژه مدیرانی که متولد جنوب هستند توجه بیشتری به مسجدسلیمان داشته باشند. این شهر افزون بر نفت، ظرفیت‌های تاریخی و گردشگری فراوانی دارد. باید برای اشتغال جوانان، توسعه گردشگری و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی جدید برنامه‌ریزی شود. مسجدسلیمان شهری تاریخی است و نباید اجازه داد مشکلات اقتصادی و اجتماعی، ظرفیت‌های آن را از بین ببرد. ما بچه‌های مسجدسلیمان همچنان امیدواریم این شهر دوباره جایگاه شایسته خود را بیابد.

گنجینه‌ای بزرگ در مسجد سلیمان که نخستین‌های نفت را روایت می‌کند

ضربان تاریخ در قلب موزه



مشعل | در سال‌های گذشته، مرکز اسناد و موزه صنعت نفت، به مدیریت اکبر نعمت‌الهی، تلاش‌های مستمر و گسترده‌ای را برای راه‌اندازی موزه نفت مسجد سلیمان آغاز کرد؛ تلاش‌هایی که با همراهی وزارت نفت و همکاری فعالان میراث صنعتی مسجد سلیمان، شتاب گرفته و شمارش معکوس برای افتتاح بزرگ‌ترین موزه صنعت نفت ایران در این شهر آغاز شده است. مهران حسونوند، مدیر پروژه موزه نفت مسجد سلیمان، در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» به شرح مهم‌ترین اقدام‌های انجام‌شده در این موزه پرداخته است. به گفته وی، موزه نفت مسجد سلیمان تا پایان سال به بهره‌برداری خواهد رسید.



در ابتدا درباره پیشینه شکل‌گیری موزه صنعت نفت مسجد سلیمان و روند اجرای آن توضیح می‌دهید؟

ایده ایجاد موزه صنعت نفت مسجد سلیمان از سال ۱۳۸۳ در وزارت نفت شکل گرفت. مسئولان وقت به این نتیجه رسیدند که آثار، تجهیزات و میراث به‌جامانده از نخستین سال‌های صنعت نفت ایران باید حفظ و به نسل‌های آینده منتقل شود. مسجد سلیمان به عنوان خاستگاه صنعت نفت خاورمیانه و محل فوران نخستین چاه نفت در سال ۱۲۸۷، جایگاهی ویژه در تاریخ صنعت کشور دارد و ضروری بود که این میراث ارزشمند در قالب یک مجموعه موزه‌ای نگهداری شود.

پروژه موزه بی‌بیان در زمینی به مساحت حدود سه هزار متر مربع طراحی شد و افزون بر، حدود ۱۲ هکتار از عرصه‌های تاریخی مرتبط با صنعت نفت نیز در محدوده موزه ثبت شده است. چاه شماره یک، کارخانه تاریخی برق تمبی و پالایشگاه قدیمی بنزین، از جمله بخش‌های مهم این مجموعه هستند.

این پروژه در سال‌های گذشته چه روندی را طی کرده است؟

ساخت موزه با طراحی اسماعیل فرهادیان آغاز شد و با جمع‌آوری آثار باستانی، هسته اصلی این مجموعه شکل گرفت. در سال ۱۳۸۵، با مدیریت فرشید خدادادیان و همکاران پروژه موزه مسجد سلیمان شتاب گرفت و تا ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی کرد. اما از سال ۱۳۹۵ به دلیل محدودیت‌های اعتباری و برخی موانع اجرایی، روند تکمیل آن با وقفه روبه‌رو شد. از بهمن ۱۴۰۴، هم‌زمان با آغاز مسئولیت اینجانب، با حمایت‌های ارزشمند رامین حاتمی، مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و شهرام ذوالفقاری، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان، برنامه‌ای جامع برای احیای این پروژه و به سرانجام رساندن آن در جریان است.

مهم‌ترین اقدام‌های انجام‌شده در ماه‌های اخیر چه بوده است؟

نخستین اقدام، فعال‌سازی مجدد پروژه و تعریف چند طرح زیرساختی بود. پروژه نصب سامانه‌های حفاظتی و دوربین‌های مدار بسته برای حفاظت از آثار آغاز شده است. همچنین موضوع چیدمان موزه و آماده‌سازی فضاهای نمایشگاهی را پیگیری کرده‌ایم. بخش عمده ساختمان و زیرساخت‌های موزه تکمیل شده و آنچه باقی مانده، مربوط به چیدمان آثار، محوطه‌سازی و آماده‌سازی نهایی برای بازدید

عموم است. در ضمن به دنبال بازسازی بیمارستان تاریخی مسجد سلیمان هم هستیم و بخشی از اشیای قدیمی پزشکی جمع‌آوری، ثبت و در گنجینه نگهداری می‌شود که در فرایند بهره‌برداری از موزه بزرگ مسجد سلیمان استفاده خواهد شد. افزون بر این یکسری اسناد و کتاب هم جمع‌آوری، تفکیک و فهرست شده است که در طراحی محتوایی موزه از آنها به نحو مطلوب استفاده خواهد شد.

وضعیت اشیای موزه‌ای چگونه است؟

بخش گسترده‌ای از میراث تاریخی صنعت نفت شامل حدود ۱۴۰۰ اثر ارزشمند، پیش‌تر با دقت جمع‌آوری، طبقه‌بندی و ثبت شده است و اکنون در گنجینه‌های موزه محفوظ مانده‌اند که امیدواریم با راه‌اندازی رسمی موزه، این آثار در معرض دید مردم قرار گیرد، زیرا نگهداری طولانی‌مدت آثار بدون نمایش و بهره‌برداری از آنها، ریسک فرسودگی و آسیب دیدگی این میراث را دوچندان می‌کند.

چه اقدام‌هایی برای حفظ میراث صنعتی و طبیعی مسجد سلیمان انجام داده‌اید؟

به منظور حفظ معماری قدیمی مسجد سلیمان، اقدام‌های جدی برای ثبت و حفاظت از بسیاری از خانه‌های سازمانی قدیمی و بناهای تاریخی شهر در حال انجام است تا از تخریب آنها جلوگیری شود.

در حوزه منابع طبیعی، گونه‌ای از درختان با عنوان «نخل استرالیایی» وجود دارد که ارتفاع آنها به حدود ۲۵ تا ۳۰ متر می‌رسد. این درختان در گذشته از خارج از کشور به ایران وارد شده‌اند و قدمتی حدود ۷۰ تا ۹۰ سال دارند. در حال حاضر، اقدام‌هایی برای

ساماندهی و حفاظت از این درختان در حال انجام است تا از قطع و نابودی آن‌ها جلوگیری شود، زیرا این درختان به عنوان یکی از نمادهای شهرهای نفتی ایران شناخته می‌شوند.

چه زمانی می‌توان انتظار افتتاح موزه را داشت؟

نگاه مدیران ارشد صنعت نفت بسیار جدی است و همه بر تسریع در تکمیل پروژه تأکید دارند. مذاکراتی با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز انجام شده تا روند اجرای بخش‌های باقی‌مانده با سرعت بیشتری پیش برود که امیدواریم با همکاری همه دستگاه‌ها، موزه صنعت نفت مسجد سلیمان تا پایان سال جاری آماده بهره‌برداری شود.

با توجه به ظرفیت گسترده مسجد سلیمان در میراث صنعتی نفت آیا برنامه‌ای برای دیگر بناهای تاریخی شهر وجود دارد؟

بله هدف فراتر از افتتاح صرف یک ساختمان به عنوان موزه است، بلکه درصدد هستیم مجموعه‌ای منسجم از بناها، محوطه‌ها و آثار تاریخی صنعت نفت در مسجد سلیمان در قالب یک «شهر موزه» معرفی شوند. از چاه شماره یک و باشگاه مرکزی گرفته تا منازل سازمانی تاریخی و بیمارستان نفت، همگی می‌توانند حلقه‌هایی از این شبکه گسترده میراث صنعتی باشند. هدف نهایی ما، احیای ۲۲ نقطه از مسجد سلیمان با رویکردی صنعتی و فرهنگی است تا این منطقه به عنوان یک «شهر موزه» شناخته شود.

این پروژه چه اهمیتی برای مردم مسجد سلیمان دارد؟

مردم مسجد سلیمان بیش از یک قرن با صنعت نفت زندگی کرده‌اند. بدران و اجداد آنان در شکل‌گیری این صنعت نقش داشته‌اند و طبیعی است که نسبت به حفظ این میراث

احساس تعلق داشته باشند. انتظار مردم این است که تاریخ تلاش‌ها و خدمات نسل‌های گذشته فراموش نشود و به آیندگان منتقل شود. موزه صنعت نفت در واقع روایتگر بخشی از تاریخ معاصر ایران است و می‌تواند نقش مهمی در معرفی هویت تاریخی، فرهنگی و صنعتی این منطقه ایفا کند.

برای تکمیل پروژه موزه صنعت نفت مسجد سلیمان چه برنامه‌ای در نظر دارید؟

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما استفاده از ظرفیت پژوهشگران، مورخان و متخصصان حوزه تاریخ و میراث فرهنگی است. موزه صنعت نفت مسجد سلیمان نه تنها یک پروژه عمرانی که یک پروژه فرهنگی و تاریخی ملی است و باید از دانش و تجربه صاحب‌نظران این حوزه بهره‌مند شود.

چه انتظاری از جامعه علمی و مسئولان دارید؟

انتظار داریم مسئولان شرایط حضور و فعالیت کارشناسان و پژوهشگران را در منطقه فراهم کنند.

این پروژه ظرفیت آن را دارد که به یکی از مهم‌ترین



▲ پالایشگاه بی‌بیان مسجد سلیمان که در داخل محوطه موزه قرار گرفته

مراکز معرفی تاریخ صنعت نفت و میراث فرهنگی کشور تبدیل شود. هرچه از دانش متخصصان بیشتری استفاده کنیم، نتیجه کار ماندگارتر و ارزشمندتر خواهد بود. هدف ما این است که با همکاری پژوهشگران، مدیران صنعت نفت و متولیان میراث فرهنگی، موزه صنعت نفت مسجد سلیمان را در شأن تاریخ این شهر و جایگاه آن در صنعت نفت کشور آماده و تا پایان سال آن را به مردم خوزستان و ایران تقدیم کنیم.



پیرو فراخوان جذب آثار ادبی و هنری با موضوع "جنگ رمضان" مندرج در شماره‌های ۱۲۳۰ و ۱۲۳۱ ماهنامه "مشعل"، جمعی از همکاران شرکت‌های زیرمجموعه صنعت نفت، با ارسال آثار خود به این فراخوان پاسخ دادند؛ آثاری که در آنها ایستادگی و تلاش همکاران صنعت نفت در روزهای پر حادثه جنگ رمضان به رشته تحریر در آمده است. ماهنامه "مشعل" ضمن قدردانی از همراهی و مشارکت همکاران صنعت نفت در این فراخوان، همچنان بر ادامه این روند و ارسال آثار ادبی و هنری با موضوع جنگ رمضان تاکید می‌کند تا با مشارکت هرچه بیشتر، زوایای بیشتری از رشادت‌ها، تلاش‌ها و خاطرات کارکنان در این دوران ماندگار شود.

*** مهدی هراسی** | صدای انفجار که آمد، به یک باره ته دلم خالی شد. تاپیش از این بلندترین صدایی که شنیده بودم، صدای ترقه‌های دست‌ساز بود که آن‌هم خطر خاصی نداشت، یعنی خطر داشت؛ امانه آنقدر که باعث ترک خوردن یک دیوار شود، چه برسد به اینکه چند خانه را طوری ویران کند که گویی هیچ‌گاه وجود نداشته. می‌دانستم که باید منتظر دستور اعزام باشم و لحظاتی بعد به محل حادثه بروم. شنیده بودم که ممکن است یک جا و مکان را چند بار بزنند و به نیروی امدادگر هم رحم نکنند! اصلاً مگر از کسی که بیش از ۶۰ هزار زن و بچه معصوم فلسطینی را طی دوسه سال اخیر با وحشیانه‌ترین حملات به خاک و خون کشیده، می‌توان انتظار داشت که به مفاد کنوانسیون ژنو پایبند باشد و به نیروهای امدادی حمله نکند؟

بعضی وقت‌ها
خسارت یک
جنگ فقط به
برخورد موشک
با یک ساختمان
خلاصه
نمی‌شود؛
بلکه می‌تواند
با انفجار یک
لایه گاز که

کنند و عده‌ای هم آجرها و سنگ‌های به جای مانده از تخریب ساختمان‌ها و دیوارها را به گوشه‌ای پرت می‌کردند تا خود روی امداد گاز در کنار دیگر خودروهای امدادی به نقطه حادثه که چند خانه مسکونی بود، برسد. چند متر مانده به محل حادثه، بوی تند مرکاپتان گاز، همراه با بوی باروت، بوی گرد و خاک و بوی سیمان، فضا را پر کرده بود. خودروی ما که ایستاد و تلالو نور نارنجی رنگ چراغ آژیرش به آوارهای پیش رویم تابید، پیاده شدم و بی اختیار سرم را بالا گرفتم و آسمان را نگاه کردم؛ نه برای دیدن چیز خاصی، بلکه به خدایی پناه بردم که می‌دانستم از رگ گردن به من نزدیک تر است.

نور چراغ قوه را انداختم سمت اولین علمک. بخشی از دیوار حیاط، روی آن ریخته بود و فقط بالای لوله از بین آوار بیرون مانده بود. کیف ابزار را زمین گذاشتم و آچار را جا انداختم. چند ثانیه طول کشید تا مسیر رگلاتور اول مسدود شود. وقتی علمک بسته شد، سراغ علمک بعدی رفتم. باید خانه به خانه این کوچه را می‌گشتم تا هر انشعابی را که احتمال نشت داشت، از مدار خارج کنم. میان آن همه گرد و خاک و آوار، یک چیز را خوب فهمیدم. اینکه بعضی وقت‌ها خسارت یک جنگ فقط به برخورد موشک با یک ساختمان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند با انفجار یک لوله گاز که اگر به موقع بسته نشود، دردسری مضاعف



عليه السلام



صلى الله عليه وآله وسلم

وزیر نفت در بازدید از رسانه‌های روابط عمومی وزارت نفت:

رسانه، آینه شفاف واقعیت‌های جامعه است



حوزه‌های مختلف به دست شما می‌رسد، گاهی نیازمند صحت‌سنجی است و انتظار دارم به این موضوع دقت کافی شود.

خاطرات خوبی از مشعل دارم

وزیر نفت در ادامه این بازدید، به تحریریه مشعل (نشریه کارکنان صنعت نفت ایران) آمد و ضمن تبریک روز خبرنگار، با اشاره به خاطرات و تجربه‌های خود با این نشریه گفت: از زمانی که در صنعت نفت فعالیت می‌کنم، همواره خاطرات خوبی از «مشعل» داشته و دارم. پاک‌نژاد در پایان از خبرنگاران همه رسانه‌های اداره کل روابط عمومی وزارت نفت شامل شانا، ماهنامه‌های مشعل و ایران پترولیوم و پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت (MOP) و خبرنگاران و فعالان عرصه رسانه در چهار شرکت اصلی و تابعه آن‌ها برای زحماتشان در پوشش فعالیت‌های صنعت نفت قدردانی کرد.



به عملکرد شما در بازتاب اخبار صنعت نفت گفت: انتظار من از شما و فعالان این مجموعه که با وجود چالش‌های موجود زحمت می‌کشند، این است که اخبار را به موقع، دقیق و با استفاده از کلمات صحیح بازتاب دهند و بی‌شک ظرفیت بسیاری برای تقویت هرچه بیشتر این مجموعه وجود دارد. وزیر نفت با تأکید بر نگاه ویژه شانا و رسانه‌های روابط عمومی وزارت نفت به بازتاب و پوشش خبری تلاش کل‌رنجیبه صنعت نفت، گفت: اخباری که از



مشعل | گرامیداشت روز خبرنگار، فرصتی مناسب بود تا مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف صنعت نفت از محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت تا دیگر مدیران صنعت نفت در بازدید از شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شانا) و نشریه کارکنان صنعت نفت (مشعل) با خبرنگاران این مجموعه‌ها دیدار و گفت‌وگو کنند.

وزیر نفت در بازدید از رسانه‌های اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، ضمن تبریک این روز به خبرنگاران و اصحاب رسانه، رسانه را به آینه‌ای شفاف تشبیه کرد و افزود: انتظار ما از یک آینه شفاف این است که اگر نهالی نوپا را مقابل آن قرار دادیم، همان نهال را نشان دهد و اگر درختی تنومند را مقابلش گذاشتیم، تصویر همان درخت را بازتاب دهد؛ این همان شفافیتی است که باید در بخش

روایتی که باید دقیق شنیده شود

نفت در روزهای ایستادگی

روزهایی که کشور در صحنه‌های مختلف درگیر جنگ تحمیلی رمضان بود، صنعت نفت نیز در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار گرفت؛ روزهایی که حفظ تولید و استمرار فعالیت‌ها، نیازمند تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی مستمر و حضور کارکنان در بخش‌های مختلف صنعت نفت بود. از چاه‌ها و سکوها تا تأسیسات و کارکنان

روزهایی که کشور در صحنه‌های مختلف درگیر جنگ تحمیلی رمضان بود، صنعت نفت نیز در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار گرفت؛ روزهایی که حفظ تولید و استمرار فعالیت‌ها، نیازمند تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی مستمر و حضور کارکنان در بخش‌های مختلف صنعت نفت بود. از چاه‌ها و سکوها تا تأسیسات و کارکنان

مشعل | حمید بود، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران از جمله مدیران ارشدی بود که همزمان با گرامیداشت روز خبرنگار در جمع خبرنگاران این رسانه‌ها حاضر شد و ضمن قدردانی از نقش این مجموعه‌ها، از تلاش همکاران خود در روزهای جنگ ۱۲ روزه و رمضان سخن گفت و بر نقش و اهمیت رسانه‌ها در بازتاب این تلاش‌ها، همچنین چاپ و توزیع «مشعل» در میان خانواده بزرگ صنعت نفت سخن گفت. آنچه می‌خوانید شرحی است بر این دیدار.

شرکت ملی نفت ایران همچنین با اشاره به روند بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده در جنگ رمضان گفت: این روند با سرعت در حال پیشرفت بوده و برای لحظه‌ای متوقف نشده است. بود اظهار امیدواری کرد: روند بازسازی با همین سرعت ادامه پیدا کند و حتی زودتر از برنامه تعریف شده، بازسازی تأسیسات به نتیجه برسد.

تحولات رسانه‌ای ضرورت و نیاز جامعه

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در بخشی دیگر از صحبت‌های خود، بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های اطلاع‌رسانی صنعت نفت تأکید و تصریح کرد: با توجه به تغییرات فضای رسانه‌ای و ظهور رسانه‌های نوین، روابط عمومی‌های صنعت نفت نیز باید همگام با تحولات روز، ساختاری پویا، منعطف و متناسب با شرایط جدید داشته باشند. بود با اشاره به اهمیت تخصص و شناخت مخاطب در بازتاب اخبار صنعت نفت گفت: رسانه‌ها می‌تواند با بازتاب اقدام‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های مؤثر صنعت نفت، در تبیین دستاوردها و تقویت امید در جامعه نقش مهم ایفا کنند. وی در ادامه تأکید کرد: ضرورت ایجاد تناسب میان موضوعات تخصصی صنعت و دغدغه‌های جامعه، به ویژه مخاطبان حوزه اقتصادی، ایجاد می‌کند محتوای رسانه‌ای به گونه‌ای تولید شود که ضمن برخورداری از تخصص رسانه و دقت، برای مخاطب عام نیز قابل فهم و کاربردی باشد.

پل ارتباطی نفت و جامعه

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با تأکید بر ضرورت شناخت مخاطب در فعالیت‌های رسانه‌ای گفت: بخش‌های بزرگی مانند صنعت نفت، طیفی گسترده از مخاطبان را شامل می‌شود، از این رو

محتوای رسانه‌ای باید به گونه‌ای تولید شود که افزون بر جامعه تخصصی، برای خانواده‌ها و عموم مردم نیز قابل استفاده و جذاب باشد. بود ادامه داد: بخشی از فعالیت‌های صنعت نفت در زمینه مسئولیت اجتماعی مانند اجرای برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی در مناطق محروم، ظرفیتی مناسب برای روایت رسانه‌ای دارد و می‌تواند به شکلی مؤثرتر برای جامعه تبیین شود. وی همچنین بر ظرفیت ایجاد و توسعه رسانه‌های نو در صنعت نفت تأکید کرد و افزود: راه‌اندازی و تقویت زمینه‌هایی مانند تلویزیون اینترنتی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی تخصصی می‌تواند به توسعه ارتباط مستقیم و مؤثرتر با مخاطبان کمک کند. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اعلام آمادگی برای حمایت از اقدام‌های لازم در حوزه رسانه و روابط عمومی صنعت نفت گفت: برای ایجاد سازوکارهای تازه و افزایش جابجایی و پویا بودن فعالیت‌های رسانه‌ای، هر کمکی که از سوی صنعت نفت لازم باشد، انجام خواهیم داد.

ضرورت حضور «مشعل» در خانواده نفت

حمید بود با اشاره و تأکید بر قدمت و



جایگاه «مشعل» در میان رسانه‌های صنعت نفت، بر ضرورت تقویت و بهبود محتوای این نشریه تأکید کرد. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به تغییر فضای رسانه‌ای و گسترش رسانه‌های دیجیتال گفت: همچنان برای نشریات و مجلات چاپی جایگاه مهمی قائل بوده و معتقد است که ماهنامه «مشعل» می‌تواند نقشی مؤثر در اطلاع‌رسانی نفتی و غیر نفتی داشته باشد. به گفته بود، «مشعل» باید علاوه بر محیط کاری صنعت نفت و کارکنان، راه خود را به خانه‌های کارکنان باز کند و بایده خانواده‌ها را ارتباط بیشتری داشته باشد. به گفته وی، «مشعل» می‌تواند برای خانواده کارکنان صنعت نفت، به ویژه فرزندان آنان، دریچه‌ای برای شناخت بهتر نقش و جایگاه پدر و مادرشان در این صنعت باشد؛ برای نمونه، فرزند یک نیروی اقماری با مطالعه این نشریه متوجه می‌شود که پدرش در صنعت نفت چه نقشی دارد، در چه شرایطی فعالیت می‌کند و چه مسئولیتی را به عهده گرفته است. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بر جایی بودن نشریه کارکنان صنعت نفت (مشعل) و امکان توزیع آن میان خانواده‌های نفتی نیز تأکید کرد.



مجله آندلین

مجله تصویری کارکنان صنعت نفت ایران

مشعل آنلاین راوی دقیق لحظات کارکنان صنعت نفت ایران

 t.me/mashalonline

 ble.ir/mashalonline

 www.aparat.com/Mashalonline

 MashaOnline



همدلی کارکنان شرکت گاز
استان قم در جنگ رمضان

برای آنچه باقی مانده بود

پیرو فراخوان جذب آثار ادبی و هنری با موضوع "جنگ رمضان" مندرج در شماره‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ ماهنامه "مشعل"، جمعی از همکاران شرکت‌های زیرمجموعه صنعت نفت، با ارسال آثار خود به این فراخوان پاسخ دادند؛ آثاری که در آنها ایستادگی و تلاش همکاران صنعت نفت در روزهای پرحادثه جنگ رمضان به رشته تحریر درآمده است. ماهنامه "مشعل" ضمن قدردانی از همراهی و مشارکت همکاران صنعت نفت در این فراخوان، همچنان بر ادامه این روند و ارسال آثار ادبی و هنری با موضوع جنگ رمضان تاکید می‌کند تا با مشارکت هرچه بیشتر، زوایای بیشتری از رشادتها، تلاش‌ها و خاطرات کارکنان در این دوران ماندگار شود.

*مهدی هواسی | صدای انفجار که آمد، به یک باره ته دلم خالی شد. تابیش از این بلندترین صدایی که شنیده بودم، صدای ترقه‌های دست‌ساز بود که آن‌هم خطر خاصی نداشت، یعنی خطر داشت؛ اما نه آنقدر که باعث ترک خوردن یک دیوار شود، چه برسد به اینکه چند خانه را طوری ویران کند که گویی هیچ‌گاه وجود نداشته. می‌دانستم که باید منتظر دستور اعزام باشم و لحظاتی بعد به محل حادثه بروم. شنیده بودم که ممکن است یک جا و مکان را چند بار بزنند و به نیروی امدادگر هم رحم نکنند! اصلاً مگر از کسی که بیش از ۶۰ هزار زن و بچه معصوم فلسطینی را طی دو سه سال اخیر با وحشیانه‌ترین حملات به خاک و خون کشیده، می‌توان انتظار داشت که به مفاد کنوانسیون ژنو پایبند باشد و به نیروهای امدادی حمله نکند؟ وحشیگری، خوی این جماعت است و تا بوده با رحم و مروت بیگانه بوده‌اند.

همان طور که این موج از افکار، دور سرم می‌چرخید، تلفن همراهم رنگ خورد. دخترم بود که بیش از همه بی‌قراری می‌کرد. شاید تماسش لازم بود تا به خودم بپیامم و هم خاطر او را جمع کنم که خطری مرا تهدید نمی‌کند و هم خودم را دل‌داری بدهم که این مأموریت هر چقدر هم که سخت و احتمال حمله مجدد دشمن وجود داشته باشد، باید به خوبی از پس آن بربیایم. خیابان منتهی به محل حادثه، مملو از جمعیت مردم بود. عده‌ای سعی می‌کردند راه را برای خودروهای امدادی باز

کنند و عده‌ای هم آجرها و سنگ‌های به جای مانده از تخریب ساختمان‌ها و دیوارها را به گوشه‌ای پرت می‌کردند تا خودروی امداد گاز در کنار دیگر خودروهای امدادی به نقطه حادثه که چند خانه مسکونی بود، برسد. چند متر مانده به محل حادثه، بوی تند مرکاپتان گاز، همراه با بوی باروت، بوی گرد و خاک و بوی سیمان، فضا را پر کرده بود. خودروی ماکه ایستاد و تالانور نارنجی رنگ چراغ‌آزیرش به آوارهای پیش رویم تابید، پیاده شدم و بی‌اختیار سرم را بالا گرفتم و آسمان را نگاه کردم؛ نه برای دیدن چیز خاصی، بلکه به خدایی پناه بردم که می‌دانستم از رگ گردن به من نزدیک‌تر است. کیف ابزار را برداشتم و به سمت کوچه‌ای که تلی از آوار بود و هیچ شباهتی به کوچه نداشت، دویدم. درست مثل فیلم‌های سینمایی با صحنه‌هایی از جنگ هشت‌ساله.

چند قدم جلوتر، یکی از همکارها بادیست به سمت ردیف خانه‌های آسیب دیده اشاره کرد. منظورش این بود تمام علمک‌ها را باید ببندیم. به نشانه تایید سرم را تکان دادم و با او به راه افتادم. زیر پایهام، خرده شیشه و تکه‌های آجر خرد شده مدام صدا می‌داد.

بعضی وقت‌ها خسارت یک جنگ فقط به برخورد موشک با یک ساختمان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند با انفجار یک لوله گاز که اگر به موقع بسته نشود، دردسری مضاعف درست کند

چند قدم جلوتر، یکی از همکارها بادیست به سمت ردیف خانه‌های آسیب دیده اشاره کرد. منظورش این بود تمام علمک‌ها را باید ببندیم. به نشانه تایید سرم را تکان دادم و با او به راه افتادم. زیر پایهام، خرده شیشه و تکه‌های آجر خرد شده مدام صدا می‌داد.